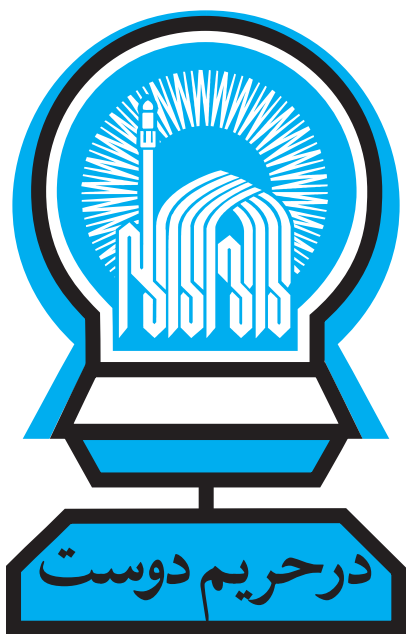


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آداب خدمتگزاری در حرم مطهر رضوی

نویسنده: مهدی نیلی پور



در حریم دوست

(آداب خدمتگزاری در حرم مطهر رضوی)

تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

نویسنده: مهدی نیلی پور

طراح گرافیک: محمود بازدار

ناشر: انتشارات قدس رضوی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

شابک:

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی

اداره امور فرهنگی تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷ صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۳۳۵

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

- ۹ / مقدمه
- ۱۱ / اصول خدمتگزاری در حریم رضوی
- ۱۲ / اصل خدمت در بیوت الهی و مکان‌های مقدس
- ۱۵ / اصل آشنایی با آداب ضیافت معنوی
- ۲۰ / اصل تطهیر (نظافت، بهداشت) و آماده‌سازی حرم
- ۲۱ / اصل انضباط بخشی و نظم‌آفرینی
- ۲۴ / اصل عطرافشانی فضای حرم به نور علم
- ۲۸ / اصل حفظ وقف و بیت‌المال
- ۳۳ / صل یقین به نظارت امام رضا علیه السلام
- ۳۵ / اصل خدمت خالصانه
- ۴۰ / اصل آراستگی و معطر بودن خدام
- ۴۲ / اصل از همه بهتر بودن
- ۴۵ / اصل الگو بودن برای دیگران
- ۴۹ / اصل غنی‌سازی اوقات خدمت و مدیریت زمان
- ۵۲ / اصل نماز اول وقت و اقامه‌ی آن
- ۵۵ / اصل حُسن خلق
- ۶۰ / اصل ادب
- ۶۲ / اصل تحبیب قلوب
- ۶۷ / اصل نگاه و احترام ویژه
- ۶۹ / اصل توجه به محرومان، مسکینان و مستمندان
- ۷۳ / اصل شناخت مردم و تحمّل خطاهای آنان (حلم و بردباری)
- ۷۵ / اصل حفظ اسرار و عدم تتبع عیوب
- ۷۷ / اصل امر به معروف و نهی از منکر
- ۸۰ / عوامل طرد شدن از درگاه امام
- ۹۴ / چهار خاطره و چهار الگوی خدمت از چهار خادم اهل بیت علیهم السلام
- ۱۰۶ / جملات طلایی در موضوع خدمت به زائران

مقدمه

یکی از فرصت های طلایی زندگی هر فرد مسلمان، حضور در بیت الولایه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است که به حق از بیوت الهی در زمین می باشد و خادمان این آستان مقدس که به فیض همجواری و خدمت در این ارض مقدس نائل آمده اند، با حضور در پیشگاه امام رئوف چندین امتیاز بالقوه و یا بالفعل را کسب نموده اند:

۱ - امکان تقرّب هر چه بیشتر به ساحت مقدّس ربوبی با خدمت خالصانه به ولیّ الله.

۲ - امکان تقرّب به خداوند با خدمت به اولیاء الهی که زائر حضرت رضا علیه السلام هستند.

۳ - امکان تقرّب به ساحت مقدّس نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سائر ائمه علیهم السلام، با خدمت خالصانه به ثامن الحجج علیه السلام.

۴ - امکان نیل به مقامات عرفانی و کسب حیات طیّبه با حضور در این بهشت زمینی.

۵ - امکان هدایت و راهنمایی تشنگان ولایت در ضمن خدمت به ایشان.

۶ - تعظیم شعائر اسلامی با تلاش در جهت بسط ارتباط و شکوهمندسازی بارگاه رضوی.

۷ - امتیاز بهره‌مندی از شفاعت و عنایت خاصّ امام رضا علیه السلام.

شکر گزاری در برابر این همه موهبت الهی و فرصت های طلایی، شناخت صحیح صاحب خانه و آداب خدمتگزاری خالصانه و عاشقانه به ساحت مقدّس اوست و کوتاهی در انجام این وظیفه‌ی مهم، کفران نعمت است و موجب محرومیت، خذلان و طرد شدن از خدا و اهل بیت علیهم السلام خواهد بود.

از این رو لازم است خدّام حرم، هم از نظر فردی و هم از نظر جمعی و با حسّاسیت و دقّت تمام به انجام وظایف خود با کیفیت و مطلوبیت حداکثری بپردازند و علاوه بر کسب کمالات معنوی و شخصیتی، خادم محبوبی نزد حضرت و الگوی مناسبی برای زایران حرم باشند و به این مهم، توجه نمایند که انجام خدمت خالصانه، نظم پذیری و انتظام بخشی به امور حرم، آبروی خادمان و عظمت بخش حرم حضرت



علی بن موسی الرضا علیه السلام است.

ما نیز به این بهانه برآن شدیم تا با تبیین وظایف یک خادم نمونه، اصول مدیریت و خدمتگزاری در حریم رضوی را با الهام از آیات قرآن، روایات اهل بیت علیهم السلام و سیره‌ی غلامان و خادمان با صفای معصومین علیهم السلام خدمتتان تقدیم نمائیم؛ به امید آنکه با کسب معرفت و محبت و اطاعت‌پذیری از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، از زمره‌ی بهترین غلامان و خادمان این خانواده باشیم و نام ما در طومار باده نوشان می ولایت و ساقیان کوثر امامت، ثبت و ضبط گردد.

مهدی نیلی پور



اصول خدمتگزاری در حریم رضوی

خدمت به ساحت مقدّس اهل بیت علیهم السلام، خدمت به توحید و خداپرستی است و نوعی تعظیم شعائر اسلامی، اعلام محبت و وفاداری و بیعت با معصومین علیهم السلام به شمار می‌رود؛ از اینرو لازم است این خدمت براساس اصول و قواعد و در شأن و منزلت این خانواده صورت پذیرد.

خدمت اصولی و پسندیده، خدمتی خالصانه، عارفانه، مؤدّبانه، توأم با نظم، دقت و نشاط می‌باشد.

ما در این مجموعه تلاش کرده‌ایم برخی از مهمترین آداب و اصول خدمتگزاری ویژه‌ی خادمان باصفای آستان قدس رضوی علیهم السلام را بررسی کرده و به همهی خادمان آن حضرت تقدیم داریم.



۱. اصل خدمت در بیوت الهی و مکان‌های مقدّس

از جمله سنّت‌های تاریخی در زندگی انبیاء و اولیای الهی، خود سپاری و وقف وجود خود و یا فرزندان خود برای خدمت به سرزمین‌های مقدّس و آبادانی ظاهری و باطنی این سرزمین‌ها و رونق بخشیدن به فضای معنوی مساجد و عبادتگاه‌ها می‌باشد.

حضرت ابراهیم از انبیای بزرگی است که برای عمارت و آبادانی خانه‌ی خدا، به همراه خانواده‌اش از بیت المقدّس به شهر مکه نقل مکان نمود و با معماری کعبه و گماردن خانواده‌اش به عنوان محافظان و خادمان حرم امن الهی، موجبات آبادانی این دیار مقدّس را فراهم آورد. قرآن از زبان ابراهیم علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

(رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي ذَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ...)^۱

«خداوندا من خانواده و فرزندم را در این سرزمین بی‌آب و علف در کنار خانه محترمت سکونت دادم تا نماز را برپا دارند.»

که این نقطه عطف، آغازی مبارک شد برای رونق گرفتن خانه‌ی خدا و فراهم آمدن بستری برای زیارت و عبادت زائران کوی یار و خداوند وظیفه تدارک امکانات و تطهیر حرم جهت استفاده زائران، عبادتگرا و معتکفان را بر عهده دو پیامبرش یعنی حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام قرار داد و فرمود:

(وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ اِبْرَاهِيمَ وَ اسمَاعِيلَ اَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ)

«و عهد کردیم با ابراهیم و اسماعیل که: خانه‌ی مرا تطهیر کنید برای طواف کنندگان، معتکفان، رکوع کنندگان و سجده‌کنندگان»

همچنین قرآن، سنّت مبارک وقف فرزند برای خدمت به عبادتگاه و خانه‌ی خدا را سیره‌ی آل عمران می‌شمارد و از قول مادر حضرت مریم علیها السلام، همسر عمران نبی می‌فرماید:

(إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي



مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلَ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^۱

«به یاد آور زمانی را که همسر عمران گفت: خداوندا؛ من آنچه را که در رحم دارم، برای تو نذر کردم که برای خدمت به (خانه‌ی) تو، آزاد باشد، از من بپذیر که شنوا و دانایی»

به گفته‌ی این آیه مادر مریم نذر کرد فرزند خود را به منظور خدمت به بیت المقدس وقف معبد کند و فرزندش را نیز بر همین اساس «مریم» (عابده) نامگذاری کرد، هر چند این سنت امروز منسوخ شده، اما خادمان افتخاری حریم اهل بیت علیهم السلام به نوعی، به اختیار خود از همین سنت تبعیت کرده‌اند.

تاریخ در همین خصوص، مقام کلید داری بیت الله الحرام و خدمت به حجاج را از جمله برجسته‌ترین امتیازات و افتخارات اعراب، حتی قبل از اسلام می‌شمارد.

خادمان آستان مقدس رضوی علیهم السلام نیز در حقیقت به تبعیت از همین سنت، خود را وقف خدمتگزاری به آستان مقدس اهل بیت علیهم السلام نموده‌اند.

در میان انواع خدمت، سقایت و آبرسانی در مکتب اهل بیت علیهم السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سقایت و سیراب کردن تشنگان یکی از فضیلت‌های فراموش شده و از جمله بهترین عبادات و خدمات به بندگان خداست.

قرآن کریم یکی از خدمات لازم به زایران خانه‌ی خدا را سقایت و سیراب کردن تشنگان می‌شمارد و می‌فرماید: (أَجْعَلْتُمْ سَقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)^۲

هر چند این آیه در مقام مقایسه بین سقایت حاجیان و آبادانی مسجد الحرام از یک سو و جهاد فی سبیل الله بر مبنای ایمانی استوار از سوی دیگر، این دو را غیر قابل قیاس شمرده و جهاد را به مراتب برتر و ارزشمندتر می‌شمارد، اما همین مقایسه نشانگر میزان اهمیت این مسئولیت (سقایت) در صدر اسلام بوده و اینکه مسلمین تا چه حد به کسب این مقام اهمیت می‌داده‌اند.

در روایات در خصوص سقایت آمده است:

۱. آل عمران/۳۵.

۲. توبه/۱۹.



امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«خدای تبارک و تعالیٰ خنک کردن جگر تشنه را دوست دارد. هر که جگر تشنه‌ی حیوان یا جز آن را سیراب کند خداوند او را در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی او نیست در سایه‌ی عرش خود درآورد.»^۱

«هر که به تشنه‌کامی آب بنوشاند خداوند او را از شراب سر به مُهر بهشتی بنوشاند.»^۲



۱. «انَّ اللهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ إِبرَادَ الكَبِدِ الخِرَاءِ وَ مَنْ سَقَى كَبِدًا خِرَاءً مِنْ بَهيمَةٍ وَ غَيرِهَا أَظَلَّهُ اللهُ فِي عَرشِهِ يَوْمَ لاِظِلُّ الأَظِلَّةُ» (بحار الانوار/ ج ۹۶ / ص ۱۷۰)

۲. «مَنْ سَقَى ظِمَانًا ماءً سَقَاهُ اللهُ مِنَ الرُّحيقِ المَخْتومِ» (بحار الانوار/ ج ۹۶ / ص ۱۷۲)

۲. اصل آشنایی با آداب ضیافت معنوی

بر اساس روایات و متون ادعیه و زیارتنامه‌ها، زائران حرم رضوی علیه السلام به عنوان میهمانان حضرت رضا علیه السلام بلکه میهمانان نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و بالاتر از آن میهمانان خدا به شمار می‌روند^۱ و این بزرگواران میزبان اصلی بوده لکن خدام محترم حرم، به نیابت از آن حضرت وظیفه‌ی میزبانی زائران را بر عهده دارند.

در اینجا به ذکر چند شاهد مبنی بر میهمان بودن زائران می‌پردازیم تا میهمان بودن زائران اهل بیت علیهم السلام از منظر روایات و ادعیه معصومین علیهم السلام روشن‌تر شود:

در زیارت حضرت علی علیه السلام، که در روزهای یکشنبه وارد شده است، زائر خود را میهمان آن حضرت می‌شمارد و خطاب به حضرتش عرضه می‌دارد:

(یا مولای یا امیرالمؤمنین هذا یومُ الأحد و هو یومک و باسمک و أنا ضیفک فیه و جارک فأضفنی یا مولای و أجرنی فأنک کریم تحب الضیافة و مأمور بالأجارة فافعل ما رغبت إلیک فیه)

«ای مولای من! ای امیرالمؤمنین، امروز یکشنبه است و آن روز تو و به نام توست و من در این روز میهمان تو هستم و به تو پناه آورده‌ام، پس مرا به میهمانی بپذیر و پناه ده ای مولای من، چه آنکه تو کریمی و میهمانی دادن را دوست می‌داری و (از جانب خدا) به پناه دادن (به بندگان) مأموریت یافته‌ای، پس آنچه را مشتاق آنم درباره‌ی من انجام ده...»

امام صادق علیه السلام در روایتی و در راستای بیان آداب میزبانی، میهمان را زایر و میزبان را مزور خوانده‌اند:

(إِنَّ الزَّائِرَ إِذَا زَارَ الْمَزُورَ فَأَكَلَ مَعَهُ، أَلْقَى عَنْهُ الْحِشْمَةَ...)^۲
«همانا زائر (میهمان) چون مزور (میزبان) را زیارت (ملاقات) کرد لازم است میزبان با او غذا بخورد و هیبت را از خود دور نماید (تا میهمان احساس راحتی کند)...»
پیامبر صلی الله علیه و آله هر تازه واردی به شهر و مکانی را، میهمان اهل آن

۱. چنانچه در اذن دخول از خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و... اذن دخول می‌گیریم.

۲. وسائل / حدیث ۳۰۶۵۴.



مکان می‌شمارند و می‌فرمایند:
 (اِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَلَدَةً فَهُوَ ضَيْفٌ عَلَيَّ مَنْ بَهَا مِنْ اَهْلِ دِينِهِ حَتَّى يَرْحَلَ عَنْهُمْ...)

«وقتی کسی بر اهل شهری وارد می‌شود میهمان همدینان خود از آن دیار است تا زمانی که از نزد آنان برگردد...»
 همچنین در روایتی از پیامبر ﷺ وارد شده که اگر کسی به دیدار برادر ایمانی خود برود نه تنها زائر او که زائر و میهمان خود خدا هم محسوب می‌شود:

(مَنْ زَارَ اَخَاهُ فِي بَيْتِهِ قَالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ: اَنْتَ ضَيْفِي وَ زَائِرِي عَلَيَّ قَرَاكَ وَ قَدْ اَوْجَبْتَ لَكَ الْجَنَّةَ بِحُبِّكَ اِيَّاهُ)^۱

«هر کس برادر دینی‌اش را در خانه‌ی او زیارت کند، خداوند عزوجل درباره‌اش می‌فرماید: تو میهمان منی و بر من است پذیرایی از تو و همانا بهشت را برای تو واجب کردم به خاطر اینکه برادر دینی‌ات را دوست می‌داری.»

در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند چون حضرت علی علیه السلام حد سرقه را درباره‌ی دزدان سابقه‌داری اجرا کرد، آنان را میهمان خواند و دستور اکرام و اطعام آنان را صادر فرمود:

(اَتَى امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بِقَوْمٍ لُصُوصَ قَدْ سَرَقُوا فَقَطَعَ اَيْدِيَهُمْ مِنْ نِصْفِ الكَفِّ وَ تَرَكَ الْاِبْهَامَ وَ لَمْ يَقَطْعُهَا وَ اَمَرَهُمْ اَنْ يَدْخُلُوا اِلَى دَارِ الضِّيَافَةِ وَ اَمَرَ بِاَيْدِيَهُمْ اَنْ تُعَالَجَ فَاَطَعَمَهُمُ السَّمْنَ وَ الْعَسَلَ وَ اللَّحْمَ حَتَّى بَرَّءُوا فَدَعَاهُمْ...)^۲

«گروهی از دزدان با سابقه‌ی دزدی را نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند. حضرت دستهایشان (انگشتانشان) را بریدند و انگشت ابهام را باقی گذاشتند و آن را قطع نکردند و دستور دادند که آنها را به اتاق پذیرایی و میهمانی داخل کنند و سپس به کارگزاران خود دستور داد که آنها را معالجه کنند، آنگاه از روغن و عسل و گوشت به آنها خورانید تا اینکه خوب شدند و سپس دعایشان کرد و...»

بر این اساس لازم است خادمین حرم که وظیفه‌ی خدمتگزاری به زائران را بر عهده دارند همه‌ی زائران را به



۱. کافی / ج ۷ / ص ۲۶۶.

۲. اللص: الشارح معروف (لسان العرب / ج ۷ / ص ۸۷).

عنوان میهمانان امام رضا علیه السلام و بلکه میهمانان خدا، مورد اکرام و پذیرایی قرار دهند و ضمن آشنایی با آداب میزبانی و رعایت این آداب نسبت به خیل عظیم میهمانان حرم، وظیفه خدمتگزاری خویش را به جای آورند.

آداب میهماننداری عبارتند از:

۱. اکرام میهمان

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

(من لم یُکرم ضیفه فلیس من محمدٍ ولا من ابراهیم)^۱
«کسی که مهمانش را اکرام نکند از (امت) محمد و ابراهیم

نیست»

عن الصادق علیه السلام: قال ممّا علّم رسول الله فاطمة أنّ قال (من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیکرم ضیفه)^۲

«از چیزهایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا علیها السلام تعلیم داد این بود که فرمود: هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد بایستی میهمانش را اکرام نماید.»

۲. خدمت به میهمان

قال علی علیه السلام:

(ثلاثٌ لا یستحیا منهنّ: خدمة الرجل ضیفه...)^۳

(سه چیز است که از آنها نباید شرم و حیا کرد، یکی اینکه مرد مهمان خود را خدمت کند...)

۳. پذیرایی و احسان عملی

قال رسول الله: إنّ من مکارم الأخلاق إقراء الضیف)^۴

«از مکارم اخلاق، میهمان نوازی و احسان به میهمان است.»

البته مقام میهمان که حبیب خدا خوانده می شود بسیار بالاست و برعکس تصور عموم مردم، لطف میهمان بر میزبان از احسان میزبان بر او بیشتر است، در روایتی در این خصوص می خوانیم:

أبی محمد وابشی می گوید: نزد امام صادق علیه السلام گفتگوی یاران ما شد و من گفتم صبحانه و شامی نخورم مگر اینکه از

۱. مستدرک / ج ۱۶ / ص ۲۵۹.

۲. وسائل / ج ۲۴ / ص ۳۱۹ / ح ۳۰۶۴۹.

۳. مستدرک / ج ۱۶ / ص ۲۵۹.

۴. (والقری: الاحسان الی الضیف) کتاب العین / ج ۵ / ص ۲۰۴.

۵. جعفریات / ص ۱۵۴.



آنها دو و سه و کمتر و بیشتر، همراه من باشند، آن حضرت فرمود: فضل آنها بر تو بزرگتر است از فضل تو بر آنها، گفتم: قربانت کردم چگونه؟ با اینکه من از خوراکم به آنها بخورانم و از مال خود خرجشان کنم و خانواده‌ام به آنها خدمت کنند؟ فرمود: راستش این است که چون به تو وارد شوند روزی بسیاری از خدای عزوجل بر تو وارد کنند و چون بیرون روند، با آمرزش تو، بیرون روند.^۱

۴. انتظار میهمان

حضرت علی علیه السلام بسیار میهمان را عزیز می‌شمرد و چون میهمانی بر او وارد نمی‌شد، محزون می‌گشت و چون یاران ایشان را محزون می‌یافتند و از علت حزن آن حضرت می‌پرسیدند، می‌فرمود:

(لَسِبَ أَتَتْ لَمْ يَضِفْ إِلَيْنَا ضَيْفٌ)^۲

«زیراً هفت روز است میهمانی بر من وارد نشده است.»

۵. استقبال با روی گشاده

اولین قدم در پذیرایی و اکرام میهمان استقبال از او با چهره‌ای گشاده و لبخندی بر لب است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«گشاده‌رویی نخستین پذیرایی از میهمانان است.»^۳

۶. کار نکشیدن از میهمان

باید توجه داشت کار کشیدن از میهمان امری ناپسند بوده که در سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام مورد مذمت قرار گرفته است.

عبید بن ابی عبدالله بغدادی نقل می‌کند: میهمانی بر امام رضا علیه السلام وارد شد. شب نزد حضرت علیه السلام نشسته بود و حضرت با او سخن می‌گفت که چراغ دگرگون شد و مرد دست خود را دراز کرد تا آن را درست کند. امام مانع شد و خود در درست کردن آن پیشدستی کرد و سپس به او فرمود:

(إِنَّا قَوْمٌ لَا نَسْتُخْدِمُ أَضْيَافَنَا)^۴

«ما جماعتی هستیم که از مهمانانمان کار نمی‌کشیم.»



۱. وسائل / ج ۲۴ / ص ۳۱۷ / حدیث ۳۰۶۴۴.

۲. میزان الحکمه / ح ۱۱۱۰۶.

۳. مجموعه‌ی ورام / ص ۷۳.

۴. الکافی / ج ۶ / ص ۲۸۳.

۷. هدیه دادن به مهمان هنگام بازگشت

۸. یاری نکردن میهمان در برگشتن او

حریر بن عبدالله روایت کرده که جماعتی از قبیله جهینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدند و آن حضرت آنان را ضیافت کرد، چون خواستند از محضرش مرخص شوند، امام صادق علیه السلام دستور داد تا برای آنان توشه‌ی مسافرت ببندند و به آنان صله داد و بخشش نمود، لیکن به غلامان خود فرمود که در بستن بارهایشان به آنان کمک نکنید. چون میهمانان از مقدمات حرکت فارغ شدند و برای خداحافظی خدمت آن حضرت آمدند، عرضه داشتند: یا بن رسول الله! ما را ضیافت کردی و خوب از ما پذیرایی نمودی، پس چرا در آخر به غلامان خود دستور دادی تا در بستن بارها به ما کمک نکنند؟ حضرت فرمود:

(إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نَعِينُ أَضْيَافَنَا عَلَى الرَّحْلَةِ مِنْ عِنْدِنَا)^۱

«ما اهل بیت میهمانان را برای رفتن از نزد خود یاری

نمی‌کنیم.»



۳. اصل تطهیر (نظافت، بهداشت) و آماده‌سازی حرم

از جمله وظایف خادمان حرم، تطهیر، نظافت و آماده‌سازی حرم برای بهره‌برداری و استفاده‌ی زائران و مجاوران می‌باشد. قرآن کریم یکی از وظایف حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهم‌السلام را آماده‌سازی حرم امن الهی برای زائران کوی دوست بر می‌شمارد، زائرانی که برای طواف، اعتکاف، رکوع و سجود راهی این سرزمین شده‌اند.

(... وَ عَهْدْنَا إِلَىٰ اِبْرَاهِيمَ وَ اسمَاعِيلَ اَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ)^۱

«و به ابراهیم و اسماعیل تکلیف کردیم که خانه مرا برای طواف‌کنندگان و معتکفان و راکعان و ساجدان، پاک پاکیزه کنید.»

از این آیه شریفه معلوم می‌شود که آماده‌سازی حرم و تطهیر آن برای عبادت و زیارت کار انبیای الهی است و خادمان حرم در این امر دنباله‌رو سیره‌ی انبیای عظام الهی‌اند. در تفسیر نمونه، ذیل این آیه‌ی شریفه آمده است:

«منظور از طهارت و پاکیزگی در اینجا چیست؟ بعضی گفته‌اند: طهارت از لوث وجود بت‌ها. بعضی گفته‌اند از آلودگی‌های ظاهری و مخصوصاً از خون و محتویات شکم حیواناتی که قربانی می‌کردند، زیرا بعضی از ناآگاهان چنین اعمالی را انجام می‌دادند و بعضی گفته‌اند طهارت در اینجا به معنای خلوص نیت بنای این خانه توحید است. ولی هیچ دلیلی ندارد که ما مفهوم طهارت را در اینجا محدود کنیم، بلکه منظور پاک ساختن ظاهری و معنوی این خانه توحید از هرگونه آلودگی است و لذا در بعضی از روایات می‌خوانیم که این آیه تعبیر به پاکسازی از مشرکان شده و در بعضی دیگر از روایات به شستشوی بدن و پاکیزگی از آلودگی‌ها اشاره می‌کند.»^۲



۱. بقره/ ۱۲۵.

۲. تفسیر نمونه/ ج ۱/ ص ۴۴۹.

۴. اصل انضباط بخشی و نظم آفرینی

از آنجا که آستان قدس رضوی در طول دهه‌های اخیر و با توجه به استقبال بی‌نظیر زائران، گسترش زیادی پیدا کرده است، اداره و مدیریت آن نیاز به سازماندهی کلان، منظم و با برنامه دارد، برنامه‌ای جامع که همه‌ی نیازمندی‌ها و مطالبات زائران در آن به شایستگی در نظر گرفته شده باشد. به همین دلیل وجود یک سلسله مراتب کاری و اداری و پایبندی به نظم تشکیلاتی برای این مدیریت ضروری به نظر می‌رسد.

وجود کمترین ضعف تشکیلاتی و کوچکترین نقص اجرایی، سبب بدبینی زائران و میهمانان امام رضا علیه السلام به این آستان مقدّس می‌شود و ناگفته پیداست همین نقطه تاریک در برخی موارد سبب محروم شدن میهمانان از برکات زیارت می‌گردد.

حضرت علی علیه السلام در اهمیت نظم می‌فرماید:

(أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ)

«شما را به تقوی الهی و نظم در کارهایتان وصیت می‌کنم.»
نظم در لغت یعنی به رشته درآوردن دانه‌های مروارید و به معنای آراستن و مرتب نمودن هم می‌آید و در اصطلاح اخلاقی به معنای مرتب نمودن امور زندگی و آراستن کارها به برنامه‌ریزی با توجه به عنصر زمان و اولویت‌ها و نیازها می‌باشد.^۱

خدّام که در این دریای خروشان رحمت و ولایت مانند مروارید می‌درخشند لازم است با پایبندی به ضوابط و قوانین کار تشکیلاتی، برای هر چه بهتر اداره شدن امور حرم با یکدیگر همکاری و هماهنگی داشته باشند و با رعایت نظم و نظم‌بخشی به امور حرم و زائران، فضای مناسبی را برای استفاده زائران و مجاورین فراهم آورند.

از این‌رو حاکمیت نظم بر همه‌ی امور حرم و رعایت آن از سوی خادمان و حرم‌بانان رضوی، علاوه بر کسب رضایت صاحب‌خانه و اهل بیت علیهم السلام، می‌تواند الگوی مناسبی برای



سایر خدام اهل بیت (علیهم السلام)، در دیگر اماکن متبرکه و زایران آن حضرت در همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی زندگی باشد و در کنار این ارائه الگو، دعوت به نظم و رعایت حقوق دیگران، از جمله مهمترین تذکرات خدام حرم به زائران به شمار می‌آید. رعایت نظم بویژه در انجام مراسم عبادی مانند: نماز جماعت، دعا، عزاداری و... از جایگاه ممتازی برخوردار است و یکی از اسرار وضع زمان، مکان و آداب خاص برای هر عبادت، نظم‌بخشی و جلوگیری از پراکندگی و بی‌نظمی می‌باشد.

نظم در عبادت، بویژه در نماز جماعت از مواردی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نسبت به آن اهتمام و عنایت ویژه‌ای داشتند تا حدی که علاوه بر تذکرات لسانی، شخصاً به تنظیم صفوف جماعت قبل از اقامه‌ی نماز مشغول می‌شدند. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمودند:

(يا أَيُّهَا النَّاسُ اقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَ امْسَحُوا بِمَنَاكِبِكُمْ لئَلَّا يَكُونَ فِیكُمْ خَلَلٌ وَ لَا تُخَالِفُوا فِیخَالِفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ، أَلَا وَ أَنِّي أَرَاكُمْ مِنْ خَلْفِي)

«ای مردم صف‌های (نماز جماعت) را منظم و مساوی کنید و دوش به دوش بایستید تا فاصله و جدایی میان شما نیافتد و نامرتب نباشید که خداوند دل‌های شما را از یکدیگر دورگرداند و بدانید که من شما را از پشت سر می‌بینم که چگونه نظم را در صف‌های جماعت برقرار می‌کنید.»^۱

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند:
«صفوف (نماز) را بیارائید و صورت‌هایتان را برابر کنید.»^۲
«برترین شما، کسانی هستند که شانه‌هایشان به یکدیگر نزدیک‌تر باشد.»^۳

امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند:
«وقتی می‌بینید جایی از صف‌های نماز در آن خللی یافته یا بازمانده و فاصله پیدا شده، آن را پر کنید.»^۴



۱. ثواب الاعمال / ص ۵۲۰.
 ۲. صُفُوفُ صُفُوفِكُمْ وَ حَاذُوا بَيْنَ صَفْحَاتِكُمْ... / مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۵۰۴ / حدیث ۱.
 ۳. أَخْبَارُكُمْ أَلْبَنُوكُمْ مَنَاكِبَ فِي الصَّلَاةِ / مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۵۰۴ / حدیث ۲.
 ۴. (أَنْمُوا الصُّفُوفَ إِذَا رَأَيْتُمْ خَلَلًا فِيهَا وَ لَا يَضُرُّكَ أَنْ تَتَأَخَّرَ وَرَأَكَ إِذَا وَجَدْتَ ضَيْقًا فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ فَتَبِعَ الصَّفَّ الَّذِي خَلْفَكَ وَ تَمَشَى مُنْحَرِفًا) / مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۵۰۵.

«جاهای خالی در صفوف را ببندید، هر که می‌تواند که صف اول را کامل کند و صف‌های بعد از آن را، پس چنین کند چرا که این کار را، پیامبرتان دوست می‌دارد و صفوف (نماز) را کامل کنید، چرا که خدا و ملائکه‌ی او دائماً بر کسانی که صفوف را کامل می‌کنند درود می‌فرستند.»^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«صفوف (نماز) را منظم کنید و شانه‌هایتان را با هم برابر کنید و بین آنها فاصله نیندازید که دچار اختلاف می‌شود و شیطان بین شما جا می‌گیرد.»^۲

همچنین در نظم‌بخشی به صفوف گاهی خود پیامبر صلی الله علیه و آله اقدام می‌فرمودند. نعمان می‌گوید:

«کان رسول الله صلی الله علیه و آله یسوی صفوفنا کأنها یسوی بها القداح...»^۳

«رسول خدا صلی الله علیه و آله صفوف (نماز) ما را طوری منظم می‌کرد که گویی تیرها را (در تیردان) مرتب می‌کند.»

ابن مسعود نیز در این باره می‌فرماید:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز به شانه‌های ما دست می‌کشید و می‌فرمود: یکسان بایستید و از هم جدا مشوید که دل‌های شما از هم جدا می‌شود.»^۴



مصادیق نظم در حرم عبارتند از:

۱. ایجاد نظم در برگزاری مراسمات
۲. ایجاد نظم در صفوف نماز جماعت
۳. ایجاد نظم در مسیر رفت و آمد زوآر
۴. نظم در لباس و آراستگی
۵. نظم در حضور به موقع و به مقدار نیاز خدام
۶. نظم در چینش قرآن‌ها، کتب ادعیه و جامه‌ری‌ها
۵. اصل عطرافشانی فضای حرم به نور علم

۱. (سُدُّوا فُرْجَ الصُّفُوفِ مِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يُتِمَّ الصَّفَّ الْأَوَّلَ وَالَّذِي يَلِيهِ فَلْيَفْعَلْ فَإِنَّ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ نَبِيِّكُمْ وَأَنْتُمَا الصُّفُوفَ فَإِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الَّذِينَ يُنْمُونُ الصُّفُوفَ) / مستدرک / ج ۶ / ص ۵۰۵ / حدیث ۶.

۲. (سَوُّوا صُفُوفَكُمْ وَحَاذُوا بَيْنَ مَنَاكِبِكُمْ وَلَا تُخَالِفُوا بَيْنَهَا فَتُخْتَلِفُوا وَتَتَخَلَّلَكُمُ الشَّيْطَانُ) / مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۵۰۶ / حدیث ۸.

۳. (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَمْسُحُ مَنَاكِبَنَا فِي الصَّلَاةِ وَيَقُولُ اسْتَوُوا وَلَا تُخْتَلِفُوا فَتُخْتَلَفَ قُلُوبُكُمْ...) / مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۵۰۷ / حدیث ۱۱.

۴. مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۵۰۷ / حدیث ۱۲.

همچنان‌که استفاده از عطر هنگام تشرّف به زیارت معصومین علیهم‌السلام از جمله آداب زیارت است و همچنان‌که نظافت و تطهیر اماکن مقدّس از آلودگی‌های ظاهری برای استفاده‌ی بهینه عبادت‌گران، رسالت انبیاست چنانچه ابراهیم علیه‌السلام و اسماعیل علیه‌السلام مأمور تطهیر خانه‌ی خدا برای استفاده‌ی زائران بیت الله بودند، معطر نمودن جان به عطر و نور علم و معطر کردن فضای حرم و قلوب زائران به نور علم از بزرگترین رسالت‌های خادمین آستان اهل بیت علیهم‌السلام خدام حرم امام رضا است.

آری روشن کردن چراغ دل دوستان اهل بیت علیهم‌السلام به نور علم و معرفت از روشن نگاه داشتن چراغ حرم مهمتر است و این مهم محقق نخواهد شد مگر در دو گام: اول علم‌آموزی و معرفت‌افزایی خود خادمان حرم و دوم تعلیم علم به دیگران.

امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

(لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا)

«اگر مردمان زیبایی کلام ما (اهل بیت) را می‌دانستند هر آینه از ما پیروی می‌کردند.»

ناگفته پیداست اهمیت زیارت معصومین علیهم‌السلام به خاطر تقویت محبّت و تبعیت در زائران است و امام رضا علیه‌السلام شرط این تبعیت را آگاهی مردم از معارف شیرین اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند و در این میان نقش خادمان به عنوان یک حلقه‌ی واسطه بسیار مهم به نظر می‌رسد.

خادمان حرم موظفند با کسب معرفت و معرفت‌افزایی در زائران، زمینه تبعیت هر چه بیشتر زائران از امامان خویش را فراهم سازند و جام زلال معارف آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به کام عطشان دوستان این خانواده برسانند و همواره در نظر داشته باشند که خدمت به روح و انسانیت انسان‌ها از خدمت به جسم و دنیای انسان‌ها، بسی والاتر و ارزشمندتر است، مهمترین رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت به خلق خداست و بر این اساس خداوند مردم را به علم‌آموزی در دین در محضر نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمان می‌دهد و می‌فرماید:

«چرا از هر گروهی، طایفه‌ای از آنان (به سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به



سوی قوم خود، آنان را بیم دهند.^۱

از جمله مهمترین انگیزه‌های زائران و مشتاقان اهل بیت علیهم‌السلام در زمان حیات ایشان نیز، علم‌آموزی و بهره‌مندی از معارف ناب معصومین علیهم‌السلام بوده است و تاریخ گواهی می‌دهد که چه بسیار افرادی که از دوردست‌ترین نقاط برای کسب علم به محضر اهل بیت علیهم‌السلام شرفیاب می‌شدند.

حدیث سلسله‌الذهب سند روشنی بر این مدعاست که طی آن امام رضا علیه‌السلام در هنگام عبور از نیشابور و تقاضای ارادتمندان مبنی بر بیان کلامی به عنوان هدیه، آنرا ایراد فرمودند.

در همین خصوص و در بیان سیره‌ی نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که روزی حضرتش با ورود به مسجد النبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دو حلقه از اصحاب خود را دید که یکی مشغول عبادت و حلقه‌ی دیگر مشغول مذاکره علمی بودند. حضرت با دیدن این صحنه فرمودند:

«كِلَاهُمَا خَيْرٌ وَلَكِنِ بِالْتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ»^۲

«کار هر دو گروه خوب است، اما من برای آموختن و تعلیم فرستاده شده‌ام.»

و آنگاه در میان حلقه مذاکره علمی نشستند.

این داستان به خوبی بیان‌کننده‌ی رسالت مسجد و اماکن مذهبی است که باید محوریت آنها براساس علم‌آموزی و تعلیم باشد و حرم امام رضا علیه‌السلام نیز به عنوان یکی از متبرکترین بقعه‌ها و مراکز عبادت لازم است این رسالت را دنبال کند و خادمان حرم به عنوان عوامل اجرایی معنویات اهل بیت علیهم‌السلام و امام رضا علیه‌السلام باید در تحقق این مهم نقش بسزایی ایفا کنند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مقام پرسش و پاسخ و جواب به ابوذر درباره‌ی برتری علم بر ذکر فرمودند:

«یک ساعت نشستن برای مذاکره‌ی علمی، نزد خداوند از هزار شب عبادتی که هر شبش انسان، هزار رکعت نماز بخواند، محبوبتر است، یک ساعت نشستن برای مذاکره‌ی علمی، نزد خداوند از هزار جنگ در راه خدا و ختم تمام قرآن محبوبتر

۱. توبه/۱۲۲ (قُلُوا نَفَرًا مِّنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ...)

۲. بحارالانوار/ج ۱/ص ۲۰۶.



است، ابوذر گفت: ای رسول خدا! آیا یک ساعت مذاکره‌ی علمی از خواندن تمام قرآن بهتر است؟! پس پیامبر ﷺ فرمودند: ای ابوذر! یک ساعت نشستن برای مذاکره‌ی علمی، نزد خدا از دوازده هزار ختم قرآن، محبوبتر است، بر شما باد به مذاکره‌ی علمی، چرا که شما با علم، حرام را از حلال باز می‌شناسید، ای ابوذر یک ساعت نشستن در جلسه‌ی مذاکره‌ی علمی، برای تو از یکسال عبادت که روزهایش را روزه‌دار و شب‌هایش را به عبادت مشغول باشی، بهتر است...»^۱

از اینرو ضمن ارج نهادن به تلاش‌های خالصانه خادمین آستان قدس رضوی، نسبت به سامان بخشیدن امور عبادی و انتظامی حرم، لازم است این عزیزان نسبت به فرهنگی ساختن فضای حرم و آماده‌سازی بستر علم‌آموزی تلاش افزونتری داشته باشند تا همچنان که زائران با ورود به حرم، عطر ملکوتی ذکر ولایت را استشمام می‌کنند، احساس دومی هم در آنان نسبت به فضای علمی و معرفتی حرم بیدار شود.

تشکیل حلقه‌های علمی و مذاکره‌ی علمی درباره‌ی اصول و فروع دین و تبدیل حرم به بزرگترین دانشگاه‌های تربیتی با بیشترین و علاقه‌مندترین دانش‌پژوهان توسط برنامه‌ریزان و خادمان حرم به عنوان مدرسان و مربیان دلسوز این مکان، امری مهم و حیاتی به نظر می‌رسد.

در یک نگاه کلی می‌توان دلایل لزوم و اهمیت فرهنگی نمودن فضای حرم را اینگونه برشمرد:

۱. سنت و شیوه‌ی پیامبر اکرم ﷺ در مسجد النبی ﷺ تشکیل هسته‌های علمی بوده است.
۲. پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در مسجد و بیوت خود به پاسخگویی سؤالات مردم می‌پرداختند.
۳. معصومین علیهم السلام نسبت به علم‌آموزی و تشکیل جلسات علمی و دینی تأکید فراوانی داشتند.

۱. مستدرک/ ج ۵/ ص ۳۹۶ (الجلوس ساعة عند مذاكرة العلم أحب إلى الله من قيام ألف ليلة يصلي في كل ليلة ألف ركعة و الجلوس ساعة عند مذاكرة العلم أحب إلى الله من ألف غزوة و قراءة القرآن كله، قال (ابوذر) يا رسول الله! مذاكرة العلم ساعة خير من قراءة القرآن كله!!! فقال رسول الله ﷺ: يا اباذر! الجلوس ساعة عند مذاكرة العلم أحب إلى الله تعالى من قراءة القرآن كله إنا عشر ألف مرة، عليكم بمذاكرة العلم فإن بالعلم تعرفون الحلال من الحرام، يا اباذر! الجلوس ساعة عند مذاكرة العلم خير لك من عبادة سنة صيام نهارها و قيام ليالها...)



۴. امام رضا علیه السلام همواره پاسخگوی سؤالات مردمی بودند و حتی در مناظره با سران مکاتب دیگر برای آگاهی بخشی شرکت فعال داشتند.

۵. مشکل عمده‌ی بسیاری از زائران و مجاوران حرم، جهالت، ضعف آگاهی‌های دینی و کمی معرفت نسبت به دین و امامان خویش است و فرصت زیارت بهترین زمان برای درمان این مشکل دوستان علی ابن موسی الرضا علیه السلام به شمار می‌رود.

۶. در مجموع روایات اهل بیت علیهم السلام به برتری و اولویت علم بر ذکر و عبادت تأکید شده است.

۷. در زمان حیات اهل بیت علیهم السلام بیشترین مراجعه مردم برای علم‌افزایی و یافتن پاسخ پرسش‌های خود بوده است.

۸. اشتغال به ذکر و عبادت بدون پشتوانه علم و معرفت به آسیب‌هایی نظیر غلو، غرور یا تحجر و... منجر می‌شود.

۹. علم همچون ذکر، خود به تنهایی از بزرگترین عبادات بوده و عامل تقرب به خداست.



۶. اصل حفظ وقف و بیت‌المال

یکی از مهمترین خصلت‌های اهل بیت علیهم‌السلام دقت نظر در حفظ، تقسیم و استفاده از بیت‌المال بوده است. امامان علیهم‌السلام ضمن حفظ حقوق مردم و احترام به اموال عمومی، کمترین استفاده را برای خود و نزدیکان خود از بیت‌المال داشته‌اند و هیچ حقی فراتر از قانون برای خود قائل نبودند و از هرگونه تصرف بی‌مورد در ثروت‌های عمومی و دارایی‌های حکومت دینی به شدت پرهیز می‌کردند، زیرا اینکار را موجب تباهی دین، دنیا و عقوبت‌های سخت آخرتی می‌دانستند. در سیره‌ی اقتصادی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام و علمای راستین دین موارد متعددی به چشم می‌خورد که بیانگر میزان دقت و اهتمام آن بزرگواران در رعایت و حفظ بیت‌المال و اموال عمومی می‌باشد.

آشنایی با این سیره‌ی مبارک، سخنان و جلوه‌های رفتاری معصومین علیهم‌السلام و بزرگان دین برای همه از جمله کارگزاران و خدمتگزاران بارگاه امام رضا علیه‌السلام بسیار ضروری، مفید و درس‌آموز است. این جلوه‌های زیبای رفتاری را در چند موضوع می‌توان پیگیری نمود:



پرهیز از استفاده‌ی شخصی از بیت‌المال و انتخاب ساده‌ترین زندگی اقتصادی

حضرت علی علیه‌السلام هنگامی که خلافت را به عهده گرفت، در مدینه سخنرانی کرد و فرمود: «ای جماعت مهاجران و انصار! ای گروه قریش! بدانید که - به خدا قسم - تا وقتی حتی یک درخت خرما از من در یثرب سرپا باشد من از غنائم (و خراج) شما چیزی برای خود بر نمی‌دارم. آیا فکر می‌کنید؟ من که خودم و فرزندانم را محروم می‌کنم (و فقط به اندازه‌ی حقشان به آنها می‌دهم) به شما عطا می‌کنم (و بیشتر از حق و حقوقتان به شما چیزی می‌دهم)؟ بی‌گمان میان سیاه و سفید به یکسان عمل خواهم کرد. در این هنگام (برادر امام) عقیل بن ابی طالب برخاست و گفت: مرا با سیاهی از سیاهان مدینه یکسان قرار می‌دهی؟ حضرت فرمود: بنشین، خدایت رحمت

کند. کس دیگری غیر تو در این جا نبود که سخن بگوید؟ تو را بر آنان برتری نیست مگر به سابقه‌ی ایمان و تقوا!»^۱
 در بیان سیره‌ی اقتصادی حضرت علی علیه السلام از شعبی نقل شده که می‌گوید:

نوجوانی میان نوجوانان بودم که به رحبه‌ی کوفه وارد شدم. ناگاه علی علیه السلام را دیدم که میان دو کُپه زر و سیم ایستاده و تازیانه‌ای به دست داشت و با آن مردم را دور می‌کرد و سپس به سمت آن مال‌ها بر می‌گشت و بین مردم تقسیم می‌کرد، تا جایی که از آن چیزی باقی نماند و خود دست خالی به طرف خانه‌اش بر می‌گشت، من نزد پدرم رفتم و گفتم: نمی‌دانم امروز بهترین مردم را دیدم یا بدترین آن‌ها را؟! پدرم گفت: پسر، چه کسی را دیدی؟ گفتم: علی بن ابیطالب، امیرمؤمنان علیه السلام را دیدم که این کار را می‌کند و داستان را برای پدرم شرح دادم. پدرم گریست و گفت: پسر، تو بهترین مردم را دیده‌ای.^۲



عدم حبس بیت‌المال و اموال عمومی

امام علی علیه السلام فرمودند:

«دوست من رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیزی (از بیت‌المال) را برای فردا نگه نمی‌داشت و ابوبکر نیز چنین می‌کرد. اما عمر به فکر افتاد که در این زمینه دفترها ترتیب دهد و اموال را از سالی تا سال دیگر ذخیره می‌کرد. لیکن من همان کاری را می‌کنم که دوستم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌کرد.»

راوی، ضحاک بن مزاحم، می‌گوید: علی علیه السلام جمعه به جمعه عطا می‌داد و می‌فرمود: این میوه‌ای است که من چیده‌ام و خوب‌هایش هم در میان آن‌هاست، در حالی که هر میوه‌چینی دستش به سوی دهان خودش می‌رود (و آن چه می‌چیند خودش می‌خورد).^۳

مجمع تبصی درباره‌ی حضرت علی علیه السلام می‌گوید:

مجمع تیمی: امام علی علیه السلام بیت‌المال را جارو می‌کرد و سپس در آن نماز می‌گزارد، به این امید که روز قیامت در حق

۱. میزان الحکمة / ح ۱۹۴۲.

۲. میزان الحکمة / ح ۱۹۴۳۶.

۳. میزان الحکمة / ح ۱۹۴۳۴.

او شهادت دهد که در آن مالی را از مسلمانان نگه نداشت.^۱

فریفته نشدن به اموال عمومی

امام باقر علیه السلام فرمود: «علی علیه السلام اموال را آورد و ترازو داران و زر سنجان را در برابر خود نشانید و کپه‌ای از زر و کپه‌ای از سیم درست کرد و فرمود: ای سرخ‌ها، و ای سفیدها، سرخ شوید و سفید شوید و غیر مرا بفریبید.»^۲

دقت در صرفه‌جویی مصرف بیت‌المال

امام علی علیه السلام - در نامه‌ای به کارگزاران خود - فرمود: «نوک قلم‌هایتان را باریک کنید و سطرهایتان را نزدیک به هم بنویسید و از نوشتن مطالب اضافی برای من خودداری ورزید و جان کلام و لبّ مطلب را بنویسید و از زیاده‌گویی بپرهیزید؛ زیرا اموال مسلمانان ضرر و زیان را بر نمی‌تابد.»^۳

بازگرداندن اموال غارت شده‌ی عمومی به بیت‌المال

امام علی علیه السلام - درباره‌ی زمین‌هایی که عثمان به بعضی بخشیده بود و حضرت آن‌ها را به مسلمانان بازگرداند - فرمود: «به خدا سوگند اگر ببینم که به کابین زنان یا بهای کنیزان رفته باشد، هر آینه آن را باز می‌گردانم؛ زیرا دامنه عدالت گسترده است و هر که عدالت بر او تنگ آید (و با همه‌ی گستردگی‌اش آن را تحمل نکند) ظلم و بیداد بر او تنگتر آید!»^۴

رعایت عدالت در تقسیم و توزیع اموال عمومی و توجه

به همه‌ی طبقات اجتماعی

امام صادق علیه السلام در پاسخی به سؤال از تقسیم بیت‌المال - فرمود: مسلمانان، فرزندان اسلام هستند در عطا میان آنان برابری می‌نهم. فضایل و برتری‌هایشان میان خودشان و خداست. من آن‌ها را مانند فرزندان یک مرد تلقی می‌کنم که



۱. میزان الحکمة / ح ۱۹۴۳۲.

۲. میزان الحکمة / ح ۱۹۴۳۸.

۳. میزان الحکمة / ح ۱۹۴۴۱.

۴. میزان الحکمة / ح ۱۹۴۲۹.

در میراث، یکی از آن‌ها به دلیل فضل و کمالش بر دیگری که ضعیف و ناقص است، برتری داده نمی‌شود.^۱

در اینجا مناسب است در کنار آشنایی با سیره‌ی اقتصادی اهل بیت علیهم‌السلام، نیم‌نگاهی نیز به دیدگاه‌ها و اندیشه‌های امام رضا علیه‌السلام در این خصوص بیان‌دازیم و با جلوه‌های رفتاری آن حضرت بیشتر آشنا گردیم.

امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ وَ اضَاعَةَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ»^۲
«همانا خداوند جزّ و بحث و جدال و از بین بردن مال و

پرسش بیش از حد را دشمن می‌دارد.»

«لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ: بِبُخْلِ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ»^۳
«مال جمع نمی‌شود مگر با پنج خصلت: بخل شدید، آرزوی طولانی، آزمندی غالب، قطع رحم کردن و ترجیح دادن دنیا بر آخرت.»

«السَّخِيُّ يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِأَكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ وَ الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لئَلَّا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ»^۴
«سخاوتمند غذای مردم را می‌خورد تا از غذایش را بخورند و

بخیل غذای مردم را نمی‌خورد تا از غذایش نخورند.»

«هر کس با روزی کم از خداوند راضی شود، خداوند نیز با عمل اندک، از او راضی شود... کسی که به اندک از حلال رضایت دهد، مخارج او سبک می‌شود، خانواده‌اش خوش و خرم زندگی می‌کنند، خداوند او را با درد و دوی دنیا آشنا می‌کند و وی را با سلامت از دنیا بیرون می‌برد.»^۵

از یعقوب نوبختی روایت شده است که گفت: مردی به امام رضا علیه‌السلام رسید و گفت: به قدر مروّت چیزی به من بده! امام علیه‌السلام فرمود: قدرت این کار را ندارم؛ عرض کرد به قدر مروّت من بده! امام علیه‌السلام فرمود: حالا درست شد، سپس به



۱. میزان الحکمة / ج ۱۹۴۲۴.

۲. وسائل الشیعه / ج ۱۳ / ص ۲۴۲/۷.

۳. وسائل الشیعه / ج ۱۷ / ص ۳۴.

۴. تحف العقول / ص ۴۴۶.

۵. منتهی الآمال / ج ۲ / ص ۳۱۱.

غلام خود فرمود دویست دینار به او بدهید.^۱
علی بن شعیب گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدم،
فرمود علی! زندگی چه کسی از همه بهتر است؟ عرض کردم:
سرور من! شما بهتر می‌دانید، فرمود: آن کسی که زندگی
دیگری در پرتو زندگانی او خوش باشد. علی! زندگی چه
کسی از همه بدتر است؟ گفتم: شما داناترید فرمود: کسی از
همه بدتر است که دیگری در سایه‌اش نیاساید... علی! بدترین
مردم کسی است که خیرش به کسی نرسد، غذایش را تنها
خورد و غلامش را شلاق زند.^۲



۱. تحف العقول / ص ۷۱۲

۲. تحف العقول / ص ۷۱۴

۷. اصل یقین به نظارت امام رضا علیه السلام

شیعیان اهل بیت علیهم السلام و بویژه ذریه‌ی، پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و منتسبان به این خانواده مانند روحانیان، مداحان و بویژه خادمان ایشان لازم است اهل مراقبت از خود و اعمال خود بوده و با تقوا و پرهیز از خطا، آبرویی برای اهل بیت علیهم السلام باشند؛ تحصیل این مهم و موفقیت در مراقبت از خود، نیازمند درک حضور و نظارت خدا و معصومین علیهم السلام در زندگی، افکار، اخلاق و اعمال ماست.

رعایت ادب حضور خدا و امامان علیهم السلام در حرم اهل بیت علیهم السلام که محضر خاص خدا و اولیای الهی است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و در این میان خادمان به عنوان کسانی که همواره در این محضر خاص توفیق حضور و خدمت می‌یابند به رعایت ادب آن از دیگران سزاوارتر و اولی‌ترند.

حرم حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام، محل حضور دائمی ملائکه الهی، ارواح مقدس انبیاء و اولیاء و کانون تجلی روح ملکوتی امام رضاست. در دعای اذن دخول می‌خوانیم:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ
كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاؤَكَ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ
يُرُدُّونَ سَلَامِي...)

«خداوندا، من به احترام صاحب این زیارتگاه شریف در زمان غیبت و پنهانیش اعتقاد دارم همانگونه که به زمان حضور وی معتقدم، (غیبت او برای من چون حضور اوست) و می‌دانم که پیامبرت و خلفای تو علیهم السلام زنده‌اند و نزدت روزی داده می‌شوند، جایگاه مرا می‌بینند، کلام مرا می‌شنوند و سلامم را پاسخ می‌گویند...»^۱

این عبارات بیانگر حیات معنوی امام و حضور و نظارت آن حضرت بر اندیشه، گفتار و رفتار ماست، تا آنجا که حتی جواب سلام ما را می‌دهند. بر این اساس لازم است با تقویت حس حضور در خویش، این نظارت امام بر زندگی‌مان را تصدیق و باور کنیم.

۱. مفاتیح نوین / ص ۲۱۹.



علاوه بر این شیعیان و زایران اهل بیت علیهم السلام و بویژه خادمان ایشان لازم است بدانند پرونده اعمال آنها هر هفته و بلکه هر روز به محضر امامان علیهم السلام عرضه می شود و معصومین علیهم السلام در صورت مشاهده عمل صالح در پرونده‌ی آنها، برایشان از درگاه الهی طلب فزونی توفیقات می کنند و در صورت مشاهده خطا - که البته برای یاران بسی اسباب شرمندگی است - برای آنان طلب مغفرت می کنند.

روایات متعددی گویای این حقیقت است که به چند نمونه‌ی آن اشاره می کنیم:

عبدالله بن اَبان که در نزد حضرت رضا علیه السلام صاحب آبرو و مقام بود می گوید از امام رضا علیه السلام درخواست کردم که برای من و اهل بیتم دعا کنند، پس حضرت فرمودند: آیا من دعا نمی کنم؟ (و الله إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ) «به خدا سوگند روز و شب اعمال شما بر من عرضه می شود» راوی می گوید من این مطلب را بزرگتر و عجیب شمردم. پس حضرت به من فرمودند: آیا کتاب خدای عزوجل را نمی خوانی؟! «وَقُلْ إِعْمَلُوا فَسِيرِيَ اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَ رِسْوَلُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» به خدا قسم مقصود از مؤمنون در این آیه علی ابن ابیطالب علیه السلام است.^۱

یعقوب بن شعیب می گوید از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه‌ی شریفه «وَقُلْ إِعْمَلُوا فَسِيرِيَ اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَ رِسْوَلُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» پرسیدم حضرت فرمودند: «منظور از «المؤمنون» در این آیه ی شریفه ائمه علیهم السلام هستند.»^۲

سَمَاعَه می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: شما را چه می شود که پیغمبر صلی الله علیه و آله را ناخوش و اندوهگین می کنید؟ مردی گفت: ما او را ناخوش می کنیم؟! حضرت فرمودند: (أَمَّا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى فِيهَا مَعْصِيَةً سَاءَةً ذَلِكَ فَلَا تَسْوَأُوا وَ سُرُّوهُ)

«مگر نمی دانید که اعمال شما بر آن حضرت عرضه می شود و چون گناهی در آن بیند، اندوهگین می کند؟ پس نسبت به پیامبر بدی نکنید و او را (با عبادات و طاعات خویش) مسرور سازید.»



۱. اصول کافی / ج ۱ / ص ۲۲۰. [بگو (هر کاری می خواهید) انجام دهید که خداوند، رسول او و مؤمنین عمل شما را می بینند.]

۲. همان / ص ۲۱۹ / حدیث ۲.

۸. اصل خدمت خالصانه

یکی از ارزشمندترین عبادات اسلامی و از جمله مهمترین مسئولیت‌های یک انسان مسلمان، خدمت رسانی و کمک به خواهران و برادران انسانی و دینی خود با قصد جلب رضایت خداوند متعال است. قرآن برقراری ارتباط با خدا را در کنار برقراری ارتباط با خلق ذکر کرده و در کنار دستور به اقامه‌ی نماز به عنوان سبب ارتباط با حق، به پرداخت زکات به عنوان سبب ارتباط عاطفی مالی با خلق فرمان داده است.

فرمان به انفاق، صدقه، قرض الحسنه، ایثار، تعاون به بر و... همه و همه در راستای همین وظیفه‌ی انسانی و دینی است. امامان (علیهم‌السلام) در خدمت به خلق کوتاهی نمی‌کردند و آن را چون هدیه‌ای ارزشمند از جانب خدا دوست می‌داشتند. چنانچه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «هنگامی که خداوند اراده کند نسبت به جمعیتی نیکی نماید هدیه‌ی گرانبهایی برای آنها می‌فرستد، عرض کردند: چه هدیه‌ای؟ فرمود: میهمان که با روزی‌اش وارد می‌شود و گناهان میزبان را با خود می‌برد و بخشوده می‌شوند.»

شهر آشوب در بیان سیره‌ی امام رضا (علیه‌السلام) نقل می‌کند: «روزی حضرت رضا (علیه‌السلام) وارد حمام شد. مردی بدون آنکه حضرت را بشناسد از ایشان خواست تا او را کیسه بکشند و گفت: (ذلکنی) «مرا کیسه بکش» و آن حضرت بدون درنگ از این خدمت استقبال کرد.»

بر مؤمن لازم است در خدمت به خلق همه را به چشم عزیزترین نزدیکان خود ببیند و دست محبت بر سر همگان بکشد تا بتواند به مقام «محسنین» نائل آید. حضرت علی (علیه‌السلام) در تعریف «محسن» می‌فرماید:

(المُحْسِنُ مَنْ عَمَّ النَّاسَ بِالْإِحْسَانِ)^۱

«محسن کسی است که به همه‌ی مردم احسان کند.»

پوریای ولی می‌گوید:

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن

به دمی یا درمی یا قدمی یا قلمی



۱. غررالحکم / ص ۳۸۸.

اهل بیت علیهم السلام در آموزش خدمت خالصانه در این زمینه، از همگان گوی سبقت ربوده‌اند، بی‌جهت نیست که خداوند این خاندان را در قرآن با نام «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» خوانده است. خدمت خالصانه‌ای که در قبال آن انتظار هیچ پاداش و یا حتی تشکری نباشد، چنانچه وقتی اهل بیت علیهم السلام سه روز روزه گرفتند و در هر سه روز افطار خود را به مسکین، یتیم و اسیر دادند و با آب افطار نمودند زبان حالشان چنین بود و خداوند در وصف این خدمت خالصانه‌ی ایشان فرمود:

(إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا)^۱

«همانا، تنها به خاطر خدا شما را اطعام کردیم و (در مقابل) از شما هیچ پاداش و یا تشکری نمی‌خواهیم.»

در کنار خدمت خالصانه، در روایات از کوتاهی در خدمت و یا منت گذاشتن پس از خدمت و احسان به عنوان آفات خدمت، به شدت پرهیز داده شده است.

ابوهارون می‌گوید: من در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که به چند تن فرمود: چرا شما ما را سبک می‌شمارید؟ «ما لکم تَسْتَخْفُونَ بِنَا» پس مردی خراسانی برخاست و گفت: به خدا پناه می‌بریم از اینکه به تو یا چیزی از اوامر تو بی‌توجه باشیم و آن را سبک انگاریم.

امام علیه السلام فرمود: آری تو خود یکی از کسانی هستی که مرا سبک می‌شماری. او گفت به خدا پناه می‌برم از اینکه شما را سبک بشمارم. امام علیه السلام فرمود: وای بر تو! آیا نشنیدی فلانی وقتی که ما نزدیک جحفه بودیم به تو می‌گفت: مرا به مسافت یک میل سوار کن که به خدا وامانده‌ام؟ و به خدا سوگند تو به او نگاه هم نکردی و هیچ پاسخی به او ندادی و او را سبک شمردی.

«مَنْ اسْتَخَفَّ بِمُؤْمِنٍ فِينَا اسْتَخَفَّ وَ صَيَّعَ حُرْمَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»^۲
 «هر کس مؤمنی را سبک شمرد، ما را سبک شمرده و حرمت خدای عزوجل را تباه ساخته است.»

حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر در خصوص پرهیز از منت‌گذاری فرمودند:



۱. انسان/۹.

۲. کافی/ج ۸/ص ۱۰۲.

(و اِيَّاكَ وَ الْمَنَّ عَلَى رِعِيَّتِكَ بِاحْسَانِكَ أَوِ التَّرْتِيْدَ فِيمَا كَانَ
مِنْ فَعْلِكَ..... فَإِنَّ الْمَنَّ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ وَ التَّرْتِيْدَ يَذْهَبُ بِنُورِ
الْحَقِّ وَ...)^۱

«مبادا هرگز با خدمت‌هایی که انجام داده‌ای بر مردم
منت‌گذاری یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری... زیرا
منت نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد و کاری را بزرگ
شمردن، نور حق را خاموش می‌گرداند.»



۹. اصل زینت امام بودن، نه امام را زینت خود قرار دادن!

دوستان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام بنا بر انگیزه دوستی خود به آن بزرگواران به چند گروه تقسیم می‌شوند، برخی اهل بیت علیهم السلام را سپر اهداف دنیایی خود و کسب اعتبارات دنیایی و زینت خود قرار می‌دهند و در پشت نقاب شیعه‌گری و خدمت‌گزاری به این خاندان در پی جلب توجه دیگران و کسب وجهه دنیایی‌اند که جایگاهی نزد اهل بیت علیهم السلام ندارند، اما برخی از دوستان خالص، که در پی جلب رضایت اهل بیتند با خودسازی و گردن نهادن به فرامین ایشان تا جایی پیش می‌روند که زینت امامان محسوب می‌گردند؛ این گروه که ارادتی خالصانه و بدور از شائبه‌های دنیوی دارند در پیشگاه امامان علیهم السلام از منزلتی والا برخوردارند.

روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام در ردّ گروه اول و تأیید گروه دوم و دستور اکید مبنی بر زینت بودن شیعیان برای آن بزرگواران وارد شده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«مردم درباره‌ی ما بر سه گروهند: گروهی ما را دوست دارند چون منتظر قائم ما هستند تا از دنیای ما به نوایی برسند، اینان سخنان ما را می‌گویند و آنها را حفظ می‌کنند اما به کردار ما رفتار نمی‌کنند. به زودی خداوند این عده را در آتش محشور خواهد کرد؛ گروهی ما را دوست دارند و سخن ما را می‌شنوند و به اعمال ما رفتار می‌کنند تا به نام ما مردم را بچاپند، خداوند شکم این عده را از آتش پر می‌کند و گرسنگی و تشنگی را برایشان مسلط می‌کند. گروهی ما را دوست دارند و گفتار ما را حفظ می‌کنند و امر ما را اطاعت می‌نمایند و برخلاف کردار ما رفتار نمی‌کنند، اینان از ما هستند و ما از آنان.»^۱

«شیعه سه نوع است: دوستدار مهرورز (و أهل عمل) چنین شیعه‌ای از ماست. شیعه‌ای که خود را به ما می‌آراید و کسی



۱. بحار الانوار / ج ۷۵ / ص ۳۸۰ (افترقَ النَّاسُ فینا علی ثلاثِ فِرَقٍ: فَرَقَةٌ أَحِبُّونَا اِنْتِظَارًا قَانِمًا لِیُصِیْبُوا مِن دُنْیَانَا، فَقَالُوا وَ حَفِظُوا کَلَامَنَا وَ قَضَرُوا عَن فَعَلِنَا فَسَبَّحُوا رَبَّهُمْ اللهُ إِلَی النَّارِ وَ فَرَقَةٌ أَحِبُّونَا وَ سَمِعُوا کَلَامَنَا وَ لَمْ یَقْضُوا عَن فَعَلِنَا لَیْسَتْ أَکْلُوا النَّاسَ بِنَا فِیْمَا اللهُ یُطَوِّنُهُمْ نَارًا یُسَلِّطُ عَلَیْهِمُ الْجُوعَ وَ الْعَطَشَ، وَ فَرَقَةٌ أَحِبُّونَا وَ حَفِظُوا قَوْلَنَا وَ أَطَاعُوا أَمْرَنَا وَ لَمْ یُخَالِفُوا فَعَلِنَا، فَاوَلَتْکَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ).

که خود را (حقیقتاً با اقتدا) به ما بیاراید، ما مایه‌ی آراستگی او هستیم و شیعه‌ای که ما را وسیله‌ی ارتزاق خود قرار می‌دهد، کسی که به وسیله‌ی ما ارتزاق کند به فقر گرفتار آید.^۱

قال الباقر علیه السلام:

(الشَّيْعَةُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٌ: صِنْفٌ يَتَزَيَّنُونَ بِنَا وَ صِنْفٌ يَسْتَأْكِلُونَ بِنَا وَ صِنْفٌ مِمَّا وَ إِيْنَا^۲)

«شیعیان سه دسته‌اند: دسته‌ای به وسیله‌ی ما خود را می‌آریند (با انتساب خود به ما برای خویشتن کسب آبرو و حیثیت می‌کنند) و دسته‌ای از طریق ما ارتزاق می‌کنند و دسته‌ای از ما هستند و بامیند.»

قال الصادق علیه السلام:

(مَعَاشِرُ الشَّيْعَةِ، كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كُفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِيحِ الْقَوْلِ^۳.)

«ای گروه شیعیان! زیور ما باشید و مایه‌ی ننگ و زشتی ما نباشید. با مردم، نیکو سخن بگویید و زبان‌هایتان را نگهدارید و آنها را از زیان‌گویی و زشت‌گویی باز دارید.»

ابو ربیع شامی گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. دیدم اتاق پر از جمعیت است و از خراسانی و شامی تا دیگر نقاط در آنجا حضور دارند و من جایی برای نشستن نیافتم. حضرت که تکیه داده بود، (راست) نشست و آن‌گاه فرمود: ای شیعیان آل محمد! بدانید که از ما نیست کسی که در هنگام خشم خویش‌تنداری نکند و با همنشین خود خوش‌نشیند و با کسی که با او خوش‌خلقی می‌کند، خوش‌خلق نباشد و با رفیق خود، نیکو رفاقت نکند و برای همسایه‌اش همسایه‌ی خوبی نباشد و نمک هم نمک خود را پاس ندارد. ای شیعیان آل محمد! تا می‌توانید پرهیزگار باشید. «و لا حول و لا قوة إلا بالله»^۴



۱. بحار الانوار / ج ۶۵ / ص ۱۵۳ (الشَّيْعَةُ ثَلَاثٌ: مُجِبٌّ وَأَدْ فَهُوَ مِمَّا، وَ مُتَزَيَّنٌ بِنَا وَ نَحْنُ زَيْنٌ لِمَنْ تَزَيَّنَ بِنَا وَ مُسْتَأْكِلٌ بِنَا النَّاسِ وَ مَنْ اسْتَأْكَلَ بِنَا افْتَقَرَ)

۲. مشکاة الانوار / ص ۶۳.

۳. وسایل الشیعه / ج ۱۲ / ص ۱۹۴.

۴. الکافی / ج ۲ / ص ۶۳۸.

۱۰. اصل آراستگی و معطر بودن خدام

از جمله آداب حضور در محضر خاص الهی چون مساجد، آراستگی و استفاده از بوی خوش است. قرآن کریم می‌فرماید:

(خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ)

«زینت خود را در هنگام مسجد رفتن برگیرید.»

این ادب و ویژه در نماز که همان حضور بندگی در محضر عبادت و پرستش حق تعالی، است اهمیت ویژه‌ای دارد، تا آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

(حَبَّبَ إِلَيَّ مِنَ دُنْيَاكَ النِّسَاءَ وَالطِّيبَ وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ)^۱

«من از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: زن، بوی خوش و (نماز را و) روشنی چشم من در نماز است.»

شیخ صدوق رحمته الله در تبیین معنا و حکمت این سخن گهربار نبوی صلی الله علیه و آله آورده است:

(... زیرا مراد پیامبر صلی الله علیه و آله از این حدیث فقط نماز بود، چرا که فرموده است: «دو رکعت نمازی را که شخص همسردار به جای آورد، نزد خدا برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص بی همسر بخواند.» این است و جز این نیست که زنان نزد ایشان محبوب بودند فقط به خاطر نماز، و همچنین فرمود: «دو رکعت نمازی که انسان معطر بخواند از هفتاد رکعت نماز شخص غیر معطر برتر است» و همانا عطر محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله بود به خاطر نماز و آنگاه فرمود: «روشنی چشم من در نماز است» زیرا اگر مرد خود را معطر کند و ازدواج نماید اما نماز نخواند، در ازدواج و استفاده از عطر هیچ فضل و ثوابی برایش نخواهد بود.)^۲

از اینرو استفاده از بوی خوش در کنار آراستگی ظاهر بویژه



۱. نهج الفصاحة/ حدیث ۶۸۱.

۲. (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) لم يكن مراده بهذا الخبر إلا الصلاة وحدها لأنه صلى الله عليه وآله قال: ركعتين يصليهما المتزوج أفضل من سبعين ركعة يصليهما غير متزوج وإنما حُببَ إليه النساء لأجل الصلاة وهكذا قال: ركعتين يصليهما متعطر أفضل من سبعين ركعة يصليهما غير متعطر وإنما حُببَ إليه الطيب أيضاً لأجل الصلاة ثم قال: «و جعل قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» لأنَّ الرَّجُلَ لَوْ تَطَيَّبَ وَتَزَوَّجَ ثُمَّ لَمْ يُصَلِّ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي التَّزْوِيجِ وَالطِّيبِ فَضْلٌ وَلَا ثَوَابٌ. خصال/ ج ۱/ص ۲۳۹.

برای خدام حرم به عنوان رعایت ادب حضور در محضر خلیفه خدا روی زمین، امری شایسته و بجاست که زمینه برقراری ارتباط آسانتر با خدا و اهل بیت علیهم السلام را برای ایشان فراهم می‌آورد و به همین دلیل است که زایران قبل از زیارت به غسل زیارت، پوشیدن لباس‌های نظیف و استفاده از بوی خوش فرمان داده شده‌اند.

روایات متعددی از سوی معصومین علیهم السلام در خصوص استفاده از بوی خوش وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

امام رضا علیه السلام فرمودند:

(لَا تَتْرُكُوا الطِّيبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرِ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا ففِي كُلِّ جُمُعَةٍ)^۱

«استفاده از بوی خوش را هیچ روزی ترک نکنید و اگر نتوانستید یک روز در میان و اگر نتوانستید حداقل هر جمعه از بوی خوش استفاده کنید.»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

(كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُنْفِقُ فِي الطِّيبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ فِي الطَّعَامِ)^۲

«رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای عطر بیشتر از غذا خرج می‌کرد.»

(مَنْ تَطَيَّبَ بِطِيبٍ أَوَّلَ النَّهَارِ وَ هُوَ صَائِمٌ لَمْ يَفْقِدْ عَقْلَهُ)^۳

«کسی که روزه دارد اگر در اول روز به خود عطر زند،

عقلش را از دست نمی‌دهد.»



۱. مستدرک / ج ۶ / ص ۴۹.

۲. الکافی / ج ۶ / ص ۵۱۲.

۳. الفقیه / ج ۲ / ص ۸۶.

۱۱. اصل از همه بهتر بودن

یکی از عوامل ارزش آفرین و از سویی مسئولیت آفرین برای انسان‌ها و موجودات، اضافه‌ی تشریفی، انتساب و وجود وابستگی آنها به خدا و یا انسان‌ها و یا مکان‌های مقدّس است، چنانچه:

- کعبه با آنکه أحجاری بیش نیست، به خاطر انتسابش به خداوند «بیت الله» نامیده شده و به مقدّس‌ترین خانه تبدیل گشته است.

- ناقه‌ی (شتر) حضرت صالح به خاطر خلقت معجزه آسای آن، «ناقة الله»^۱ نامیده می‌شود.

- تربت مرقد امام حسین علیه السلام به خاطر انتسابش به سیدالشهدا علیه السلام، مقامی رفیع می‌یابد تا جایی که مانند خط قرآن حرمت یافته و احکامی خاص برایش وضع می‌گردد.

- عصای موسی به خاطر انتسابش به موسی کلیم‌الله میراث نبوت می‌شود و آیت حق می‌گردد.

- سگی دنباله رو اصحاب کهف می‌گردد و به خاطر انتسابش با خوبان الهی در قرآن از آن به خوبی یاد می‌شود.^۲

- این قاعده حتی در عالم الفاظ هم جاری است و اگر لفظ نکره‌ای به لفظی معرفه اضافه شود، با کسب معرفه از آن لفظ، خود نیز معرفه و شناخته شده می‌شود.^۳

بر این اساس وابستگی فکری انسان به انسان‌های برتر و مقدّس و خدمت در بیوتات اهل بیت علیهم السلام سبب شرافت، کسب اعتبار و مقام و منزلت اجتماعی خواهد شد.

حرم‌بانان و خادمان حرم رضوی علیه السلام نیز به بیت ولایت و امام رئوف علی‌بن موسی‌الرضا علیه السلام وابسته‌اند و به همین دلیل از این امام بزرگوار و بیت مقدّس کسب قداست می‌کنند و ثواب عبادت آنان نیز مضاعف است، اما به دلیل همین انتساب در صورت ارتکاب هر خطایی، عقاب خطای آنان نیز بیشتر از



۱. اعراف / ۷۳.

۲. (و کلبهم باسط، ذراعیه بالوصید). (کهف / ۱۸).

۳. (مثلاً غلام لفظ نکره‌ای است که وقتی به لفظ معرفه‌ای مانند زید اضافه شود (غلام زید) شناخته می‌شود).

دیگران می‌شود، چنانچه همین حکم به نحوی دیگر درباره‌ی همسران نبی اکرم ﷺ به خاطر انتسابشان با بیت نبوت جاری است.

قرآن خطاب به زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید:

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ...)^۱

«ای همسران پیامبر، شما همچون یکی از زنان معمولی

نیستید...»

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَا حِشَّةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا * وَ مَنْ يَفْتِنِ مِنْكُنَّ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ تَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيْهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَ أَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيْمًا)^۲

«ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود عذاب او دو چندان خواهد بود و این برای خدا آسان است.* و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دوچندان خواهیم ساخت و روزی پر ارزشی برای او آماده کرده‌ایم.»

در روایات متعددی از اهل بیت علیهم‌السلام بر حفظ این شأن و انتساب تأکید شده و اینکه منتسبین به بیت ولایت با مراقبت از اعمال خویش می‌توانند به مقام «منا اهل بیت» نائل آیند و گرنه از این مقام ساقط خواهند شد.

امام مهدی علیه‌السلام در نامه خود به شیخ مفید می‌فرماید:

(فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ لِيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَةٌ فَجَاءَ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوْبَةٍ)^۳

«هر یک از شما باید کاری کند که به محبت ما نزدیک شود و از کاری که او را به نفرت و خشم ما نزدیک می‌سازد، دوری کند، زیرا که قضیه‌ی ظهور ما ناگهانی و بی‌خبر اتفاق می‌افتد به طوری که دیگر نه توبه‌ای به حالش سودمند می‌افتد و نه پشیمانی از گناه او را از کیفر ما می‌رهاند.»

حماد بن لحام از حضرت صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که پدرش

۱. احزاب / ۳۲.

۲. احزاب / ۳۱ - ۳۰.

۳. اهل بیت در قرآن و حدیث / ج ۲ / حدیث ۹۸۹.



فرمود: «فرزندم! تو هم اگر بر خلاف عمل من رفتار کنی، فردای قیامت با من در یک منزل فرود نخواهی آمد. (إِنَّكَ إِنْ خَالَفْتَنِي فِي الْعَمَلِ لَمْ تَنْزِلْ مَعِيَ غَدًا فِي الْمَنْزِلِ) سپس فرمود: خداوند عزوجل نپذیرفته است که مردمی ولایت و دوستی عده‌ای را بپذیرند و برخلاف کردار آنها عمل کنند و با این حال، روز قیامت با آنها هم‌منزل و هم‌درجه شوند. به خداوند کعبه سوگند که هرگز چنین نشود.»^۱

امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که: من و پدرم بیرون آمدیم تا اینکه به میان قبر و منبر (رسول خدا) رسیدیم. جمعی از شیعیان در آنجا بودند. پدرم به آنها سلام کرد و آنها جواب سلامش را دادند. آن‌گاه پدرم فرمود: «به خدا سوگند که من بوی شما و روح شما را دوست دارم. پس با پارسایی و کوشیدن در عمل خود، مرا در این محبت یاری رسانید و بدانید که ولایت و دوستی ما جز با پارسایی و کوشش به دست نمی‌آید. هر کدام از شما بنده‌ای را به امامت برگزیند باید به کردار او اقتدا و عمل کند.»^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

(إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَا بِهِ، فَإِنَّ وَلَدَ السَّوِّءِ يُعَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ كُنُوا لِمَنْ انْقَطَعْتُمْ إِلَيْهِ زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شِينًا)^۳

«مبادا کاری کنید که به سبب آن ما را سرزنش کنند؛ زیرا به سبب کردار فرزند بد، پدر او سرزنش می‌شود. برای کسی که به او دل سپرده‌اید (امام خود)، مایه آراستگی باشید و باعث ننگ و زشتی‌اش نباشید.»

قال الصادق علیه السلام:

(إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ حَسَنٍ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا)

«هر کار نیکو از هر کسی نیکوست و از تو به خاطر جایگاهی که نسبت به ما داری نیکوتر.»^۴

به همین دلیل انتظار اهل بیت علیهم السلام از وابستگان نسبی و معنوی خود (خدّام، شاگردان و شیعیان) رعایت ضوابط دینی و اخلاقی تا سر حدّ نیل به مقام بهترین‌هاست.



۱. همان / حدیث ۸۵.

۲. همان / حدیث ۹۸۸.

۳. الکافی / ج ۲ / ص ۲۱۹.

۴. بحار الأنوار / ج ۴۷ / ص ۳۴۹.

۱۲. اصل الگو بودن برای دیگران

از جمله انتظارات به حق و مهم از خادمین و حرم بانان امام رضا علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام، الگو بودن برای دیگران و مراقبت عملی از خویشان است، چرا که خدام معزز با تلاش برای الگو بودن، علاوه بر رشد شخصی و نیل به کمالات اخلاقی، می‌توانند همچون تابلویی مجسم، اخلاق و سیره‌ی حسنه‌ی پیشوایان خود و اهل بیت علیهم السلام را به تصویر بکشند که این مهم نه تنها از انتظارات امامان علیهم السلام و امام رضا علیه السلام بوده که از انتظارات زائران و مجاوران و میهمانان امام رضا علیه السلام نیز می‌باشد، چرا که زائران حرم رضوی توقع دارند هنگام ملاقات و مواجهه با خادمان حرم در کنار لذت بردن از مجالست و ملاقات ایشان، به طور غیرمستقیم ده‌ها پیام اخلاقی و تربیتی نیز دریافت نمایند. در این خصوص در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است:

امام باقر علیه السلام به فضیل فرمودند: دوستان ما را که دیدی، از جانب ما به ایشان سلام برسان و بگو: در نزد خدا از دست من برای شما کاری ساخته نیست، جز اینکه پارسایی پیشه کنید.^۱
(فَاخْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ عَلَيَكُمْ بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ
إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ).

«پس زبان‌های خود را حفظ کنید و دست‌هایتان را از ظلم و خطا بازدارید و بر شما باد به شکیبایی و نماز که خداوند با شکیبایان است.»

امام صادق علیه السلام به پسر جُنَدَب فرمودند: «به گروه شیعیان ما پیام ما را برسان و به آنان بگو: مبدا راه‌های گوناگون شما را به بیراهه کشاند؛ زیرا به خدا سوگند که ولایت و دوستی ما، جز با پارسایی و سختکوشی در دنیا و همیاری و همدردی با برادران دینی به دست نیاید و کسی که به مردم ستم کند، شیعه‌ی ما نیست.»^۲

جهت تحقق این تحوّل تربیتی در خود و تبدیل شدن به یک



۱. اهل بیت در قرآن و حدیث / حدیث / ۷۵۴.

۲. اهل بیت در قرآن و حدیث / حدیث / ۷۵۵ (فَوَاللَّهِ لَا تُنَالُ وَلَا تِنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الاجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا وَ مَوَاسَاةِ الْاِخْوَانِ فِي اللَّهِ وَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَظْلِمُ النَّاسَ).

الگو، بهترین راهکار الگوبرداری و همسان‌سازی خود با سیره‌ی مبارک آن حضرت برای تقرّب صفاتی به آن پیشوای مهربان است، چرا که خادمان بارگاه رضوی، شایسته‌ترین افراد برای الگوگیری از شخصیت معنوی و نورانی آن حضرت‌اند و لازم است با حسّاسیت و دقّت تمام در تبعیت ایشان، تلاش کنند.

در اینجا به برخی از جلوه‌های رفتاری آن حضرت، خصوصاً درباره‌ی ارتباط با خدا و ارتباط با مردم می‌پردازیم.

ابراهیم بن عباس می‌گوید:

۱- هرگز ندیدم امام رضا علیه السلام با سخنی بر کسی درشتی کند.
۲- ندیدم سخن کسی را قطع کند تا اینکه گوینده از کلام فارغ شود.

۳- هیچ‌کس را در نیازی که توان برآوردنش را داشت، رد نمی‌نمود.

۴- هرگز در حضور کسی پای خود را دراز نمی‌کرد.

۵- در برابر همشینش تکیه نمی‌داد.

۶- ندیدم به کسی از وابستگان و یا غلامانش دشنام دهد.

۷- ندیدم آب دهان بیندازد.

۸- هرگز ندیدم در خنده‌ی خود قهقهه کند و خنده‌اش لبخندی بیش نبود.

۹- هرگاه تنها می‌شد و سفره گسترده می‌گشت، وابستگان و غلامان، حتی دربان و مهتر اسبان را نیز بر سر سفره می‌نشاند.

۱۰- در شب، کم‌خواب بود و بیداری‌اش فراوان و بیشتر شب‌ها را تا صبح احیاء می‌گرفت.

۱۱- فراوان روزه می‌گرفت و در سه روز از ماه، روزه را از دست نمی‌داد.

۱۲- هر که گمان کرد نظیر ایشان را در فضیلت دیده است، باور مکن.^۱

در خصوص سیره‌ی امام رضا علیه السلام در بخشش و صلّه آمده است:

یسع بن حمزه می‌گوید در خدمت امام رضا علیه السلام با ایشان سخن می‌گفتم. گروه فراوانی در خدمت ایشان بودند و از



حضرت پیرامون حلال و حرام می‌پرسیدند که مردی بلند قامت و گندمگون وارد شد و عرض کرد، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا! مردی هستم از دوستان تو و دوستان پدران و نیاکان تو از حج باز می‌گردم. خرجی خود را گم کرده‌ام و چیزی ندارم تا خود را با آن به جایی برسانم. اگر صلاح می‌دانی، مرا به شهرم برسان. از فضل خدا توانگر هستم و هرگاه به شهر خود رسیدم، آن مقدار که به من داده‌ای، به عوض تو صدقه می‌دهم.

امام علیه السلام فرمود: «بنشین. رحمت خدا بر تو باد!»

امام علیه السلام به مردم رو کرد و با آنها سخن گفت تا همه پراکنده شدند و آن مرد ماند به همراه سلیمان جعفری و خیثمه و من. امام علیه السلام فرمود: «آیا به من اجازه می‌دهید به اندرونی روم؟». سلیمان عرض کرد: خداوند، شما را مقدم بدارد! امام علیه السلام برخاست و داخل اتاق شد و اندکی باقی ماند و بیرون آمد و در را بست و دستش را از بالای در بیرون آورد و فرمود: «آن خراسانی کجاست؟». عرض کرد: اینجا هستم. امام علیه السلام فرمود: «این دوستان دینار را بگیر و آن را کمک خرج خود کن و با آن، برکت بجوی و از سوی من صدقه نده و برو تا نه من تو را بینم و نه تو مرا ببینی». آن مرد رفت. سلیمان به امام علیه السلام عرض کرد: قربانت گردم! با نظر بلندی بخشیدی و رحم کردی؛ اما چرا چهره‌ات را از او پوشاندی؟ امام علیه السلام فرمود: «از ترس اینکه خواری خواهش را به سبب اینکه آن را برآوردم، در چهره‌اش بینم. آیا این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را نشنیده‌ای که: «نیکویی کردن پنهانی، همسنگ هفتاد حج است و آنکه پرده از بدی بردارد، بی‌یار و نهاده می‌شود و آنکه بدی را بپوشاند، خدا او را می‌آمزد؟». آیا این سخن پیشینیان را نشنیده‌ای که: هرگاه من برای طلب نیازی نزد او آیم، به سوی خانواده‌ام باز می‌گردم، در حالی که آبرویم باقی است»^۱.

همچنین درباره‌ی سیره‌ی امام رضا علیه السلام در عبادت نقل شده است:

عبد السلام بن صالح هروی گوید: در سرخس به در خانه‌ای

۱. الکافی / ج ۴ / ص ۲۳.



رفتم که امام رضا علیه السلام را در آن محبوس کرده و به بندش کشیده بودند. از زندانبان اجازه‌ی ورود خواستم او گفت: نمی‌توانی او را دیدار کنی. گفتم چرا؟ گفت: زیرا او گاه، در شبانه‌روز هزار رکعت نماز می‌گزارد. فقط در اول روز و قبل از زوال ظهر و هنگام زردی آفتاب، ساعتی از نماز دست می‌کشد و در این هنگام، در مصلاّی خود نشسته است و با خدایش مناجات می‌کند.^۱

ابراهیم بن عباس می‌گوید:

(كان الرضا عليه السلام قليل النّوم بالليل، كثيرا السّهر)

«امام رضا علیه السلام شب، کم می‌خوابید و بیشتر بیدار بود.»^۲

امام رضا علیه السلام فراوان روزه می‌گرفت و روزه‌ی سه روز در ماه را ترک نمی‌کرد و می‌فرمود: «ذلک صومُ الدّهر» این روزه‌ی روزگار است.^۳



۱. اهل بیت در قرآن و حدیث / حدیث ۶۱۵.

۲. همان / حدیث ۶۴۸.

۳. همان / حدیث ۶۵۵.

۱۳. اصل غنی‌سازی اوقات خدمت و مدیریت زمان

مدیریت زمان عبارت است از در گردش نگه داشتن زمان و لحظات زندگی و مفید نمودن حداکثری آن.

مدیریت زمان یعنی استفاده‌ی بهینه از زمان با جدیت و تلاش تمام و اجازه ندادن به دخالت ناروای امور در جریان اجرای برنامه‌ها.

مدیریت زمان یعنی استفاده حداکثری از زمان حداقلی برای رسیدن به اهداف.

و در یک جمله مدیریت زمان یعنی مهار عمر، سال، ماه، هفته، روز، ساعت، دقیقه و ثانیه‌های زندگی.

در یک نگاه کلی مدیریت زمان برای خدام در چند بخش قابل بررسی است:

۱. مدیریت زمان در حین خدمت

از جمله عوامل موفقیت در خدمت خالصانه به آستان مقدس اهل بیت علیهم‌السلام، مدیریت زمان در هنگام خدمت است. توفیق حضور یافتن در بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام، فرصتی طلایی است تا خادمان حرم، ضمن انجام وظایف خود، از زمان تحت اختیار خود بیشترین استفاده را ببرند و با مدیریت صحیح زمان، ضمن افزایش کارایی و بازدهی خود در خدمت به میهمانان و زایران، از لحظه لحظه‌ی عمر برای تقرب و رشد هر چه بیشتر بهره‌برداری نمایند.

قال علی علیه‌السلام لمالک أشتَر:

(فَضِعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْقِعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ)¹

«و تلاش کن هر کاری را در جای خود و در زمان مخصوص خود انجام دهی.»

از آنجا که خادمان حرم در طول خدمت روزانه‌ی خود ساعاتی را به خدمت مستقیم مشغولند و ساعاتی را به استراحت می‌پردازند لازم است برای هر دو زمان خود برنامه‌ریزی نمایند.

۱. نهج البلاغه / نامه‌ی ۵۳.



به عنوان مثال برای ساعات خدمت در کنار انجام وظایف، به انجام این برنامه‌ها توجه شود:

- ذکر گفتن خصوصاً مداومت بر صلوات و استغفار.
- خواندن نماز مستحبی در حال خدمت.^۱
- درس‌آموزی از ارادت خالصانه زایران به امام رضا علیه السلام.
- تفکر در عظمت مقام ولایت امام.
- تمرین حس حضور در محضر امام.
- استفاده از فضای معنوی و ملکوتی حرم برای سیر و سلوک و توجه به حضرت حق و امام.
- گفتگو و نجوای عاشقانه و خالصانه با امام.
- دعا کردن برای برآمدن حاجات میهمانان و زایران و مشتاقان زیارت علی‌بن موسی الرضا علیه السلام که موفق به زیارت آن حضرت نشده‌اند.

- حفظ قرآن و مرور محفوظات خود (بطوری که با طی یک دوره‌ی آموزشی و استفاده از اوقات خدمت می‌توانند در کوتاهترین زمان، کل قرآن را حفظ نمایند).

- قرائت اذکار مخصوص هر ماه و اذکار مستحب ساعات شبانه‌روز.

- هدیه کلامی یک حدیث یا یک آیه به زایران به عنوان سوغات معنوی.

- امر به معروف و نهی از منکر و تلاش برای معرفت‌افزایی زائران.

- انجام زیارت نیابتی کوتاه، اگر چه با یک سلام کوتاه باشد و هدیه آن به مؤمنین و مؤمنات بد وارث و بی وارث، پدران و مادران و فرزندان بلا واسطه‌ی معصومین علیهم السلام و آن‌دسته از عاشقان امام رضا علیه السلام که در حسرت زیارت ایشان می‌سوزند و موفق به زیارت حضرتش نمی‌شوند.

۲. مدیریت زمان در ساعت استراحت

خدّام محترم می‌توانند از ساعات استراحت خود با یک برنامه‌ریزی دقیق استفاده‌های گوناگونی ببرند مانند:

۱. نماز مستحبی را انسان می‌تواند حتی در حال حرکت بدون نیاز به قبله، سجده و حرکات نماز و تنها با اشاره به جای سجده و رکوع بجای آورد.



- خواندن نمازهای مستحبی.
- حفظ اولیه قرآن.
- گذراندن دوره‌های آموزشی حرم.
- انتخاب یک سیر مطالعاتی معرفتی و طی کردن آن.
- ختم قرآن.
- زیارت سائر امامان از حرم ملکوتی آستان قدس.

۳. کمک به مدیریت زمان زائران

توقع دیگری که در کنار مدیریت زمان خویش، از خادمان حضرت رضوی مورد انتظار است، مدیریت زمان زائران می‌باشد. خادمان حرم عملاً می‌توانند الگویی مناسب برای دوری از اتلاف عمر و بهره‌برداری معنوی زوار باشند. تذکرات مشفقانه‌ی خادمین و راهنمایی زائران در جهت چگونگی استفاده از اوقات زیارت و هدایت ایشان به سوی کارهای مفیدتر و نظم‌بخشی به امور، کمک شایانی در مدیریت زمان زوار به حساب می‌آید.

به عنوان نمونه برخی از تذکرات و ارشادات خادمین به زائران می‌تواند در این موارد باشد:

- اطلاع‌رسانی نسبت به زمان و مکان برگزاری جلسات سخنرانی و معرفتی.
- اطلاع‌رسانی از زمان و مکان دعاها در حرم.
- راهنمایی جوانان و نوجوانان نسبت به برنامه‌های آماده شده ویژه این گروه در حرم.
- اطلاع‌رسانی درباره عبادات، نمازها و دعاهایی که در طول ماه و روز، زمانی خاص دارند.
- معرفی کتابخانه‌های حرم، واحدهای فرهنگی و آموزشی حرم و ...

- راهنمایی و آموزش آداب زیارت به زوار



۱۴. اصل نماز اوّل وقت و اقامه‌ی آن

یکی از تأکیدات اهل بیت علیهم‌السلام، تأکید بر اهمیت و احترام و اکرام نماز و خصوصاً اقامه‌ی نماز اول وقت بوده است و سیره‌ی آن بزرگواران در التزام عملی به این معنی، گواهی روشن بر اهمیّت نماز اول وقت می‌باشد.

حرم‌بانان و خدام آستان قدس رضوی شایسته است با التزام عملی به این عبادت و فضا سازی مثبت، همه‌ی شرایط فیزیکی، تبلیغاتی و حتی آموزشی مورد نیاز اقامه‌ی نماز و نماز اول وقت را فراهم آورند، چرا که برای بسیاری از زائران و مجاوران، زیارت یک دوره‌ی آموزشی و یک فرصت طلایی برای آشنایی با دین و معنویت به شمار می‌آید و در صورت اعمال یک مدیریت فرهنگی صحیح بر حرم و ایجاد یک فضای نورانی و آماده برای اقامه نماز و نماز اوّل وقت، زائران اگر چه تا قبل از این نسبت به نماز بی‌اعتنا بوده باشند، تحت تأثیر این فضا قرار می‌گیرند و با سوغات معنوی نماز و نماز اوّل وقت برای خود و دیگران، به اوطان‌شان باز می‌گردند.



حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام فرمودند:

(إِنَّ لِكُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثَةَ أَوْقَاتٍ أَوَّلٌ وَأَوْسَطٌ وَآخِرٌ فَأَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ وَأَوْسَطُهُ عَفْوُ اللَّهِ وَآخِرُهُ غُفْرَانُ اللَّهِ وَ أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُهُ...)^۱

«برای نماز سه وقت است: اول و وسط و آخر. خواندن نماز در اول وقت خشنودی خدا و در وسط آن عفو پروردگار و در آخر وقت غفران و آمرزش الهی است و بهترین اوقات نماز، اول وقت است.»

علاوه بر این سخن دقت در سیره‌ی عملی امام رضا علیه‌السلام اهمیت و ارزش اقامه‌ی نماز اوّل وقت را دو چندان می‌سازد. از ابراهیم نقل شده که می‌گوید: در خدمت امام رضا علیه‌السلام برای استقبال بعضی از آل ابوطالب بیرون شدیم. قدری که رفتیم وقت نماز شد. حضرت از مرکب پیاده شدند و نزدیک عمارتی آماده نماز شدند و به من فرمودند، اذان بگو! عرض کردم: قدری صبر کنید تا اصحاب برسند. فرمودند:

(عَفَرَاللَّهُ لَكَ، لَا تُؤَخِّرَنَّ صَلَوَةَ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا
 مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ، عَلَيْكَ أَوَّلُ الْوَقْتِ فَأَدِّنْتُ وَصَلَيْتُنَا).
 (خداوند تو را بیامرزد. نماز را بی جهت از اول وقت به
 تأخیر مینداز و بر تو باد همیشه به نماز اول وقت پس من اذان
 گفتم و با آن حضرت در اول وقت نماز خواندیم).
 علامه مجلسی رحمته می فرماید: «این حدیث دلالت دارد بر
 اینکه سزاوار نیست که برای شرکت دیگران در نماز جماعت،
 نماز را از اول وقت به تأخیر انداخت.»^۱

حسن بن محمد نوفلی می گوید: هنگامی که امام رضا علیه السلام به
 بلاد مأمون رسید، مأمون به وزیرش فضل بن سهل دستور داد
 تا مجلسی تشکیل دهد که در آن دانشمندان و بزرگان ادیان
 مانند جاثلیق رئیس نصاری، رأس الجالوت بزرگ یهود، هربز
 اکبر سرکرده‌ی آتش پرستان و بزرگان زرتشت، نسطاس رومی
 و دیگر متکلمین جمع شوند تا با حضرت رضا علیه السلام مناظره و
 گفت‌وگو کنند. وزیر طبق دستور خلیفه از آنها دعوت کرد،
 هنگامی که آنها حاضر شدند، حضرت رضا علیه السلام نیز دعوت
 مأمون را پذیرفت... امام با یکایک آنها وارد بحث گردید
 اهل انجیل را با انجیل خودشان و اهل تورات را با تورات
 خودشان مغلوب و مجاب فرمود تا اینکه یکی پس از دیگری
 در برابر حضرت تسلیم شدند، آن‌گاه حضرت رضا علیه السلام فرمود،
 ای مردم اگر کسی در میان شما مخالف اسلام است سؤال
 کند و بدون شرم و خجالت بپرسد. عمران صابی که یکی
 از متکلمین زبردست بود از جا بلند شد و عرض کرد: ای
 عالم بزرگوار! اگر پیشنهاد سؤال نمی‌کردی چیزی نمی‌گفتم.
 اما من کوفه و بصره و شام و جزیره را زیر پا گذاشته‌ام و
 با دانشمندان و عقیده‌شناسان زیادی بحث کرده‌ام، کسی را
 ندیده‌ام که وحدانیت و یکتایی خدا را ثابت کند، اکنون اجازه
 می‌فرمایم از شما سؤال کنم؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود: اگر
 در میان این جمع عمران صابی وجود داشته باشد تو همانی.
 عرض کرد، آری! عمران منم! فرمود سؤال کن! عمران شروع
 کرد به سوال و امام نیز پاسخ می‌فرمودند. این مناظره ادامه
 داشت تا وقت نماز رسید.



«ثُمَّ التفت إلى المأمون: فقال: الصلوة قد حَضَرَتْ» پس حضرت رضا علیه السلام رو به مأمون کردند و فرمودند: وقت نماز است. فقال عمران: «يا سيدي لا تقطع عليّ مسئلتی فقد رَقَّ قلبی». عمران عرض کرد: ای مولای من! بحث و سخن مرا قطع مفرمائید، قلبم رقیق شده (و آماده‌ی پذیرفتن حق شده‌ام) امام فرمودند: نُصَلِّی و نَعُوذُ، فَنَهْضَ وَ نَهْضَ المأمون. نماز می‌خوانیم و برمی‌گردیم. آن‌گاه امام برخاستند و مأمون نیز برخاست.

پس از ادامه فریضه و خواندن نماز، عمران را طلبید و دو مرتبه بحث شروع شد...^۱



۱۵. اصل حُسن خلق

خادمان آستان قدس در واقع نمایندگان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در ایجاد ارتباط با زائران و مجاوران و پذیرایی از خیل بی‌شمار میهمانان حرم رضوی علیه السلام به شمار می‌روند. کثرت زائران و تنوع ملیتی و قومی و حتی مذهبی آنان، دقت در برخورد و رعایت حساسیت‌ها و روحیات آنان را برای خادمان حرم دو چندان می‌نماید.

از جمله اصولی‌ترین و مهم‌ترین خصلت‌های خدمتگذاری، حُسن سلوک و برخورداری از مهارت ایجاد ارتباط قوی و مؤثر است، ارتباطی همراه با گشاده‌رویی، گفتار نیکو، نرم‌خویی و دوری از خشونت که عامل مهمی در جلب رضایت میهمانان آستان قدس محسوب می‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید:

(و قولوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...)

«با مردم به نیکی سخن گوید.»

آیه الله جوادی آملی حفظه الله در ذیل این آیه‌ی شریفه می‌فرماید:

«حکم (و قولوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) با توجه به تعبیر «ناس» به جای «اهل کتاب» یا «مؤمنان» حکمی است مربوط به جامعه بشری و اعمال حُسن خلق به توده‌ی مردم اعم از مسلمان و کافر. این حکم، از احکام روابط بین‌المللی و از بهترین اصول کلی اسلام در تربیت جوامع انسانی است.»^۱

از منظر اسلام حُسن خلق با تدبیر ارتباطی تنگاتنگ دارند، تا آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف آن می‌فرماید:

(الإسلامُ حُسْنُ الخُلُقِ)^۲

«اسلام (در واقع) حُسن خلق است.»

یا در فرمایشی دیگر می‌فرماید:

(حُسْنُ الخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ)^۳

«خوی نیکو، نیمی از دین است.»

در روایات متعددی از سوی معصومین علیهم السلام به آثار و



۱. تفسیر تسنیم / ج ۵ / ص ۲۶۴.

۲. میزان الحکمه / ح ۴۹۸۸.

۳. وسائل الشیعه / ج ۱۲ / ص ۱۵۴.

برکات حُسن خلق اشاره شده است که به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. نیل به مقام روزه‌داران و شب‌زنده‌داران:
پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «آنکه اخلاق خویش را نیکو گرداند، خداوند او را به مقام روزه‌گیر شب‌زنده‌دار برساند.»^۱

۲. ثواب مجاهدت در راه خدا:
امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ثوابی را که خدای تبارک و تعالی برای خوشخویی بنده می‌دهد، مانند ثواب کسی است که هر صبح و شام در راه خدا جهاد کند.»^۲

۳. سنگین‌ترین عمل در نامه اعمال:
پیامبر بزرگوار ﷺ اسلام فرمودند:
«ما يُوَضَّعُ فِي مِيزَانِ امْرِئِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ»^۳
«در قیامت چیزی برتر از خوشخویی در ترازوی اعمال آدمی نهاده نمی‌شود.»

۴. رأس همه نیکی‌ها:
امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «نیک خوئی در رأس همه‌ی نیکی‌هاست.»^۴

۵. کثرت دوستان و جذب نفوس:
امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «آنکه خوی نیک داشته باشد دوستانش زیاد شوند و دل‌ها به او انس و الفت گیرند.»^۵
امام صادق علیه السلام در تفسیر حُسن خلق می‌فرمایند:
«حُسن خلق این است که نرم‌خو و مهربان باشی، گفتارت



۱. «مَنْ حَسَّنَ خُلُقَهُ بَلَّغَهُ اللَّهُ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.» بحارالانوار / ج ۶۸ / ص ۳۸۸.
۲. «أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيُعْطِيَ الْعَبْدَ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى حُسْنِ الْخُلُقِ كَمَا يُعْطَى الْمُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَغْدُو عَلَيْهِ وَيَرُوحُ.» الكافي / ج ۲ / ص ۱۰۱.
۳. الكافي / ج ۲ / ص ۹۹.
۴. «حَسَنَ الْخُلُقِ رَأْسُ كُلِّ بَرٍّ.» همان.
۵. «مَنْ حَسَّنَ خُلُقَهُ كَثُرَ مُجِيبُوهُ وَانْسَبَتِ النَّفُوسُ بِهِ.» غررالحکم / ص ۲۵۵.

پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوشرویی برخورد کنی.»^۱

برای حُسن خلق مصادیق مختلفی می‌توان شمرد که در اینجا به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱) کلام زیبا

یکی از فروعات حسن خلق، به کار بردن واژه‌های زیبا و مؤثر و پسندیده در ارتباط چهره به چهره بین خادم و زائر می‌باشد.

قرآن کریم مردم را به گفتار سدید و قول حسن و به عبارتی برخوردی نیکو دعوت نموده است.

آیت الله جوادی حفظه‌الله در این زمینه می‌فرماید:

«در بیشتر مواردی که قرآن کریم به «قول سدید» فرمان می‌دهد، مرادش تنها سخن درست نیست، بلکه «قول» کنایه از هر نوع کار است و چون سخن گفتن بارزترین فعل انسان است، عبارت «قول» انتخاب شده است: (قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) (قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا)؛ (قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا)، پس سفارش به خوب سخن گفتن با مردم، یعنی با مردم مؤدبانه و محترمانه رفتار کنید؛ چه در سخن، نوشته یا کارها باید در همه احوال، ادب معاشرت رعایت شود، بنابراین (و ليقولوا قَوْلًا سَدِيدًا) یعنی کار درست و محکم انجام دهید.»^۲

همچنین در روایات فراوانی بر حسن گفتار و انتخاب واژه‌های زیبا در گفتار و از سوئی پرهیز از گفتار زشت تأکید شده است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«سه چیز از درهای نیکی است: سخاوت نفس و نیکویی گفتار و شکیبایی در برابر آزار»^۳

«زیبا سخن بگوئید، تا پاسخ زیبا بشنوید.»^۴



۱. «تَلِينُ جَانِبِكَ وَ تَطْيِيبُ كَلَامِكَ وَ تَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ»

۲. تفسیر تسنیم / آیه الله جوادی / ج ۱۷ / ص ۴۴۷.

۳. ثلاث من أبواب البرِّ: النَّفْسُ وَ طَيْبُ الْكَلَامِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى / وسائل الشیعه / ج ۱۲ / ص ۱۲۵.

۴. أَجْمَلُوا فِي الْخُطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ / غررالحکم / ص ۴۳۶.

«زیانت را به نکوگویی عادت ده، تا از سرزنش ایمن مانی.»^۱
 «زهار، از به زبان آوردن سخنان زشت؛ زیرا که فرومایگان
 را گرد تو جمع می‌کند و گرانمایگان را از تو می‌رماند.»^۲
 «بد زبانی، قدر و منزلت را لکه‌دار می‌کند و برادری را از
 بین می‌برد.»^۳

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می‌فرمایند:
 «سوگند به آن که جانم در دست اوست، مردم هیچ انفاقی
 نکردند که دوست داشتنی‌تر از گفتار نیک باشد.»^۴

۲) نرم‌خویی

از جمله صفات بارز مؤمنین برای موفقیت در جذب،
 هدایت، مدیریت و خدمت‌رسانی به خلق، نرم‌خویی (لین)
 می‌باشد.

حضرت علی علیه السلام به یکی از کارگزاران خود (مخنف بن
 سلیم ازدی) در مورد چگونگی ارتباط با مردم می‌فرماید:
 «... و أَنْ يَتَلَقَاهُمْ بِبَسْطِ الْوَجْهِ وَ لِينِ الْجَانِبِ...»^۵
 «و با مردم با گشاده‌رویی و نرم‌خویی ملاقات کن»
 همچنین در روایات اهل بیت علیهم السلام سفارش فراوانی به نرم‌خویی
 شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«به راستی که نرمش در سخن، از کرامت است»^۶
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:
 «مؤمن سهل و آسانگیر و نرم‌خو، جوانمرد و دارای حسن
 خلق است.»^۷

«مؤمنین، آسانگیر و نرم‌خوینند.»^۸
 و یا در سفارش خود به ابن مسعود می‌فرماید:



۱. عَوَدَ لِسَانَكَ حَسَنَ الْكَلَامِ تَأْمِنَ الْمَلَامِ / غررالحکم / ص ۲۱۰.
 ۲. أَيَاكَ وَ مَا يَسْتَهْجِنُ مِنَ الْكَلَامِ؛ فَإِنَّهُ يَحْبِسُ عَلَيْكَ اللَّئَامَ وَ يُنْفِرُ عَنْكَ الْكِرَامَ /
 غررالحکم / ص ۲۱۴.
 ۳. سُوءُ الْمُنْطِقِ يُرْزَى بِالْقَدْرِ وَ يُفْسِدُ الْأُخُوَّةَ. / غررالحکم / ص ۲۲۳.
 ۴. وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَنْفَقَ النَّاسُ مِنْ تَفَقُّهِ أَحَبَّ مِنْ قَوْلِ الْخَيْرِ / بحارالانوار / ج ۷۱ /
 ص ۳۱۱.
 ۵. دعائم الاسلام / ۱ / ۲۵۸.
 ۶. إِنَّ مِنَ الْكَرَمِ لِينَ الْكَلَامِ... / الكافي / ج ۸ / ص ۲۴.
 ۷. الْمُؤْمِنُ هَيِّنٌ لَيِّنٌ سَمِحٌ لَهُ خُلُقٌ حَسَنٌ / بحارالانوار / ج ۶۸ / ص ۳۹۱.
 ۸. الْمُؤْمِنُ هَيِّنٌ لَيِّنٌ / جامع الأخبار / ص ۸۵.

(كُنْ سَهْلًا لِّئِنَّا...)^۱

«آسانگیر و نرم خو باش.»

حضرت محمد ﷺ نیز می‌فرماید:

(كُنْ سَهْلًا لِّئِنَّا لِلْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ وَ لَا تَكُنْ جَبَّارًا عَنِيدًا)^۲

«برای نزدیک و دور، آسانگیر و نرم خو باش و گردنکش و

منحرف مباش.»

۳) خوش رویی

چهره‌ی انسان، آبروی او و تابلویی برای بازنمایی احساسات و عواطف درونی اوست. از آنجا که خادمان حرم، بیشترین ارتباط را با زایران امام رضا علیه السلام دارند لازم است با رویی گشاده و برخوردی صمیمانه و حتی پیش‌سلام شدن، بر زائران آغوش مهر بگشایند و میهمانان حضرت بخصوص جوانان را با صفا و طراوت بپذیرند.

از اصول اولیه برقراری ارتباطات اجتماعی، داشتن رویی خوش و همراه با تبسم به نشانه‌ی شادی از دیدار دیگران است که در روایات اهل بیت علیهم السلام بر آن تأکید فراوان شده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بشاشت و گشاده‌روی در برخورد های اجتماعی، مایه‌ی جلب محبت مردم و قرب به خداوند است»^۳ و یا پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «برادرت را با روی باز ملاقات کن»^۴.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «شما نمی‌توانید به مردم با مالتان وسعت دهید، پس آنان را با چهره‌ی گشاده و دیدار نیکو گشایش دهید»^۵.



۱. مکارم الاخلاق / ص ۴۵۶.

۲. مجموعه ورام / ج ۲ / ص ۳۱.

۳. البشیر الحسن و طلاقه الوجه مکسبه للمحبه و قرینه من الله... / بحار الانوار / ج ۷۵ / ص ۱۷۶.

۴. ألقی أحمک بوجه منبسط / بحار الانوار / ج ۷۱ / ص ۱۷۱.

۵. إنکم لن تسعوا الناس بأموالکم فسعواهم بطلاقه الوجه و حسن اللقاء / بحار الانوار / ج ۷۴ / ص ۳۸۶.

۱۶. اصل ادب

یکی از برترین معرف‌های شخصیت هر فرد «ادب» و تنظیم رفتار و گفتار براساس زیباترین شکل و رعایت ظرافت در گفتار، رفتار و ارتباطات می‌باشد. مرحوم علامه طباطبایی رحمته در تعریف ادب می‌فرماید:

«هیأت زیبا و پسندیده‌ایست که طبع و سلیقه چنین سزاوار می‌داند که هر عمل مشروعی چون دینی باشد مانند دعا و امثال آن و چه مشروع عقلی باشد مانند دیدار دوستان، بر طبق آن هیأت واقع شود، به عبارت دیگر، ادب عبارتست از ظرافت عمل و معلوم است که عمل وقتی ظریف و زیبا جلوه می‌کند که اولاً مشروع بوده و منع تحریمی نداشته باشد، پس در ظلم و دروغ و خیانت و کارهای شنیع و قبیح ادب معنا ندارد و ثانیاً عمل اختیاری باشد، یعنی ممکن باشد که آن را در چند هیأت و شکل درآورد و شخصی به اختیار خود آن را به وجهی انجام دهد که مصداق ادب واقع شود.»^۱

بر مبنای این تعریف ادب به معنای، انتخاب زیباترین و بهترین واژگان در مکالمات روزمره، بهترین برخورد در نگاه، راه رفتن، ایستادن، امر به معروف، نهی از منکر، نظم‌بخشی و... است که رعایت آن در محضر بزرگان ضرورتی دو چندان می‌یابد و بر خادمان آستان قدس رضوی است که در محضر بزرگی بی‌بدیل چون حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام همه مراتب ادب را به شایستگی رعایت کنند، زیرا اولاً خدام حرم، به حرم و بلکه به خود صاحب حرم، امام رضا علیه السلام، منتسب‌اند و ثانیاً خادمان به خاطر نگاه تقدّس‌آمیزی که زائران به ایشان دارند، الگویی تمام عیار به شمار می‌آیند و ثالثاً لازم است زائران با آموختن ادب از سربازان و خادمان امام رضا علیه السلام این سوغات معنوی را با خود به اوطان خویش ببرند و از این رهگذر فرهنگ ادب در جامعه گسترش یابد.

در سخنان حضرت علی علیه السلام در اهمیت و جایگاه ادب آمده است:



«زیور شما ادب است»^۱
«برترین شرافت ادب است.»^۲
«تو به ادبِ خود ارزش می‌یابی، پس آن را با بردباری زینت
بخش»^۳



۱. زینتکم الأدب / بحار الانوار / ج ۳۴ / ص ۳۴۶.
۲. أفضل الشرف الأدب / غرر الحکم / ص ۲۴۷.
۳. إنک مقوم بأدبک، فزینهُ بالحلم / غرر الحکم / ص ۲۴۷.

۱۷. اصل تحبیب قلوب

یکی از وظایف عمومی شیعیان و از جمله‌ی وظایف خاص خادمان، منتسبان و نزدیکان به اهل بیت علیهم‌السلام، تحبیب قلوب مردم نسبت به پیشوایان خود و عاشق‌پروری برای اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. علاقه‌مند کردن مردمان به امامان و ارائه راه‌کارهای مهرورزی به ایشان و بویژه به امام رضا علیه‌السلام، از مسئولیت‌های مهم خادمان آستان مبارک رضوی است. یکی از انتظارات امامان از یاران و سربازان خویش، غیر از تبعیت و اطاعت از فرامین آنها، دعوت مردم به سوی مکتب و مرام این خانواده است، چنانچه قرآن نیز به این مهم دستور داده و می‌فرماید:

(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...)

«با حکمت و استدلال روشن و با موعظه‌ی نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با طریقه‌ای نیکو با آنان (مخالفان) مجادله نما»

ناگفته پیداست که «سبیل رب» چیزی نیست جز پیروی از وجود مبارک امامان و مکتب و آرمان‌های آنان و به همین دلیل در زیارت جامعه می‌خوانیم:

(أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَالصَّرَاطُ الْأَقْوَمُ)

«شما (اهل‌بیت) راه بزرگ (رسیدن به خدا) و صراط پابرجائید.»

در تفسیر نور ذیل این آیه شریفه می‌خوانیم:

«این آیه برای همه مسئولین و مربیان و معلمان و اساتید و علماء دستور جامعی می‌دهد که باید آنان برای موفقیت خود با شیوه‌های گوناگونی نسبت به مخاطبان گوناگون خود، مجهز باشند؛ چرا که همه‌ی مردم را نمی‌توان با یک شیوه دعوت کرد؛ هر شخصی یک روح و ظرفیت دارد که باید با زبان خودش با او سخن گفت. «خواص را با حکمت و استدلال» و «عوام را با موعظه‌ی نیکو» و «مخالفان را با جدال نیکوتر»^۱ ارشاد کنیم.»



اما در خصوص عاشق‌پروری برای اهل بیت علیهم‌السلام امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

(رَحِمَ اللهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ وَ لَمْ يُبَغِّضْنَا إِلَيْهِمْ)^۱
«رحمت خدا بر آن بنده‌ای که ما را محبوب مردم گرداند و کاری نکند که مبعوض مردم شویم.»
(رَحِمَ اللهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا فَحَدَّثْتَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ).^۲

«خداوند رحمت کند بنده‌ای را که مردم را به دوست داشتن ما برانگیزد و درباره‌ی چیزهایی که می‌دانند با ایشان سخن گوید و آنچه را که نمی‌دانند و نمی‌توانند بپذیرد، فروگذارد.»

تاریخ شاهد شیعیان باوفای بسیاری بوده است که با جانفشانی تمام، همه‌ی هستی خود را فدای امامان خویش نمودند و در راه «حرکت» در مسیر رضایت پیشوایان خود و «دعوت» به سوی ایشان از هیچ کوششی دریغ ننمودند.

یکی از سربازان باوفا میثم بود. او غلامی بود که توسط حضرت علی علیه‌السلام خریداری شد. میثم در تمام طول عمر و حتی هنگامی که او را بر دار کردند، دست از مدح و منقبت حضرت برنداشت. در وصف حال او در تاریخ آمده است:

میثم تمار غلام‌زنی از بنی اسد بود. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام او را خرید و آزاد کرد، پس از او پرسید که چه نام داری؟ گفت: سالم حضرت فرمود: خبر داده است مرا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که پدرت تو را در عجم میثم نام‌گذاری کرده، گفت: راست گفته‌اند خدا و رسول و امیرالمؤمنین، به خدا سوگند که مرا پدرم چنین نام‌گذاری کرده است. حضرت فرمود: نام سالم را کنار بگذار و همین نام که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خبر داده است داشته باش، پس نام خود را میثم گذاشت و کنیه خود را ابوسالم. روزی امیرالمؤمنین علیه‌السلام به او فرمود که تو را بعد از من خواهند گرفت، بر دار خواهند کشید و حربه بر تو خواهند زد و در روز سیم خون از بینی و دهان تو روان خواهد شد و محاسن تو از آن رنگین خواهد شد. پس منتظر آن خضاب



۱. الکافی / ج ۸ / ص ۲۲۹.

۲. أمالی صدوق / ص ۹۹.

باش و تو را بر در خانه عمرو بن الحریث با نه نفر دیگر بدار خواهند کشید و چوب دار تو از همه‌ی آنها کوتاه‌تر خواهد بود و تو به منزلت از آنها نزدیکتر خواهی بود به من، بیا تا بتو بنمایم آن درختی که ترا بر چوب آن خواهند آویخت. پس آن درخت را بمن نشان داد. به روایت دیگر حضرت به او گفت: ای میثم چگونه خواهد بود حال تو در وقتی که ولد الزنای بنی‌امیه تو را بطلبد و تکلیف کند که از من بیزار شوی؟ میثم گفت: بخدا سوگند که از تو بیزار نخواهم شد. حضرت فرمود: بخدا سوگند که تو را خواهد کشت و بردار خواهد کشید. میثم گفت: صبر خواهم کرد و اینها در راه خدا کم است و آسان.

حضرت فرمود: ای میثم تو در آخرت با من خواهی بود و در درجه‌ی من، پس بعد از حضرت امیرالمومنین علیه السلام میثم پیوسته به نزد آن درخت آمد و نماز می‌خواند و می‌گفت خدا برکت دهد تو را ای درخت که من از برای تو آفریده شده‌ام و تو از برای من نشو و نما می‌کنی. به عمر و بن الحریث می‌رسید می‌گفت من وقتی که همسایه‌ی تو خواهم شد رعایت همسایگی من بکن. عمر و گمان می‌کرد که خانه می‌خواهد در پهلوی خانه او بگیرد، می‌گفت مبارک باشد خانه‌ی ابن مسعود را خواهی خرید یا خانه ابن حکم را و نمی‌دانست که مراد او چیست، پس در سالی که حضرت امام حسین علیه السلام از مدینه متوجه مکه شد و از مکه متوجه کربلا، میثم به مکه رفت و به نزد ام سلمه رضی الله عنها زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله رفت، ام سلمه گفت: تو کیستی؟ گفت: منم میثم، ام سلمه گفت: بخدا سوگند شنیدم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دل شب یاد می‌کرد تو را و سفارش تو را به حضرت امیرالمومنین علیه السلام می‌کرد، پس میثم احوال حضرت امام حسین علیه السلام را پرسید: ام سلمه گفت که به یکی از باغ‌های خود رفته است. میثم گفت: که چون بیاید سلام مرا به او برسان و بگوی به این زودی من و تو به نزد حق تعالی یکدیگر را ملاقات خواهیم کرد انشاء الله، پس ام سلمه بوی خوشی طلبید و کنیزک خود را گفت محاسن او را خوشبو کن، چون محاسن او را خوشبو کرد میثم گفت تو محاسن مرا خوشبو کردی و در این زودی در راه محبت شما



اهل بیت علیهم السلام به خون خضاب خواهد شد. پس ام سلمه گفت: حضرت امام حسین علیه السلام تو را بسیار یاد می‌کرد. میثم گفت: من نیز پیوسته در یاد اویم و من تعجیل دارم و برای من و او امری مقدر شده است که می‌باید به او برسیم. چون بیرون آمد عبدالله بن عباس را دید که نشسته است، گفت: ای پسر عباس سؤال کن آنچه خواهی از تفسیر قرآن که من قرآن را نزد امیرالمؤمنین علیه السلام خوانده‌ام و تأویلش از او شنیده‌ام، ابن عباس دواتی و کاغذی طلبید و از میثم می‌پرسید و می‌نوشت تا آنکه میثم گفت: چون خواهد بود حال تو ای پسر عباس در وقتی که ببینی مرا با نه نفر بدار کشیده باشند، چون ابن عباس این را شنید کاغذ را درید و گفت تو کهانت می‌کنی، میثم گفت کاغذ را مدر اگر آنچه گفتم به عمل نیاید کاغذ را پاره کن چون از حج فارغ شد متوجه کوفه شد و پیش از آن که به حج رود با عریف^۱ کوفه می‌گفت که زود باشد حرام زاده‌ی بنی امیه مرا از تو طلب کند و از او مهلتی بطلبی و آخر مرا به نزد او ببری تا آنکه بر در خانه عمر و بن الحریث مرا بدار کشند. چون عبید الله زیاد به کوفه آمد عریف را طلبید و احوال میثم را از او پرسید، معرف گفت: او به حج رفته است گفت به خدا سوگند اگر او را نیاوری ترا به قتل رسانم، پس او مهلتی طلبید و به استقبال میثم رفت به قادسیه و در آنجا ماند تا میثم آمد و میثم را گرفت و به نزد آن ملعون برد، چون داخل مجلس شد حاضران گفتند این مقرب‌ترین مردم بود نزد علی بن ابیطالب علیه السلام. گفت: وای بر شما این عجم را این قدر اعتبار می‌کرد؟ گفتند: بلی، عبیدالله گفت:

پروردگار تو در کجا است؟ گفت: در کمین ستمکاران است و تو یکی از ایشان؛ ابن زیاد گفت: تو این جرئت داری که این روش سخن بگویی، اکنون بیزاری بجوی از ابو تراب، گفت: من ابو تراب را نمی‌شناسم ابن زیاد گفت بیزار شو از علی بن ابیطالب علیه السلام، میثم گفت اگر نکنم چه خواهی کرد؟ گفت بخدا سوگند ترا به قتل خواهم رسانید. میثم گفت: مولای من مرا خبر داده است که تو مرا به قتل خواهی رسانید و به دار خواهی کشید با نه نفر دیگر بر در خانه عمر و بن الحریث، ابن زیاد گفت: من مخالفت

۱. معرف یا عریف به مسئول مناطق پیرامونی و قبایل شهرها گفته می‌شود.



مولای تو می‌کنم تا دروغ او ظاهر شود. میثم گفت: مولای من دروغ نگفته است و آنچه فرموده است از پیغمبر ﷺ از جبرئیل شنیده و جبرئیل از خداوند عالمیان شنیده، پس چگونه مخالفت ایشان می‌توانی کرد و می‌دانم به چه روش مرا خواهی کشت و در کجا به دار خواهی کشید و اول کسی را که در اسلام بر دهان او لجام خواهند بست من خواهم بود پس امر کرد میثم و مختار هر دو را به زندان بردند و در زندان میثم به مختار گفت تو از حبس رها خواهی شد و خروج خواهی کرد و طلب خون امام حسین علیه السلام خواهی کرد و همین مرد را خواهی کشت، چون مختار را بیرون برد که بکشد پیکری از جانب یزید رسید و نامه آورد که مختار را رها کن و او را رها کرد، پس میثم را طلبید و امر کرد که او را بردار کشند بر در خانه‌ی عمرو بن الحریث و در آن وقت عمرو دانست که مراد میثم چه بوده است پس جاریه خود را امر کرد که زیر دار او را جاروب کند و بوی خوشی برای او بسوزاند پس او شروع کرد به نقل احادیث در فضایل اهل بیت و در لعن بنی‌امیه و آنچه واقع خواهد شد از قتل و انقراض بنی‌امیه چون به ابن‌زیاد گفتند که این مرد رسوا کرد شما را، آن ملعون امر کرد که دهان او را لجام نمودند و بر چوب دار بستند که سخن نتواند؛ گفت، چون روز سیم شد ملعونی آمد و حربه در دست داشت و گفت به خدا سوگند که این حربه را به تو می‌زنم با آن که می‌دانم روزها روزه بودی و شب‌ها به عبادت حق تعالی ایستاده بودی، پس حربه را بر تهیگاه او زد که به اندرونش رسید و در آخر روز خون از سوراخ‌های دماغش روان شد و بر ریش و سینه‌ی مبارکش جاری شد و مرغ روحش به ریاض جنان پرواز کرد و شهادت او پیش از آن بود که حضرت امام حسین علیه السلام وارد عراق شود به ده روز ایضاً روایت کرده‌اند که چون آن بزرگوار به رحمت پروردگار واصل شد هفت نفر از خرما فروشان که هم‌پیشه‌ی او بودند شبی آمدند در وقتی که پاسبانان همه بیدار بودند و حق تعالی دیده‌ی ایشان را پوشانید تا ایشان میثم را دزدیدند و آوردند و به کنار نهری دفن کردند و آب بر روی او افکندند و هر چند پاسبانان تفحص کردند از او اثری نیافتند.^۱



۱۸. اصل نگاه و احترام ویژه

در فرهنگ تربیتی اسلام، در نگاه اول همه مؤمنین برادر و برابرند، به گونه‌ای که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

(المؤمنون كَأَسْنَانِ الْمَشِطِ يَتَسَاوُونَ فِي الْحَقوقِ بَيْنَهُمْ وَ يَتَفَاضِلُونَ بِأَعْمَالِهِمْ...)^۱

«مؤمنین مانند دندان‌های شانه‌اند که در حقوق با هم برابرند، اما در اعمال متفاوتند و بر یکدیگر برتری می‌یابند...»

اما همانگونه که در ادامه فرمایش نبی اکرم ﷺ آمده است در صورتی که فردی دارای برجستگی‌های عملی، اخلاقی و امتیازات معنوی باشد، لازم است بیش از دیگران مورد احترام و تکریم قرار گیرد و به تعبیر روشن‌تر، تفاضل و برتری بین مؤمنین بر اساس اعمال، صفات و ویژگی‌های معنوی و اخلاقی ایشان می‌باشد. ملاک‌های برتری میان اهل ایمان از منظر قرآن عبارتند از:

۱. ایمان

خداوند می‌فرماید:

(أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ)^۲

«آیا پس آنکه مؤمن است مانند فاسق است، هرگز این دو یکسان نیستند.»

۲. تقوی

خداوند می‌فرماید:

(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)^۳

«همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست.»

۳. علم

خداوند می‌فرماید:

(قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ)^۴



۱. مستدرک الوسائل / ج ۸ / ص ۳۲۷.

۲. سجده / ۱۹.

۳. حجرات / ۱۳.

۴. زمر / ۹.

«بگو آیا کسانی که می‌دانند با آنانکه نمی‌دانند برابرند!؟»

۴. جهاد

خداوند می‌فرماید:

(فَضَّلَ اللَّهُ مُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا)^۱

«خداوند مجاهدان را بر بازنشستگان (از جنگ) به پاداشی

بزرگ برتری داده است.»

بر این اساس لازم است خادمان حرم ضمن تکریم و احترام گذاردن به عموم زائران و مجاورین، با یکسان‌سازی دیدگاه‌های خویش با دیدگاه‌های قرآنی و روایی، برای زائران و مجاورینی که امتیازات معنوی بیشتری دارند، احترام والاتری قائل شوند.



۱۹. اصل توجه به محرومان، مسکینان و مستمندان

خانه و حرم اهل بیت علیهم السلام همواره در طول تاریخ مأمّن فقراء و مستمندان و ملجأ غریبان و نیازمندان بوده است و طبقات محروم جامعه در زمان حیات نبی اکرم صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام بدون هیچ واژه و واسطه‌ای می‌توانستند برای عرض حاجات خویش به محضر آن بزرگواران شرفیاب شوند، در کنار آنان بنشینند و با احساس آرامش کامل مشکلات خویش را بازگو نمایند.

خداوند متعال در قرآن پیغمبرش را فرمان می‌دهد تا با آغوش باز از این طبقه‌ی اجتماعی استقبال نماید و برای خوشایند مترفین و اشراف، ایشان را طرد ننماید:

(ولا تطرد الذين يدعون ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه...)^۱

«مؤمنین (فقیری) را که صبح و شام خدا را می‌خوانند و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن...»

در همین راستا حضرت نوح نیز به قومش می‌فرمود:
(و ما أنا بطارد المؤمنین)^۲

«من هرگز مؤمنین (فقیر) را از خود دور نخواهم کرد.»

در سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام، طبقات محروم اجتماعی که همواره از سوی عموم مورد بی‌توجهی واقع می‌شدند و عملاً در حاشیه قرار می‌گرفتند، مورد تفقد، عنایت و نظر خاص امامان علیهم السلام بوده‌اند.

سوره انسان که از افتخارات اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌گردد به زیبایی به این سیره معصومین علیهم السلام اشاره می‌کند و با بیان این‌که یتیمان، مسکینان و حتی اسیران (که دینی غیر از اسلام داشتند) از درب این خانه نا امید بر نمی‌گشتند، در وصف این فضیلت اخلاقی اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

(و يطعمون الطعام على حبه مسكيناً و یتیمًا و أسیراً)^۳

«و غذا ی (خویش) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند به



۱. انعام / ۵۲.

۲. شعراء / ۱۱۴.

۳. انسان / ۸.

مسکین و یتیم و أسیر می دهند...»
 کَرَم اهل بیت علیهم السلام و در رأس آنان حضرت علی رضی الله عنه تا بدان جاست که حتی سائل را در نماز هم دست خالی بر نمی گردانند. چنانچه قرآن می فرماید:
 (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)

«همانا ولی و سرپرست شما تنها خداست و رسول او و مؤمنین، همان مؤمنینی که نماز را برپا می دارند و در رکوع زکات می دهند.»

همچنین اهل بیت علیهم السلام در همه ی حالات به فقرا و مساکین رسیدگی می نموده اند، قرآن در این خصوص می فرماید:
 حضرت علی رضی الله عنه چهار درهم را یکی شبانه، یکی روزانه، یکی مخفیانه و دیگری آشکارا انفاق نمود:
 (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...)^۱

«کسانی که دارایی شان را شبانه و روزانه، مخفیانه و آشکارا انفاق می کنند، پس اجرشان نزد پروردگارشان محفوظ است...»

حضرت علی رضی الله عنه به کارگزار ارشد خود مالک اشتر در خصوص رعایت حال طبقات محروم جامعه می فرماید:
 (ثُمَّ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ...)^۲

«سپس خدا را در نظر بگیر در طبقه ی فرودست از مردم، آنان که راه چاره ای ندارند و از درویشان و نیازمندان و بینوایان و آنانکه از بیماری بر جای مانده اند، زیرا در این طبقه مستمندی و سانلی یافت می شود که حاجتش را ابراز نمی کند، پس به خاطر خدا حق آنان را ادا کن و سهمی از دارایی ات را به ایشان اختصاص بده...»

امام سجاد رضی الله عنه نیز به حاشیه نشینان بیمار توجه خاصی



۱. بقره / ۲۷۴.

۲. نهج البلاغه / ص ۴۳۸.

داشتند. شهید مطهری رحمته در کتاب داستان راستان می‌نویسد: «در مدینه چند نفر بیمار جذامی بود. مردم با تنفر و وحشت از آنها دوری می‌کردند. این بیچارگان بیش از آن اندازه که جسماً از بیماری خود رنج می‌بردند، روحاً از تنفر و انزجار مردم رنج می‌کشیدند و چون می‌دیدند دیگران از آنها تنفر دارند خودشان با هم نشست و برخاست می‌کردند. یک روز، هنگامی که دور هم نشسته بودند غذا می‌خوردند، علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام از آنجا عبور کرد. آنها امام را به سر سفره‌ی خود دعوت کردند. امام معذرت خواست و فرمود: «من روزه دارم. اگر روزه نمی‌داشتم پایین می‌آمدم. از شما تقاضا می‌کنم فلان روز مهمان من باشید.» این را گفت و رفت.

امام در خانه دستور داد غذایی بسیار عالی و مطبوع بپختند. میهمانان طبق وعده‌ی قبلی حاضر شدند. سفره‌ای محترمانه برایشان گسترده شد. آنها غذای خود را خوردند و امام هم در کنار همان سفره غذای خود را صرف کرد.^۱ در سیره نگاری خاص امام رئوف و مهربان، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز توجه به دوست و دشمن به چشم می‌خورد، امام جواد علیه السلام در بیان علت نامگذاری پدرشان به «رضا» فرمودند: «زیرا مخالفان از دشمنان و موافقان از دوستان از او راضی بودند.»^۲

همچنین در خصوص توجه آن حضرت به مساکین و اطعام و اکرام ایشان آمده است:

دو تن از اصحاب آن حضرت به نام‌های یاسر و نادر می‌گویند: امام رضا علیه السلام به ما فرمود: «هرگاه من، در حالی که مشغول خوردن هستید، به سراغ شما آمدم، برنخیزید تا از خوردن فارغ شوید.» و چه بسا جمعی از ما را احضار می‌کرد و به حضرت علیه السلام عرض می‌شد که ایشان مشغول خوردن هستند و امام علیه السلام می‌فرمود: «رهایشان کنید تا از خوردن فارغ گردند.»^۳ عبدالله بن صلت به نقل از مردمی از اهل بلخ می‌گوید: در



۱. داستان راستان شهید مطهری رحمته / داستان ۹۹.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱ / ص ۱۳.

۳. اهل بیت در قرآن و حدیث / محمد ری شهری / ص ۷۱۹.

سفر امام رضا علیه السلام به خراسان، همراه ایشان بودم. روزی دستور داد برایش سفره بگسترانند و همه‌ی غلامان خود را از سیاه گرفته تا دیگران، بر سفره گرد آورد. عرض کردم: قربانت کردم! کاش سفره‌ی ایشان را جدا می‌کردی! امام علیه السلام فرمود: « دست بردار، خداوند تبارک و تعالی، یکی است و پدر هم یکی و مادر هم یکی و پاداش، به اعمال است.»^۱

از این رو به جاست خادمان و برنامه‌ریزان بارگاه رضوی که نمایندگان آن حضرت در پذیرایی و میزبانی از زائران حرم رضوی به شمار می‌روند، با سعه‌ی صدر و رأفت تمام، پناهندگان به کهف آمن و امان رضوی را مورد لطف و تفقد خویش قرار دهند و با رسیدگی و اکرام و اطعام و تحمل ایشان، یاد و سیره‌ی معصومین علیهم السلام را زنده نگاه دارند.

فراموش نشود گاهی زائرانی با هیأتی ساده و فقیرانه، به شدت مورد عنایت صاحب‌خانه‌اند و کوچکترین ناملایمتی نسبت به ایشان خلاف رضایت میزبان اصلی بزم زیارت، حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام است.



۲۰. اصل شناخت مردم و تحمّل خطاهای آنان (حلم و بردباری)

از جمله صفات بارز نبی اکرم ﷺ و ائمه‌ی طاهرين ﷺ، شناخت اخلاق و روحيات مردم و آشنائي با طبقات و فرهنگ‌هاي متفاوت آنان و تنظيم روابط و عكس‌العمل‌ها بر اساس ميزان ظرفيت مخاطبين خود بوده است و بر اين اساس معصومين ﷺ، خطاها و تندي‌هاي خَلق، اصحاب و حتّي برخي از منافقين را تحمّل مي‌کردند.

خادمان حرم امامان ﷺ لازم است با الگوگيري از سيره‌ي اوليائي الهی و موالی خویش، خصوصاً در اين زمينه، همراه با بردباري و سعه‌ي صدر اولاً با روحيات و فرهنگ اقشار مختلف زيران آشنا باشند و تلاش کنند خود را با آن تطبيق دهند. و ثانياً در عمل، با برخوردی صبورانه، از خطاها و اشتباهات گفتاری و رفتاری ايشان صرف‌نظر کنند.

سیره‌ي امامان معصوم ﷺ: گواهی روشن بر تجلی این اخلاق کریمانه و برخورد صبورانه‌ی اهل‌بیت ﷺ با مردم می‌باشد. در روایتی آمده است، روزی امام رضا علیه السلام به حمام رفت. فردی به ايشان گفت، ای مرد! مرا کیسه بکش. حضرت علیه السلام او را کیسه کشید. مردم، حضرت را به آن مرد معرفی کردند. او از امام پوزش طلبید و حضرت علیه السلام دل آن مرد را آرام می‌کرد و همچنان کیسه‌اش می‌کشید.^۱

در کتاب داستان راستان شهید مطهری رحمته الله علیه در وصف خُلق صبورانه‌ی امام حسین علیه السلام آمده است:

شخصی از اهل شام، به قصد حج یا مقصد دیگری به مدینه آمد. چشمش افتاد به مردی که در کناری نشسته بود. توجهش جلب شد. پرسید: «این مرد کیست؟» گفته شد: «حسین بن علی بن ابیطالب است». سوابق تبلیغاتی عجیبی^۲ که در روحش

۱. بحارالانوار / ج ۴۹ / ص ۹۹.

۲. مردم شام تحت تعلیم و تربیت امویان بزرگ شدند و همچنانکه می‌دانیم اموی‌ها از قدیم با هاشمیان خصومت داشتند. در دوران اسلام و با ظهور اسلام، خصومت امویان با هاشمیان شدیدتر و قوی‌تر شد و در آل علی تمرکز پیدا کرد. بنابراین، مردم شام از اول که نام اسلام را شنیدند و به آن دل سپردند، دشمنی آل علی را نیز به دل سپردند و روی تبلیغات سوء اموی‌ها دشمنی آل علی را از ارکان دین می‌شمردند. این بود که این خلق و خوی از آنها معروف بود.



رسوخ کرده بود، موجب شد که دیگ خشمش به جوش آید و قربةً الی الله آنچه می‌تواند سب و دشنام نثار حسین بن علی علیه السلام بنماید. همین‌که هر چه خواست گفت و عقده‌ی دل خود را گشود، امام حسین بدون آنکه خشم بگیرد و اظهار ناراحتی کند، نگاهی پر از مهر و عطوفت به او کرد و پس از آنکه چند آیه از قرآن، مبنی بر حسن خلق و عفو و اغماض قرائت کرد، به او فرمود: «ما برای هر نوع خدمت و کمک به تو آماده‌ایم». آنگاه از او پرسید: «آیا از اهل شامی؟» جواب داد: «آری». فرمود: «من با این خلق و خوی سابقه دارم و سرچشمه‌ی آن را می‌دانم.»

پس از آن فرمود: «تو در شهر ما غریبی؛ اگر احتیاجی داری حاضریم به تو کمک دهیم، حاضریم در خانه‌ی خود از تو پذیرایی کنیم، حاضریم تو را بیوشانیم، حاضریم به تو پول بدهیم.»

مرد شامی که منتظر بود امام با عکس‌العمل شدیدی برخورد کند و هرگز گمان نمی‌کرد با یک همچو گذشت و اغماضی روبرو شود، چنان منقلب شد که گفت: «آرزو داشتم در آن وقت زمین شکافته می‌شد و من به زمین فرو می‌رفتم و این چنین نشناخته و نسنجیده گستاخی نمی‌کردم. تا آن ساعت، برای من روی زمین کسی از حسین و پدرش مبعوض‌تر نبود و از آن ساعت برعکس، کسی نزد من از او و پدرش محبوب‌تر نیست.»^۱



۲۱. اصل حفظ اسرار و عدم تتبع عیوب

یکی از شرایط لازم برای ورود به بیت‌الانبیاء و بیت‌الولایه و استقرار حضور در حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام، کتمان اسرار است، اسرار یا از اسرار شخصی و فردی است که به اسرار خانوادگی اقتصادی، اخلاقی و... قابل تقسیم است و یا اینکه از اسرار مربوط به زندگی دیگران می‌باشد.

از این‌رو خادمان و خواصّ حریم رضوی علیه‌السلام با توجه به شرح صدر و ظرفیت بالای روحی اخلاقی که دارند لازم است در حفظ هر دو نوع سرّ کوشا باشد:

۱. اسرار فردی، عرفانی و اخلاقی و...

منظور از این‌گونه اسرار، همان حالات خوش معنوی و بهره‌مندی از عنایات ویژه‌ی خدا، اهل‌بیت علیهم‌السلام و بویژه امام رضا علیه‌السلام می‌باشد که لازم است خدّام محترم حرم، این عنایات را به عنوان گنجینه‌ی اسراری ارزشمند، در صندوقچه‌ی دل نگاه دارند و از برملا کردن آن به هر عنوان بپرهیزند، چرا که افشاء اسرار علاوه بر اینکه با اخلاص منافات دارد، در بیشتر مواقع به محرومیت از این عنایات منجر شده و گاهی موجب سوء استفاده و سوء برداشت خواهد شد، از این‌رو توجه به یک نکته در حافظ اسرار اهل‌بیت علیهم‌السلام بودن بسیار حائز اهمیت است و آن اینکه:

آنکه را اسرار حق آموختند

مهر کردند و دهانش دوختند

۲. اسرار مردم و زائران

مراد از اسرار مردم و زائران حریم رضوی، آداب، رسوم و ویژگی‌های رفتاری و قومیتی آنهاست که خدّام محترم به خاطر ارتباط مستمر با ایشان، از آنها مطلعند.

این اسرار زائران در صورت برملا شدن ممکن است زمینه‌ی غیبت، عیب‌جویی و افشای اسرار و معایب پوشیده‌ی آنان را فراهم آورد و سبب هتک حرمت زائران آن حضرت گردد، از این‌رو عیب‌پوشی، کتمان اسرار و معایب زائران از جمله



وظایف خادمان است، چنانچه گفته‌اند:

(قُلُوبُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ)

«دل‌های آزادگان مقبره و مدفن اسرار است.»

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ی خود به کارگزار ارشدشان، مالک اشتر، یکی از مهمترین ملاک‌های انتخاب همکار و یاران را عیب‌پوشی می‌دانند و می‌فرمایند:

(وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا الْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سَتْرِهَا...)^۱

«باید دورترین افراد ملت تو و دشمن‌ترین آنها نزد تو، عیب‌جوترین آنها از مردم باشد، زیرا مردم عیب‌هایی دارند و زمامدار سزاوارترین کس به پوشاندن آنهاست.»

از امام رضا علیه السلام نیز روایت شده که در بیان صفات مؤمن فرمودند:

(لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ، سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ، فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكِتْمَانُ السِّرِّ...)^۲

«مؤمن، مؤمن نیست مگر اینکه سه خصلت در او جمع باشد، یک خصلت از پروردگارش، یک خصلت از پیامبرش و یک خصلت از امامش، اما خصلتی که از پروردگارش باید داشته باشد، رازداری و کتمان اسرار است...»



۱. مستدرک/ ج ۱۳/ ص ۱۶۲.

۲. اخلاق رضوی - درس ۴.

۲۲. اصل امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم می‌فرماید:

(وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)^۱

«و از میان شما باید گروهی باشند که (دیگران را) به خیر دعوت نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند.»

حرم اهل بیت علیهم السلام از جمله حرم رضوی علیه السلام بهترین بستر برای اجرای دو اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر و حرم بانان این آستان، شایسته‌ترین و مؤثرترین افراد برای اقامه‌ی این فریضه الهی‌اند زیرا:



اولاً: حرم امام رضا علیه السلام از بهترین مواضع و متبرک‌ترین خطه‌های زمین و امر به معروف و نهی از منکر از والاترین و مهمترین فرائض الهی اوست و خادمان درگاه حضرت، از والامقام‌ترین افراد می‌باشند و انجام «مهمترین» عبادت در «بهترین» مکان توسط «بهترین» عوامل اجرایی، «بیشترین» اثر را به دنبال خواهد داشت.

ثانیاً: حرم امامان علیهم السلام و بویژه حرم علی بن موسی الرضا علیه السلام محل عبادت و آشنایی با دین و اقامه‌ی فرائض الهی است و امر به معروف و نهی از منکر از ارزشمندترین فرائض است. قال الباقر علیه السلام:

(إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَا جُ الصَّلْحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ...)^۲

(فرمان دادن به خوبی‌ها و بازداشتن از زشتی‌ها راه پیامبران است و شیوه‌ی نیکوکاران، فریضه‌ی بزرگی است که دیگر فرائض به واسطه‌ی آن برپا می‌شود...)

ثالثاً: افراد و زایران با ورود به حریم مقدّس رضوی، تحت

۱. آل عمران / ۱۰۴.

۲. الکافی / ج ۵ / ص ۵۶.

تأثیر فضای معنوی و نورانی این بهشت زمینی، بیشترین آمادگی را برای حق‌پذیری و پذیرش خطاهای رفتاری خود دارند.

رابعاً: خادمان حرم که در نظر همه‌ی زائران، نمایندگان حضرت رضا علیه السلام هستند، شایسته است برای احراز مقام جانشینی خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام پیشقدم باشند، چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

(مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ...)

«هر کس امر به معروف و نهی از منکر کند، خلیفه خدا و رسول او در روی زمین است...»

خامساً: خادمان حرم باید طلابه‌داران مکتب رضوی و مدافعان آیین علوی باشند و با امر به معروف و نهی از منکر این عبادت فراموش شده را در دل‌ها و اذهان زنده کنند و از این طریق زائران را با سوغات معنوی امر به معروف و نهی از منکر راهی شهر و دیارشان نمایند و بدون شک زائران با توجه به ارادتی که به امام رضا علیه السلام و خادمان آن حضرت دارند، از این رفتار الگوبرداری کرده و آنرا در شهر خود احیاء خواهند نمود.

سادساً: کسب رضایت خدا، معصومین علیهم السلام و بویژه امام رضا علیه السلام در گروهی فرامین الهی، رعایت تقوی و از جمله اقامه‌ی دو فریضه‌ی زیربنایی امر به معروف و نهی از منکر است.

سابعاً: فضای نورانی حرم علی بن موسی الرضا علیه السلام باید با همه جا متفاوت باشد و آنگونه که در اقامه این دو فریضه بزرگ در سطح جامعه مسامحه و کوتاهی می‌شود، شایسته نیست در حرم رضوی علیه السلام نیز نسبت به اجرای این دو واجب بی‌توجهی شود.

باید توجه داشت امر به معروف و نهی از منکر از مصادیق



«قول حَسَن» است و قرآن به سخن نیکو گفتن، فرمان می‌دهد، قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: (و قولوا لِلنَّاسِ حُسْنًا)^۱ آیت الله جوادی آملی حفظه الله می‌فرماید:

«مقصود از (حُسْنًا) و قول حَسَن، گفتن سخن نیک با مردم است و قطعاً از مصادیق آن، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد؛ زیرا مراد از «سخن نیک» سخنی نیست که خوشایند دیگران باشد، بلکه مراد آن است که محتوای آن سخن به مصلحت آنان و روش آن مقبول و دلپذیر باشد.

امر به معروف و نهی از منکر، اگر از مصادیق قول حسن نباشد، از لحاظ حکم، به آن ملحق است؛ زیرا جایی که خداوند رحیم و رحمان دستور خشونت نیز می‌دهد در حقیقت، احسانی در حق بندگان است و اگر مصداق قول حسن به حساب نیاید تخصیصاً از قول غیر حسن نیز خارج است.»^۲



۱. بقره/۸۳.

۲. تفسیر تسنیم / ج ۵ / ص ۳۶۴.

عوامل طرد شدن از درگاه امام

یکی از نگرانی‌های مثبت و لازم برای اهل ولایت، خادمان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام، نگرانی در خصوص طرد شدن از درگاه ملکوتی امام و اخراج از بیت الولایه اهل‌البیت علیهم‌السلام می‌باشد، زیرا در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام به نکاتی اشاره شده که رعایت نکردن آنها سبب طرد و دوری از این خانواده و سلب اهلیت از انسان می‌شود.

در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام تعبیراتی چون «لیس منّا» (از ما نیست) و «لیس منی» (از من نیست) از سوی امامان ناظر به همین معناست، مانند اینکه فرموده‌اند:

(لیس منّا من لم یصلِّ صلاةَ اللیل)

«هر کس نماز شب نخواند از ما (اهل‌بیت) نیست.»

(لیس منّا من لم یحاسب نفسه کلَّ یوم ۲۰۰)

«هر کس هر روز به حساب نفس خود رسیدگی نکند، از ما (اهل‌بیت) نیست.»

همچنین، گاهی برخی از اصحاب اهل‌بیت علیهم‌السلام به خاطر ارتکاب خطاهایی از پیشگاه امامان خود عملاً طرد شده‌اند که لازم است با دقت در ماجراهای آنان و عبرت گرفتن از این کوتاهی‌ها، با مراقبت و هوشیاری بیشتر، از عوامل طرد شدن از این خانواده دوری کنیم و در مسیر خلاف رضایت آنان قدمی برنداریم. در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از این خطاها و برخورد ائمه اطهار علیهم‌السلام با چنین خطاهایی می‌پردازیم.



۱. عن الصادق علیه‌السلام / شواهد التنزیل / ج ۲ / ص ۳۱۰.

۲. عن الکاظم علیه‌السلام / جامع الاحادیث للمقی / ص ۳۲۱.

۱. درشت‌گویی

خداوند متعال مؤمنین را عزیز و صاحب کرامت قرار داده است و از دیگر مؤمنین نیز خواسته این مقام مؤمن را پاس بدارند و به حریم عزت و کرامت او تجاوز ننمایند. قرآن می‌فرماید:

(و لا تلمزوا أنفسکم و لا تتابزوا بالألقاب^۱)

«از خود^۲ عیب‌جویی نکنید و یکدیگر را با القاب ناشایست صدا نزنید.»

براساس این فرمایش قرآن، هرگونه حرکت، سخن و یا رفتاری که به نحوی اهانت به دیگران قلمداد شود و اسباب آزرده خاطر شدن آنان را فراهم آورد عملی ناپسند و حرام است و سبب خارج شدن انسان از سایه لطف و عنایت امامان علیهم‌السلام خواهد شد.

تاریخ گواهی می‌دهد که چگونه یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به خاطر درشت‌گویی نسبت به غلامش از چشم آن حضرت ساقط شد و از فیض همراهی و مصاحبت امام بازماند.

شهید مطهری رحمته‌الله در کتاب داستان راستان این جریان را اینگونه به تصویر می‌کشند:

«در آن روز، صحابی امام صادق علیه‌السلام مانند همیشه همراه امام بود و با هم داخل بازار کفشدوزها شدند. غلام سیاه پوستش هم در آن روز با او بود و از پشت سرش حرکت می‌کرد. در وسط بازار، ناگهان به پشت سر نگاه کرد؛ غلام را ندید. بعد از چند قدم دیگر، دو مرتبه سر را به عقب برگرداند؛ باز هم غلام را ندید. سومین بار به پشت سر نگاه کرد؛ هنوز هم از غلام که سرگرم تماشای اطرافش شده و از ارباب خود دور افتاده بود خبری نبود. برای مرتبه‌ی چهارم که سر خود را به عقب برگرداند، غلام را دید؛ با خشم به وی گفت: «مادر فلان! کجا بودی؟»

۱. حجرات / ۱۱.

۲. از آنجا که مؤمنین جان یکدیگرند در تفاسیر آمده است اینکه خدا می‌فرماید از خودتان عیب‌جویی نکنید به معنای آن است که از برادران ایمانی خود که مانند جان شمایند عیب‌جویی نکنید، که عیب‌جویی از آنان در واقع عیب‌جویی از خودتان محسوب می‌گردد، هر چند این معنا با معنای اول آیه نیز هیچ منافاتی ندارد.



تا این جمله از دهانش خارج شد، امام صادق به علامت تعجب دست خود را بلند کرد و محکم به پیشانی خویش زد و فرمود: «سبحان الله! به مادرش دشنام می‌دهی؟ به مادرش نسبت کار ناروا می‌دهی؟! من خیال می‌کردم تو مردی باتقوا و پرهیزگاری؛ معلوم شد در تو ورع و تقوایی وجود ندارد.» - «یا بن رسول الله! این غلام اصلاً سندی است و مادرش هم از اهل سِند است. خودت می‌دانی که آنها مسلمان نیستند. مادر این غلام یک زن مسلمان نبوده که من به او تهمت ناروا زده باشم.»

حضرت فرمودند:

«مادرش کافر بوده که بوده. هر قومی سنتی و قانونی در امر ازدواج دارند. وقتی طبق همان سنت و قانون رفتار کنند، عملشان زنا نیست و فرزندانشان زنازاده محسوب نمی‌شوند.» امام بعد از این بیان به او فرمود: «دیگر از من دور شو.» بعد از آن، دیگر کسی ندید که امام صادق علیه السلام با او راه برود، تا مرگ بین آنها جدایی کامل انداخت.»



۲. کوتاهی در خدمت به مؤمنان

علی ابن یقظین یکی از دوستان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بود که حضرت عنایت ویژه‌ای به او داشتند. علی همچنین در دستگاه هارون مقام وزارت داشت و با نظر موسی بن جعفر علیه السلام برای رسیدگی به امور شیعیان در این پُست باقی مانده بود.

روزی یکی از شیعیان به نام ابراهیم جَمال (شتربان) به او مراجعه کرد، ولی علی بن یقظین به او اجازه‌ی ملاقات نداد و او را رد نمود.

اتفاقاً علی همان سال عازم حج شد و قصد ملاقات امام موسی کاظم علیه السلام در مدینه را نمود، اما برخلاف انتظارش حضرت به او اجازه‌ی دیدار ندادند و چون علی عَلت به حضور نپذیرفتنش را جویا شد، حضرت فرمودند:

(لَا تَكْ حَجَبَتْ أَخَاكَ اِبْرَاهِيمَ الْجَمَالَ وَقَدْ أَبَى اللَّهُ أَنْ يَشْكُرَ سَعِيكَ حَتَّى يَغْفِرَ لَكَ اِبْرَاهِيمَ الْجَمَالَ)

«تو را راه ندادم؛ زیرا برادرت ابراهیم شتربان را راه ندادی و خداوند حج تو را قبول نمی‌کند تا اینکه تو را ببخشد.»^۱
در این کلام موسی بن جعفر علیه السلام چندین پیام مهم به چشم می‌خورد:

۱. رَدِّ مَحَبَّانِ اَهْلِ بَيْتِ علیهم السلام و کوتاهی در خدمت به ایشان، خلاف رضایت اهل بیت علیهم السلام است.
۲. کوتاهی در خدمت به دوستان اهل بیت علیهم السلام، سبب محرومیت از ملاقات امام می‌شود.
۳. کوتاهی در خدمت به دوستان اهل بیت علیهم السلام، مانع قبولی عبادات و از جمله حج می‌گردد.
۴. راه حلّ خلاصی از خطای کوتاهی در حق دوستان اهل بیت علیهم السلام، تنها کسب حلالیت از آنان و به دست آوردن دل آنهاست.



۳. خوش گذرانی و عدم رضایت والدین

از جمله عوامل طرد شدن از درگاه اهل بیت (علیهم السلام) و امام رضا (علیه السلام)، دوری از اخلاق مترفین و خوش گذرانان و آلوده شدن به لهو و لعب و همچنین کوتاهی در وظایف خانوادگی نسبت به والدین می باشد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نامه‌ای به فرماندار بصره، عثمان بن حنیف انصاری که دعوت مهمانی سرمایه‌داری از مردم بصره را پذیرفت، فرمودند:

«پس از یاد خدا و درود! ای پسر حنیف، به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی. خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های پر از غذا پی در پی در جلوی تو نهادند، گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند، اندیشه کن در کجایی؟ و بر سر کدام سفره می‌خوری؟ پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی دور بیفکن و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن. آگاه باش! هر پیروی را امامی است. که از او پیروی می‌کند و از نور دانشش روشنی می‌گیرد. آگاه باش امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید.»^۱

در داستان معروف تشرّف حاج علی بغدادی^۲ به محضر امام زمان (علیه السلام) آمده است که چون حاج علی بغدادی از قبولی زیارت برخی همسفرانش در زیارت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) پرسید، امام زمان (عج) بر قبولی زیارت برخی دوستانش که مقید به رعایت اخلاق و آداب دینی بودند مهر تایید زدند و نسبت به قبولی زیارت برخی همسفرانش که در طی مسیر مشغول لهو و لعب بوده و عاق والدین شده بودند سکوت کردند و با سکوت خود اعمال و زیارت آنان را مردود و بی نتیجه دانستند.



۱. نهج البلاغه / نامه ۴۵.

۲. مفاتیح الجنان.

۴. ادعای شیعه‌گری

در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام و عکس العمل‌های رفتاری ایشان، تفاوت قائل شدن و تمایز بین دو مفهوم شیعه‌ی خالص و واقعی با محبّ و متشیّع (کسی که ادعای شیعه‌گری می‌کند، اما شیعه‌ی خالص نیست) به وضوح مشاهده می‌شود و چنانچه کسانی بدون دارا بودن شایستگی اخلاق و رفتاری به خود نسبت تشیّع دهند، مورد طرد و خشم آن بزرگواران قرار می‌گیرند، زیرا اصطلاح شیعه در فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، مقامی والا است، بطوری که در تعریف آن در روایات آمده است:

(الشَّيْعَةُ مَنْ شَايَعَ عَلِيًّا)

«شیعه کسی است که با حضرت علی علیه‌السلام (در اندیشه، اخلاق و رفتار) همراه و هماهنگ باشد.»^۱

(إِنَّ شَيْعَتَنَا مَنْ شَيَّعَنَا وَاتَّبَعَ آثَارَنَا وَاقْتَدَى بِأَعْمَالِنَا)

«همانا شیعه‌ی ما کسی است که ما را همراهی کرده، از سخنان ما پیروی نماید و به اعمال ما اقتداء کند.»

اما از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام اگر کسی دارای صفات شیعه نباشد، شیعه نیست، بلکه محبّ محسوب می‌شود و محبّ اگر ادعا کند شیعه است مورد توییح اهل بیت علیهم‌السلام واقع می‌شود. در این خصوص در سیره‌ی حضرت رضا علیه‌السلام آمده است گروهی از دوستان حضرت رضا علیه‌السلام به قصد زیارت و ملاقات با آن امام، به سوی خراسان به راه افتادند و هنگامی که خواستند به محضر امام مشرف شوند، خود را شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام معرفی کردند (و گفتند: نَحْنُ شَيْعَةُ عَلِيٍّ) اما حضرت آنان را نپذیرفتند و به غلام خود فرمودند: (أَنَا مَشْغُولٌ فَاصْرِفْهُمْ) «من مشغله دارم، آنان را بازگردان» آنان بازگشتند و روز دوم برگشتند و دوباره همان ادعا (شیعه‌گری علی علیه‌السلام) را مطرح کردند و همان جواب را شنیدند تا اینکه این مراجعه و عدم پذیرش حضرت تا دو ماه متوالی به درازا کشید و آنان مأیوس شدند. پس به غلام حضرت گفتند:

(قُلْ لِمَوْلَانَا إِنَّا شَيْعَةُ أَبِيكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَقَدْ شِمْتَ بِنَا أَعْدَاءُنَا فِي حِجَابِكَ لَنَا وَنَحْنُ نَنْصَرِفُ هَذِهِ الْكَرَّةَ وَنَهْرَبُ مِنْ

۱. میزان الحکمه / ح ۹۹۳۷ / عن.



بَلَدْنَا خَجَلًا...»

«به مولایمان بگو ما شیعیان پدرت علی علیه السلام هستیم، دشمنان ما را به خاطر عدم پذیرش شما شماتت می‌کنند و ما این بار با شرمساری و خجالت به شهر و دیارمان باز می‌گردیم...»
پس در این هنگام حضرت به غلام فرمودند: به آنان اذن دخول بده، پس آنان داخل شدند و بر حضرتش سلام دادند، پس حضرت پاسخ سلام آنان را نداد و اجازه نشستن به ایشان مرحمت نکرد، پس آنان سرپا ایستادند و عرضه داشتند: ای فرزند رسول خدا! علت این جفاء در حق ما چیست؟ از این پس دیگر چه چیزی (آبرویی) برای ما باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: «اقْرؤا: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» مَا اقْتَدَيْتَ إِلَّا بِرَبِّي...» «بخوانید این آیه را که می‌گوید: هیچ مصیبتی به شما نمی‌رسد مگر به خاطر آنچه که خودتان (از بدی‌ها) کسب کرده‌اید» و من در اینکار جز به خدا و رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و پدرانم اقتدا نکردم. پرسیدند: (جرم ما چیست؟) برای چه؟

حضرت فرمود:

(لِدَعْوَاكُمْ أَنْتُمْ شِيعَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام، وَيَحْكُمُ إِنَّمَا شِيعَتُهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَأَبُو ذَرٍّ وَ سَلْمَانَ وَ الْمَقْدَادُ وَ عَمَّارُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ الَّذِينَ لَمْ يُخَالَفُوا شَيْئًا مِنْ أَوْامِرِهِ...)
شما را نپذیرفتم به خاطر آنکه (به باطل) ادعا می‌کردید شیعه‌ی امیرالمؤمنین هستید، وای بر شما، همانا شیعه علی حسن و حسین است و ابوذر و سلمان و مقداد و محمد بن ابوبکر، کسانی که در هیچ چیز با دستورات او مخالفت نکردند و شما گفتید که از شیعیان علی علیه السلام هستید و حال آنکه در اکثر اعمالتان با او مخالفت می‌کنید و در بسیاری از واجبات الهی کوتاهی می‌کنید و نسبت به حقوق برادران دینی خود سهل‌انگارید، اگر می‌گفتید که از دوستان علی علیه السلام هستید و از دوستان او و دشمن دشمنان او، من سخن شما را انکار نمی‌کردم، اما این (تشیع) مرتبه شریفی است که ادعا کردید.

«ان لم تُصَدِّقُوا قَوْلَكُمْ بِفِعْلِكُمْ هَلَكْتُمْ إِلَّا أَنْ تَتَذَكَّرُوا مِنْ رَحْمَةِ رَبِّكُمْ»



«اگر سختتان را با عملتان تصدیق نکنید هلاک می‌شوید مگر اینکه رحمت الهی شما را دریابد.»
 پس آنان استغفار کردند و توبه نمودند. آنگاه امام رضا علیه السلام فرمود:

«فَمَرَحَبًا بِكُمْ اخوانی و اهل وُدّی...»

«آفرین بر شما برادران و دوستدارانم...»

و آنگاه امام یکایک آنان را در آغوش کشیدند و به غلام خود فرمودند: چند مرتبه آنان را بازگردانیدی، گفت، شست مرتبه، حضرت فرمود: شست مرتبه (از جانب من) به ایشان سر بزن و سلام مرا به آنان برسان.

پیام‌های اخلاقی این روایت را می‌توان در چند جمله خلاصه کرد:

۱. شایسته است دوستان و زائران اهل بیت علیهم السلام با صداقت و به دور از ادعاهای ناصحیح به محضر آن بزرگواران شرفیاب شوند.

۲. ادعای شیعه‌گری ادعایی بسیار بزرگ است.

۳. در صورتی که یاران اهل بیت علیهم السلام ادعای گزافی کنند، مورد توبیخ ایشان واقع می‌شوند.

۴. اگر زایران و دوستان اهل بیت علیهم السلام در ادعاهایشان صادق باشند، مشمول لطف و رحمت این خانواده قرار می‌گیرند.

با توجه به این داستان بر خادمان و زائران حریم رضوی لازم است با صداقت محضر آن حضرت مشرف شوند و صادقانه به تقصیرات خود اعتراف نمایند تا از لطف بی‌پایان امام رئوف خود بیش از پیش بهره‌مند گردند و شاید به دلیل لزوم حضور و زیارت صادقانه است که یکی از ادکار ورود به حرم امامان علیهم السلام این آیه‌ی شریفه است که (رَبِّ ادْخِلْنی مُدْخَلَ صِدْقٍ و اُخْرِجْنی مُخْرَجَ صِدْقٍ...)

«خدایا مرا صادقانه داخل کن و صادقانه خارج فرما...»^۱



۵. بی‌احترامی به دوستان اهل بیت علیهم‌السلام

در فرهنگ تربیتی اسلام، مکان‌های مقدّس، زمان‌های مقدّس، کتاب‌های مقدّس و انسان‌های مقدّس وجود دارند که در احکام و اخلاق دینی در این موارد لازم است علاوه بر رعایت آداب و احترامات ویژه‌ی هر یک، از هر گونه حرکتی که سبب هتک حرمت آنها شود خودداری گردد.

اما در این بین مؤمن به خدا و اهل‌بیت علیهم‌السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و استخفاف و تحقیر او از گناهان کبیره به شمار می‌رود.

خادمان و حرم‌بانان رضوی باید به این نکته توجّه کافی مبذول دارند که در حال خدمت به آستان مقدّس رضوی و زائران، مرتکب آزار و بی‌احترامی نسبت به مؤمنین زائر نگردند، چرا که این جرم از منظر دین در حکم تخریب کعبه است که علاوه بر حکم تحریمی، دارای آثار وضعی دنیوی، مانند سلب توفیقات و دور شدن از ائمه علیهم‌السلام می‌باشد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

(مَنْ آذَى مُؤْمِنًا وَ لَوْ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ كَانَ كَمَنْ هَدَمَ الْكَعْبَةَ وَ الْبَيْتَ الْمُقَدَّسَ وَ قَتَلَ عَشْرَةَ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ)^۱

«هر کس مؤمنی را بی‌آزارد هر چند به گفتن کلمه‌ای کوچک، روز قیامت در حالی وارد می‌شود که روی پیشانی‌اش نوشته شده: «ناامید از رحمت خدا» و مانند کسی است که کعبه و بیت المقدّس را ویران کرده و ده هزار نفر از فرشتگان را به قتل رسانیده است.»

همچنین آزار مؤمن در روایات در حکم اعلان مبارزه و جنگ با خدا معرفی شده است، چنانچه در حدیثی قدسی از قول خداوند متعال به موسی علیه‌السلام وارد شده:

(مَنْ أَهَانَ وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ)^۲

«هر کس به ولی من اهانت کند گویی با من (خدا) اعلان جنگ کرده است.»

همچنین اهل‌بیت علیهم‌السلام آزار و اهانت به مؤمن را آزار و اذیت



۱. ارشاد القلوب / ج ۱ / ص ۷۷.

۲. مستدرک الوسائل / ج ۹ / ص ۱۰۳.

به خود و خدا می‌دانند. امام صادق علیه السلام فرمودند:
(مَنْ إِسْتَخَفَّ بِمُؤْمِنٍ فِينَا إِسْتَخَفَّ وَ صَيَّعَ حُرْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ)
«هر کسی مؤمنی نسبت به ما اهل‌بیت را خوار شمرد،
حرمت خدا را خوار شمرده و از بین برده است.»^۱



۶. فخر فروشی

یکی از امتیازات و توفیقات زندگی برخی افراد، حضور در محضر اهل بیت (علیهم السلام)، همچواری با آنان و پوشیدن لباس خدمتگزاری به آستان آنها می‌باشد که خادمان حرم رضوی از این گروهند که فیض حضور در بارگاه ملکوتی ثامن الحجج (علیه السلام) و انس با آن امام رئوف در کسوت خدمت به زائران ایشان روزی‌شان شده است. نکته قابل توجه اینکه، این امتیاز و امکان خدمتگزاری نباید سبب تفاخر، خود برتری‌بینی و فخر فروشی نسبت به دیگران شود، چرا که در این صورت جایگاه خود نزد امام را از دست خواهند داد.

در توضیح رذیله‌ی تفاخر در کتب اخلاقی آمده است: افتخار (فخر فروشی و خودستایی) یعنی مباهات و نازندگی گفتاری انسان به اموری که توهم کمال بودن آن را دارد و غالباً هم آن امور بیرون از ذات فرد می‌باشد.^۱

ماجرای بزنتی از ملازمان امام رضا (علیه السلام)، برای همه و بویژه خادمین حرم آن حضرت درس عبرتی آموزنده است تا با دقت در آن، از این رذیله اخلاقی مصون و محفوظ بمانند.

احمد بن نصر بزنتی پس از ارتباطات مکاتبه‌ای و مناظرات حضوری علمی با امام رضا (علیه السلام) ایمان آورد.

روزی به امام گفت: «من میل دارم در مواقعی که مانعی در کار نیست و رفت و آمد من از نظر دستگاه حکومت اشکالی ندارد، شخصاً به خانه‌ی شما بیایم و حضوراً استفاده کنم.»

یک روز، آخر وقت، امام رضا (علیه السلام) مرکب شخصی خود را فرستاد و بزنتی را پیش خود خواند. آن شب تا نیمه‌های شب به سؤال و جواب‌های علمی گذشت. مرتباً بزنتی مشکلات خویش را می‌پرسید و امام جواب می‌داد. بزنتی از این موقعیت که نصیبش شده بود به خود می‌بالید و از خوشحالی در پوست نمی‌گنجید.

شب گذشت و موقع خواب شد. امام خدمتکار را طلب کرد و فرمود: «همان بستر شخصی مرا که خودم در آن می‌خوابم بیاور برای بزنتی بگستران، تا استراحت کند.»

این اظهار محبت، بیش از اندازه در بزنتی مؤثر افتاد. مرغ



خیالش به پرواز درآمد؛ در دل با خود می‌گفت: «الآن در دنیا کسی از من سعادتمندتر و خوشبخت‌تر نیست.» (لَيْسَ فِي الدُّنْيَا مَنْ هُوَ أَحْسَنُ حَالًا مِنِّي...). این منم که امام مرکب شخصی خود را برایم فرستاد و با آن مرا به منزل خود آورد، این منم که امام نیمی از شب را تنها با من نشست و پاسخ سؤالات مرا داد. بعلاوه‌ی همه‌ی اینها، این منم که چون موقع خوابم رسید، امام دستور داد که بستر شخصی او را برای من بگسترانند. پس چه کسی در دنیا از من سعادتمندتر و خوشبخت‌تر خواهد بود. بزنتی سرگرم این خیالات خوش بود و دنیا و ما فیها را زیر پای خودش می‌دید، ناگهان امام رضا علیه السلام در حالی که دست‌ها را به زمین عمود کرده بود و آماده‌ی برخاستن و رفتن بود، با جمله‌ی «یا احمد!»، بزنتی را مخاطب قرار داد و رشته‌ی خیالات او را پاره کرد. آنگاه فرمود: (لَا تَفْخَرْ عَلَي أَصْحَابِكَ بِذَلِكَ...)



«هرگز آنچه را که امشب برای تو پیش آمد، مایه‌ی فخر و مباهات خویش بر دیگران قرار نده، زیرا صعصعه بن صوحان - که از اکابر یاران علی بن ابیطالب علیه السلام بود - مریض شد. علی به عیادت او رفت و بسیار به او محبت و ملاحظت کرد؛ دست خویش را از روی مهربانی بر پیشانی صعصعه گذاشت، ولی همین‌که خواست از جا حرکت کند و برود، او را مخاطب قرار داد و فرمود: این امور را هرگز مایه‌ی فخر و مباهات خود قرار نده؛ اینها دلیل بر چیزی از برای تو نمی‌شود. من تمام اینها را به خاطر تکلیف و وظیفه‌ای که متوجه من است انجام دادم و هرگز نباید کسی این‌گونه امور را دلیل بر کمالی برای خود فرض کند.»^۱

برادر امام رضا علیه السلام، زید النّار نیز از آنجا که به خاطر انتسابش با بیت امام در جامعه برای خود اعتباری داشت، دچار این خطا و لغزش شد. او که با توجه به سیادتش برای خود منزلتی والا قائل می‌شد به دیگران فخر فروشی می‌نمود که در همین راستا با برخورد صریح و قاطع امام رضا علیه السلام روبه‌رو شد. شهید مطهری رحمته الله جریان این برخورد را در کتاب داستان راستان بدین‌گونه شرح می‌دهند:

۱. داستان راستان / شهید مطهری رحمته الله / داستان ۳۷.

در زمانی که علی بن موسی الرضا علیه السلام از طرف مأمون به خراسان احضار شده و اجباراً با شرایط خاصی ولایت عهدی مأمون را پذیرفته بود، «زید النار» برادر امام نیز در خراسان بود. زید به واسطه‌ی داعیه‌ای که داشت و انقلابی که در مدینه برپا کرده بود، مورد خشم و غضب مأمون قرار گرفته بود. اما مأمون که آن ایام سیاستش اقتضا می‌کرد حرمت و حشمت امام رضا علیه السلام را حفظ کند، به خاطر امام از قتل یا حبس برادرش زید صرف نظر کرد.

روزی در یک مجلس عام، عده‌ی زیادی شرکت داشتند و امام رضا علیه السلام برای آنها صحبت می‌کرد. از آن سو زید، عده‌ای از اهل مجلس را متوجه خود کرده بود و برای آنها در فضیلت سادات و اولاد پیغمبر و اینکه آنان وضع استثنایی دارند، داد سخن می‌داد و مرتب می‌گفت: «ما خانواده چنین، ما خانواده چنان». امام متوجه گفتار زید شد. ناگهان نگاه تند و فریاد «یا زید!» امام، زید و همه‌ی اهل مجلس را متوجه کرد. فرمود: «ای زید! حرف‌های بقال‌های کوفه باورت آمده و مرتب تحویل مردم می‌دهی؟ اینها چه چیز است که به مردم می‌گویی؟ آن که شنیده‌ای خداوند ذریه فاطمه را از آتش جهنم مصون داشته است، مقصود فرزندان بلافصل فاطمه، یعنی حسن و حسین و دو خواهر ایشان است. اگر مطلب این طور است که تو می‌گویی و اولاد فاطمه وضع استثنایی دارند و به هر حال آنان اهل نجات و سعادت‌اند، پس تو نزد خدا از پدرت موسی بن جعفر گرامی‌تری، زیرا او در دنیا امر خدا را اطاعت کرد، قائم اللیل و صائم النهار بود، و تو امر خدا را عصیان می‌کنی و به قول تو هر دو مثل هم اهل نجات و سعادت هستید. پس برد با تو است، زیرا موسی بن جعفر علیه السلام عمل کرد و سعادت‌مند شد و تو عمل نکرده و رنج نبرده گنج بردی. علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام می‌گفت: نیکوکار ما اهل بیت پیغمبر دو برابر اجر دارد و بدکار ما دو برابر عذاب، همان‌طور که قرآن درباره‌ی زنان پیغمبر تصریح کرده است؛ زیرا آن کس از خاندان ما که نیکوکاری می‌کند در حقیقت دو کار کرده: یکی اینکه مانند دیگران کار نیکی کرده؛ دیگر اینکه حیثیت و احترام پیغمبر را حفظ کرده است. آن کس هم که گناه می‌کند دو گناه مرتکب



شده: یکی اینکه مانند دیگران کار بدی کرده؛ دیگر اینکه آبرو و حیثیت پیغمبر را از بین برده است.»

آنگاه امام رو کرد به حسن بن موسای و شاء بغدادی که از اهل عراق بود و در آن وقت در جلسه حضور داشت، و فرمود: «مردم عراق این آیهی قرآن را: «أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ أَنَّهُ عَمَلٌ غَيْرٌ صَالِحٌ»^۱ را چگونه قرائت می کنند؟»

- «یا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ! بَعْضِي طَبَقَ مَعْمُولٌ «أَنَّهُ عَمَلٌ غَيْرٌ صَالِحٌ»^۲ قرائت می کنند، اما بعضی دیگر که باور نمی کنند خداوند پسر پیغمبری را مشمول قهر و غضب خود قرار دهد، آیه را «أَنَّهُ عَمَلٌ غَيْرٌ صَالِحٌ»^۳ قرائت می کنند و می گویند او در واقع از نسل نوح نبود. خداوند به او گفت: ای نوح او از نسل تو نیست؛ اگر از نسل تو می بود من به خاطر تو او را نجات می دادم.»

امام فرمود: «ابداً این طور نیست. او فرزند حقیقی نوح و از نسل نوح بود. چون بدکار شد امر خدا را عصیان کرد، پیوند معنوی اش با نوح بریده شد. به نوح گفته شد این فرزند تو ناصالح است، از این رو نمی تواند در ردیف صالحان قرار گیرد. موضوع ما خانواده نیز چنین است. اساس کار، پیوند معنوی و صلاح عمل و اطاعت امر خداست. هر کس خدا را اطاعت کند از ما اهل بیت است، گو اینکه هیچ گونه نسبت و رابطه‌ی نسلی و جسمانی با ما نداشته باشد، و هر کس گنهکار باشد از ما نیست، گو اینکه از اولاد حقیقی و صحیح النسب زهرا باشد. همین خود تو که با ما هیچ گونه نسبتی نداری، اگر نیکوکار و مطیع امر حق باشی از ما هستی»^۴



۱. هود/ ۴۶.

۲. یعنی: این فرزند تو، فرزندی است ناصالح.

۳. یعنی: او فرزند آدم بدی است؛ فرزند تو نیست.

۴. داستان راستان شهید مطهری رحمته الله علیه / داستان ۱۰۲.

چهار خاطره و چهار الگوی خدمت از چهار خادم اهل بیت علیهم السلام

خادمان اهل بیت علیهم السلام به عنوان افرادی که در زمان حیات امامان علیهم السلام گوی سبقت را از دیگران ربودند و مدال افتخار و خدمتگزاری به آستان مقدس اولیای الهی را به سینه آویختند، می‌توانند برای ما الگویی مناسب در معرفت پیشوایان دین و خدمت به ساحت مقدس ایشان به شمار آیند و به عنوان کسانی که مناسبترین بستر هدایت و کمال برایشان فراهم آمده مورد اقتدا قرار گیرند، که قرآن می‌فرماید:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبُهِدَاهُمْ أَقْتَدَهُ»^۱

«آنان کسانی‌اند که خدایشان هدایت کرده، پس به هدایت ایشان اقتدا کن.»

در اینجا مناسب دیدیم برای داشتن تصویری روشن‌تر از این خادمان با اخلاص، به چند شخصیت از خدام درگاه اهل بیت علیهم السلام و معرفت مثال زدنی ایشان به موالی خود، اشاره کنیم.



۱. قنبر غلام امیرالمؤمنین

یکی از ملازمان، خدمتگزاران، یاران و صحابی حضرت علی علیه السلام، قنبر است، نام پدرش حمدان، کنیه او ابو همدان و محل دفن او شهر حمص یا نجف در کنار کمیل بن زیاد و یا در شهر کوفه گزارش شده است. او ایرانی و از اهالی همدان است، فردی خطیب و صاحب اعتبار و از شاهزادگان بود که به اسارت برده می‌شود و حضرت علی علیه السلام او را برای همراهی خود انتخاب می‌کند.

براساس شواهد تاریخی، او فردی شجاع و جسور، قابل اعتماد برای حضرت علی علیه السلام، صاحب سخن، راوی احادیث اهل بیت علیهم السلام، مطیع و مجری فرامین امیرالمؤمنین علیه السلام، ملازم و همراه حضرت علی علیه السلام در جنگ و صلح و شب و روز بوده و بالاخره مداح اهل بیت علیهم السلام و شهید در راه علی علیه السلام به دست حجاج بن یوسف ثقفی است. قنبر از کسانی بود که تا آخر عمر در راه ولایت، کوچکترین انحرافی در او پیدا نشد. امام صادق علیه السلام فرمودند: قنبر غلام علی علیه السلام آن حضرت را بسیار دوست می‌داشت و هرگاه علی علیه السلام بیرون می‌رفت مخفیانه و برای محافظت به دنبال آن حضرت بیرون می‌رفت و خود را نشان نمی‌داد. یک شب علی علیه السلام او را دید و فرمود، ای قنبر چه شده که دنبال من آمده‌ای؟ قنبر گفت: پشت سر شما آمدم تا مراقب شما باشم. امام فرمود، از اهل آسمان می‌خواهی حفظ کنی یا از اهل زمین؟ قنبر گفت از اهل زمین. امام فرمود، اهل زمین نمی‌توانند به من آسیب برسانند مگر به اذن خدا.^۱ قنبر به عنوان غلامی با معرفت، از مقربان درگاه امیرالمؤمنین علیه السلام بود که الطاف خاص امام خویش را با تمام وجودش درک کرده بود. او خادمی توانمند، پرکار و با اخلاص برای حضرت علی علیه السلام بود که در تبیین شخصیت مولای خود بسیار زیبا و موجز، سخن‌سرایی کرد و مجموعه‌ای از فضایل آن حضرت را در دل تاریخ با توصیف خود به یادگار سپرد. معرفی شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام از زبان قنبر حاکی از آن است که این خادم با معرفت، امامش را از اعماق وجود شناخته بود و با کسب افتخار خدمتگزاری در رکاب آن حضرت،



اینگونه سیمای حضرت علی علیه السلام را به تصویر می کشد که چون از او پرسیده می شود: «مَنْ مَوْلَاكَ؟» بلافاصله به بیان بیش از یکصد و ده صفت از صفات حضرت می پردازد.

در روایتی می خوانیم:

قنبر در وصف حضرت علی علیه السلام گفت: مولای من علی علیه السلام کسی بود که:

- | | |
|---|--|
| ۱. ضَرَبَ بِسَيْفَيْنِ | با دو شمشیر می جنگید. |
| ۲. وَ طَعَنَ بِرُمْحَيْنِ | با دو نیزه مبارزه می کرد |
| ۳. وَ صَلَّى الْقِبْلَتَيْنِ | بر دو قبله (بیت المقدس و کعبه) نماز خواند. |
| ۴. وَ بَايَعَ الْبَيْعَتَيْنِ | دو مرتبه با پیامبر بیعت نمود. |
| ۵. وَ هَاجَرَ الْهَجْرَتَيْنِ | دو مرتبه در راه خدا هجرت کرد. |
| ۶. وَ لَمْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ | هیچ گاه و لحظه ای کافر نبود. |



۱. بحار الانوار، ج ۴۲ / ص ۱۳۴. * عن ابراهيم بن الحسين الحسني العقيقي رفعه قال سئل قنبر مولى من أنت؟ فقال: مولاي من ضرب بسيفين و طعن برمحين و صلى القبلتين و بايع البيعتين و هاجر الهجرتين و لم يكفر بالله طرفه عين، أنا مولى صالح المؤمنين و وارث النبيين و خير الوصيين و أكبر المسلمين و يعسوب المؤمنين و نور المجاهدين و رئيس البكائين و زين العابدين و سراج الماضين و ضوء القاتمين و أفضل القاتنين و لسان رسول رب العالمين و أول المؤمنين من آل يس، المؤيد بجبرئيل الأمين و المنصور بيمكائيل المتين و المحمود عند أهل السماء أجمعين سيد المسلمين و السابقين و قاتل الناكثين و المارقين و الفاسطين و المحامي عن حرم المسلمين و مجاهد أعدائه الناصبين و مطفي نارالموقدين و أفخر من مسي من قريش أجمعين و أول من أجاب واستجاب لله، أمير المؤمنين و وصي نبيه في العالمين و أمينه على المخلوقين و خليفة من بعث إليهم أجمعين و سيد المسلمين و السابقين و مبيد المشركين و سهم من مرامي الله على المنافقين و لسان كلمة العابدين، ناصر دين الله و ولي الله و لسان كلمة الله و ناصره في أرضه و غيبة علمه و كهف دينه، إمام أهل الأبرار إمام الأبرار من رضى عنه العلي الجبار، سمح، سخى، حبي، يهلول، سنحجى، زكى، مطهر، أبطحى، جرى، هام، صابر، صوام، مهدي، مقدام، قاطع الأضلاب، مفرق الأحزاب، عالي الرقاب، أرتطهم عنانا و أنتبهم جنانا و أشدهم شكيمه، بازل، باسل، صنديد، هزير، ضرغام، حازم، عزام، حصيف، خطيب، مخجاج، كريم الأضلل، شريف الفصل، فاضل القبيلة، نقي العشرة، زكى الركابة، مؤدى الأمانة، من نبى هاشم، و ابن عم النبي صلى الله عليهما، الإمام المهدي، الرشاد، مجانِب الفساد، الأشعث، النحات، البطل الجماجم و الليث المزاحم بدرى، مكى، حنفى، روحانى، شمسعاني، من الجبال شواقتها و من ذي الضباب رؤوسها و من القرب سيدها و من الوغى ليتها، البطل الهامم و الليث المقدام و البدر التمام، محك المؤمنين و وارث المشعرين و أبو السبطين الحسن و الحسين و الله أمير المؤمنين حقا حقا علي بن أبي طالب عليه من الله الصلوات الزكية و البركات السنية. *

۷. أَنَا مَوْلَىٰ صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ

من خدمتگزار صالح‌ترین ایمان
آوردگانم.

۸. وَ وَاَرِثَ النَّبِيِّنَ

وارث همه پیامبران الهی

۹. وَ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ

بهترین جانشینان پیامبران

۱۰. وَ أَكْبَرِ الْمُسْلِمِينَ

بزرگ‌ترین اسلام آوردگان

۱۱. وَ يَعْسُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

فرمانده و امیر ایمان آوردگان

۱۲. وَ نُورِ الْمُجَاهِدِينَ

نور و روشنایی بخش رزم‌آوران

۱۳. وَ رِئِيسِ الْبِكَايِنَ

رئیس اشک‌ریزان به درگاه خدا

۱۴. وَ زِينِ الْعَابِدِينَ

زینت عبادت‌پیشه‌گان

۱۵. وَ سِرَاجِ الْمَاضِيْنَ

چراغ هدایت‌پیشه‌گان

۱۶. وَ ضَوْءِ الْقَائِمِينَ

نوربخش‌قیام‌کنندگان

۱۷. وَ أَفْضَلِ الْقَائِمِينَ

برترین پارسایان و نیایشگران

۱۸. وَ لِسَانِ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

زبان و سخنگوی فرستاده خداوند جهانیان

۱۹. وَ أَوَّلِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ آلِ يَس

اولین ایمان آورده از خاندان رسول خدا

۲۰. الْمُؤَيَّدِ بِجَبْرِئِيلِ الْأَمِينِ

مورد حمایت جبرئیل امین

۲۱. وَ الْمَنْصُورِ بِمِيكَائِيلِ الْمَتِينِ

یاری شده از سوی میکائیل متین

۲۲. وَ الْمَحْمُودِ عِنْدَ أَهْلِ السَّمَاءِ
أَجْمَعِينَ

ستوده شده در نزد همه آسمانیان

۲۳. سَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ وَ السَّابِقِينَ

سرور همه مسلمانان و پیشتازان دین

۲۴. وَ قَاتِلِ النَّكَثِينَ

ستیزه‌گر با ناکثین (در جنگ جمل)

۲۵. وَ الْمَارِقِينَ

قاتل و ستیزه‌گر با مارقین (خوارج)

۲۶. وَ الْقَاسِطِينَ

قاتل و ستیزه‌گر با قاسطین (معاویه)

۲۷. وَ الْمُحَامِي عَنِ حَرَمِ
لُؤْسِ الْمُسْلِمِينَ

مدافع حریم و حرمت مسلمانان

۲۸. وَ مُجَاهِدِ أَعْدَائِهِ النَّاصِبِينَ

مبارزه‌کننده با دشمنان کینه‌توز خود

۲۹. وَ مُطْفِئِ نَارِ الْمُوقِدِينَ

خاموش‌کننده‌ی آتش فتنه‌گران



۳۰. وَ أَفْخَرُ مَنْ مَشَى مِنْ قُرَيْشٍ
أَجْمَعِينَ
با افتخارترین فرد از قریش
اجمعین
۳۱. وَ أَوَّلَ مَنْ أَجَابَ وَ اسْتَجَابَ
اللَّهِ
اولین اجابت کننده‌ی دعوت خدا و رسول
خدا ﷺ
۳۲. أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
امیر و حاکم سیاسی مؤمنین
۳۳. وَ وَصَى نَبِيِّهِ فِي الْعَالَمِينَ
جانشین پیامبر ﷺ بین انس و جن
۳۴. وَ أَمِينَهُ عَلَى الْمَخْلُوقِينَ
امین پیامبر ﷺ بین همه خلق خدا
۳۵. وَ خَلِيفَةَ مَنْ بُعِثَ إِلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ
جانشین پیامبر مبعوث بر خلق
اجمعین
۳۶. وَ سَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ وَ السَّابِقِينَ
سرور مسلمانان و سبقت‌گیرندگان به
اسلام
۳۷. وَ مُبِيدِ الْمُشْرِكِينَ
براندازنده‌ی کفار و مشرکین
۳۸. وَ سَهْمٍ مِنْ مَرَامِي اللَّهِ عَلَى
الْمُنَافِقِينَ
تیری از تیرهای الهی بر منافقین
۳۹. وَ لِسَانِ كَلِمَةِ الْعَابِدِينَ
زبان و سخنگوی عبادت‌کنندگان
۴۰. نَاصِرِ دِينِ اللَّهِ
یاور دین خدا
۴۱. وَ وَلِيِّ اللَّهِ
و ولی خدا (و محبوب خدا)
۴۲. وَ لِسَانِ كَلِمَةِ اللَّهِ
و مفسر و زبان‌گویای قرآن
۴۳. وَ نَاصِرِهِ فِي أَرْضِهِ
و یاور خدا در روی زمین
۴۴. وَ عَيْبَةِ عِلْمِهِ
گنجینه‌دار علم خدا
۴۵. وَ كَهْفِ دِينِهِ
و پناهنگاه و قلعه حفاظت دین خدا
۴۶. إِمَامِ أَهْلِ الْأَثَرِ
پیشوای نیکوکاران
۴۷. مَنْ رَضِيَ عَنْهُ الْعَلِيُّ الْجَبَّارُ
آن که خدای بلند مرتبه جبار از او راضی
بود
۴۸. سَمَّحٍ
با گذشت
۴۹. سَخِيٍّ
بخشنسگر و سخاوتمند
۵۰. حَيٍِّّ
با حیاء و منزه از بدی‌ها





خندان و با نشاط	۵۱. بَهْلُولٌ
شب بیدار	۵۲. سَنَحْنَحِيٌّ
پاک نهاد و پاکیزه	۵۳. زَكِيٌّ
پاک شده از طرف خدا	۵۴. مُطَهَّرٌ
مردی از وادی ابطح (در مکه)	۵۵. أَبْطَحِيٌّ
پر جرأت	۵۶. جَرِيٌّ
دارای همت بلند و عالی	۵۷. هُمَامٌ
صبور و مقاوم	۵۸. صَابِرٌ
بسیار روزه گیر	۵۹. صَوَّامٌ
هدایت شده از طرف خدا	۶۰. مَهْدِيٌّ
آماده به کار و اقدام کننده	۶۱. مِقْدَامٌ
براندازنده‌ی نسل مشرکان و کفار و متعصبان	۶۲. قَاطِعُ الْأَصْلَابِ
در هم ریزنده‌ی نظام احزاب مخالف	۶۳. مُفْرَقُ الْأَحْزَابِ
فرا دست و مسلط بر افراد	۶۴. عَالِي الرُّقَابِ
خویشتن داری مردم	۶۵. أَرْبَطُهُمْ عَنَانًا
دلدارترین مردم	۶۶. وَأَثْبَتُهُمْ جَنَانًا
دارای شدیدترین دل و با صلابت	۶۷. وَأَشَدَّهُمْ شَكِيمَةً
دارای کمال تجربه و فهم	۶۸. بَازِلٌ
مردی توانمند و خشمگین (بر دشمنان)	۶۹. بَاسِلٌ
از رؤسای عرب	۷۰. صِنْدِيدٌ
چون شیر چالاک	۷۱. هَزِيرٌ
دلاور و شیردل	۷۲. ضِرْغَامٌ
آینده‌نگر و جامع‌نگر	۷۳. حَازِمٌ
دارای اراده‌ای قوی	۷۴. عَزَامٌ
مصلحت‌اندیش و دورنگر	۷۵. حَصِيفٌ

سخنگو و سخنوری توانا و دانا
 در گفتگوی علمی و مناظره سرآمد
 تبار و پدری اصیل داشت.
 مادری شریف و گرامی داشت.
 از قبیله‌ای برتر (قریش)
 از عشیره‌ای پاک (بنی هاشم) بود.
 فردی متین و باوقار
 پرداخت کننده امانات
 بنی هاشمی از ناحیه پدر و مادر
 پسر عمومی رسول خدا ﷺ
 پیشوای هدایت شده
 رشد یافته و کامل
 از فساد و باطل دور
 فردی ژولیده و آشفته در راه اسلام و خدا
 قاضی عادل (و یا بخشنده)
 دلیر، شجاع و برتر قوم
 جنگنده و تنگ کننده‌ی عرصه بر دشمنان
 از اصحاب بدر
 تولد یافته‌ی مکه و خانه خدا
 متعادل و پیرو ابراهیم خلیل
 با معنویت و آسمانی
 فردی بلند قامت و رشید
 (بین نامداران) چون کوه‌های بزرگ
 (بین پایمردان) چون قلعه‌ی سخت
 از سروران و رؤسای عرب

۷۶. حَطِيبٌ
 ۷۷. مِحْجَاجٌ
 ۷۸. كَرِيْمُ الْأَصْلِ
 ۷۹. شَرِيْفُ الْفَصْلِ
 ۸۰. فَاضِلُ الْقَبِيْلَةِ
 ۸۱. نَقِيُّ الْعَشِيْرَةِ
 ۸۲. زَكِيُّ الرِّكَائَةِ
 ۸۳. مُؤَدِي الْأَمَانَةِ
 ۸۴. مِنْ بَنِي هَاشِمٍ
 ۸۵. وَ ابْنُ عَمِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا
 ۸۶. الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ
 ۸۷. الرَّشَادِ
 ۸۸. مُجَانِبِ الْفَسَادِ
 ۸۹. الْأَشْعَثُ
 ۹۰. الْحَاتِمُ
 ۹۱. الْبَطْلُ الْجَمَاعِمُ
 ۹۲. وَ اللَّيْثُ الْمُزَاحِمُ
 ۹۳. بَدْرِيٌّ
 ۹۴. مَكِّيٌّ
 ۹۵. حَنْفِيٌّ
 ۹۶. رُوْحَانِيٌّ
 ۹۷. شَعْشَعَانِيٌّ
 ۹۸. مِنْ الْجِبَالِ شَوَاهِقِهَا
 ۹۹. وَ مِنْ ذِي الْهَضَابِ رُءُوسُهَا
 ۱۰۰. وَ مِنَ الْعَرَبِ سَيِّدُهَا



۱۰۱. وَمِنَ الْوَعَى لَيْتُهَا

شیر میادین نبرد

۱۰۲. الْبَطْلُ الْهُمَامُ

جنگنده‌ای سخت اراده

۱۰۳. وَاللَّيْثُ الْمَقْدَامُ

شیری پر جرأت و جسور

۱۰۴. وَالْبِدْرُ التَّمَامُ

ماه تمام و خوش چهره

۱۰۵. مِحْكُ الْمُؤْمِنِينَ

عامل شناخت مؤمنین

۱۰۶. وَوَارِثُ الْمَشْعَرَيْنِ

ارث برنده مشعرالحرام و منی

۱۰۷. وَ أَبُو السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَ

پدر نوادگان پیامبر ﷺ حسن و حسین

لُحْسَيْنِ

۱۰۸. وَ اللَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا

قسم به خدا - امیر بر حق مؤمنان بود.

حَقًّا

۱۰۹. عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

پسر ابی طالب بود.

۱۱۰. عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ الصَّلَوَاتُ

صلوات و درود پاک و برکات الهی بر

الرَّكِيَّةُ وَالْبَرَكَاتُ السَّيِّئَةُ

او باد.



و به راستی این است معرفت یک غلام واقعی اهل بیت علیهم السلام که در دم می‌تواند اینگونه فضائل و مناقب مولای خود را به تصویر بکشد.

۲. خادم امام حسین علیه السلام

وی، برده‌ی دانشمندی بود که توفیق شهادت در رکاب امام حسین علیه السلام را یافت. خوارزمی، درباره‌ی او آورده است: جوان ترکی که قاری قرآن و عربی‌دان بود، برای مبارزه به میدان آمد. او که از غلامان حسین علیه السلام بود، نبرد را شروع کرد، در حالی که چنین رجز می‌خواند:

الْبَحْرُ مِنْ طَعْنِي وَ صَرَبِي يَصْطَلِي
وَ الْجَوْ مِنْ سَهْمِي وَ نَبْلِي يَمْتَلِي

«دریا، از نیزه انداختن و شمشیر زدند متلاطم می‌شود. و فضا، از تیر و تیراندازی‌ام آکنده می‌شود.»

اِذَا حُسَامِي فِي يَمِينِي يَنْجَلِي
يُنْشَقُّ قَلْبُ الْحَاسِدِ الْمُبْجَلِ

«زمانی که شمشیرم در دست راستم برق می‌زند، قلب حسودان بزرگ را می‌شکافد.»

سپس تعدادی را کشت. او را محاصره کردند و به زمینش زدند. حسین علیه السلام به سوی او آمد و گریست و صورتش را بر صورت او گذاشت. او چشمانش را باز کرد و حسین علیه السلام را دید و لبخندی زد و به سوی پروردگارش، رهسپار شد.^۱ آنگونه که از شخصیت این غلام باوفا پیداست او کسی بود که:

به قرآن تسلط داشت و در زمره‌ی قاریان و اهل قرآن به شمار می‌رفت.

راه و رسم خدمت‌گزاری را در نیمه راه رها نکرده، بلکه تا مرز جانفشانی به پیش رفت و جان خویش را در راه امام خود فدا نمود.

علاوه بر آشنایی با قرآن، اهل هنر و شعرسرایی نیز بوده است.

این غلام آنقدر مورد عنایت و لطف امام حسین علیه السلام بود که آن حضرت همانگونه که بر بالین حضرت علی اکبر علیه السلام حاضر شد، در کنار غلامش آمد و صورت بر صورت غلام گذاشت. (وَ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ)



۱. دانش نامه امام حسین علیه السلام / محمد ری شهری / ج ۶ / ص ۴۲۹ «به نقل از مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی ج ۲ / ص ۴۲.»

۳) خادم گمنام و مستجاب الدعوه امام سجّاد

یکی از غلامان گمنام امام سجّاد که حتی نامش در تاریخ هم ذکر نشد، به خاطر ادا کردن رسم خدمتگزاری تا جایی پیش رفته بود که مستجاب الدعوه به شمار می‌آمد. سعید بن مسیب در وصف حالات او می‌گوید:

«سالی قحطی آمد، مردم برای درخواست باران از خداوند اجتماع کرده بودند و دعا می‌کردند. در میان آنها چشمم به غلامی افتاد که بالای تلی رفت. از مردم جدا شد. نیروی مرموزی مرا به طرف او کشانید، خواستم از کیفیت راز و نیاز غلام باخبر شوم. جلو رفتم لب‌هایش تکان می‌خورد ولی من چیزی متوجه نشدم. هنوز دعایش تمام نشده بود که ابری آسمان را پوشانید. غلام سیاه همین که ابر را مشاهده کرد سپاس خدای را به جا آورد و از آنجا دور شد، باران شدیدی بارید. به اندازه‌ای که ترسیدیم سیل جاری شود. من غلام را تعقیب کردم ببینم کجا می‌رود. او وارد خانه علی بن الحسین زین‌العابدین شد، خدمت آن بزرگوار رسیدم و عرض کردم، در خانه شما غلام سیاهی است اگر ممکن است منت گذارید و به من بفروشیدش. فرمود: سعید! چرا نبخشم که بفروشم؟ امر کرد متصدی غلامان را که هر چه غلام در خانه بود جمع کرد، ولی آن کس که من در پی او بودم در میان آنها نبود. عرض کردند: اینها منظور من نیستند، پرسید، هنوز غلامی باقی مانده؟ عرض کرد: آری فقط یک نفر است که نگهبان اسب و شترهاست. فرمود او را هم حاضر کنید. تا وارد شد، دیدم همان کسی است که بر فراز تل، آهی جگرسوز داشت، گفتم آن که من دنبالش هستم خود اوست. حضرت فرمود: ای غلام از حالا سعید مالک توست، با او برو. غلام سیاه رو به من کرد و گفت (ما حَمَلَكَ عَلِيٌّ أَنْ فَرَّقَتْ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَوْلَايَ؟) «تو را چه واداشت که بین من و آقایم جدایی انداختی؟» گفتم: آنچه در بالای تل از تو مشاهده کردم. این سخن را که شنید دست به درگاه خدا بلند کرد با آهی جانسوز گفت: خدایا رازی بین من و تو بود، اکنون که پرده از روی آن برداشتی مرا نیز به سوی خود برگردان. حضرت سجّاد و کسانی که حضور داشتند از نیایش باصفای او به گریه افتادند



من هم اشکم جاری شد. همین که به منزل رسیدم یک نفر از طرف حضرت پیغام آورد که امام علیه السلام فرمود: اگر مایلی در تشییع جنازه دوستت شرکت کنی، بیا. با آن مرد به طرف خانه حضرت رفتم دیدم غلام در همان مجلس از دنیا رفته^۱. با دقت در شخصیت نورانی این غلام با معرفت در می‌یابیم: او با وجود شهرت در میان اهل آسمان، در میان اهل زمین گمنام بود.

ارتباطش با خدا تا بدان حد بود که به محض دعا کردن، دعایش به استجابت می‌رسید.

به خاطر داشتن روحیه خدمت به مردم، برای حلّ مشکل قحطی و خشکسالی دست به دعا شد.

به دلیل عشق وافر به مولای خود، جدا شدن از امامش را بالاترین خسارت می‌دانست.

با وجود مقام رفیع در پیشگاه حق، ساده‌ترین خدمت به امام سجاد علیه السلام را انتخاب کرده بود و با تمام وجود به انجام آن افتخار می‌ورزید.



۴. غلام امام صادق علیه السلام

در تاریخ آمده است امام صادق علیه السلام غلامی داشت که همیشه ملازم آن حضرت بود و هرگاه ایشان سواره به مسجد می‌رفت، غلام مرکب امام را تا مراجعت از مسجد نگاه می‌داشت، اتفاقاً در یکی از روزها که غلام مراقب مرکب حضرت بود چند مسافر خراسانی پیدا شدند. یکی از آنان به غلام گفت: آیا مایلی از امام صادق علیه السلام درخواست کنی من به جای تو باشم و تو به جای من و مال من از آن تو باشی، بدان که من مال بسیار دارم، تو آنها را صاحب شو. غلام گفت: از آقای خود می‌پرسم، پس خدمت حضرت رسید و عرضه داشت: یا ابن رسول الله اگر خدا خیری برای من رسانیده باشد آیا شما آنرا از من منع می‌کنید؟ حضرت فرمود: آنرا به تو خواهم داد. پس غلام ماجرای آن مرد خراسانی را به اطلاع حضرت رساند. امام فرمودند: اگر تو از خدمت به ما خسته شده‌ای و آن مرد راغب است در خدمت به ما، ما قبول می‌کنیم. پس چون غلام قصد برگشتن کرد حضرت به او فرمودند: به خاطر خدمت طولانی‌ات به ما، نصیحتی به تو می‌کنم، آنگاه اختیار با توست، بدان که چون روز قیامت شود پیامبر صلی الله علیه و آله به نور خدا دست آویزد و امیرالمومنین علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به امیرالمومنین علیه السلام و شیعیان، چنگ به دامان ما زنند و آنجا که ما داخل می‌شویم (بهشت)، داخل شوند.

غلام چون این سخن را از حضرت شنید عرضه داشت: من از خدمت شما جایی نمی‌روم و آخرت را بر دنیا بر می‌گزینم. پس غلام نزد آن خراسانی بازگشت. خراسانی چون غلام را دید گفت: ای غلام با سیمایی متفاوت از نزد حضرت بازگشتی. غلام سخن حضرت را برای آن مرد بازگو کرد و او را خدمت حضرت آورد. حضرت او را به خدمت پذیرفت و دستور داد هزار اشرفی به غلام دادند.^۱



۱. منتهی الآمال / ج / ص ۲۰۰ / با تصرف و تلخیص.

جملات طلایی در موضوع خدمت به زائران

- ۱- آیا می‌دانید حرم امام رضا علیه السلام قطعه‌ای از بهشت است و شما توفیق خدمت در بهشتی زمینی را یافته‌اید؟
- ۲- آیا می‌دانید این حرم، بهشت است و حضرت آدم به خاطر یک خطا از بهشت رانده شد؟
- ۳- آیا می‌دانید یکی از آسیب‌ها و آفات خدمتگزاری، عادت کردن به محیط و غفلت از بزرگترین فرصت رشد، یعنی حضور در محضر امام است؟
- ۴- آیا می‌دانید نقش شما نسبت به امام رضا علیه السلام، باید نقش قنبر نسبت به حضرت علی علیه السلام باشد؟
- ۵- با خلوص نیت و جدیت در انجام وظایف می‌توان به جای خادم حرم بودن، خادم صاحب حرم شد.
- ۶- مراقب باشید در لحظه‌های خدمت تن در حرم، روح غایب نباشد.
- ۷- احسان و محبت به میهمانان صاحب‌خانه، احسان و محبت به صاحب‌خانه است.
- ۸- آیا می‌دانید برخی از زائران برای رسیدن به این آستان مقدس، هزاران فرسخ طی طریق می‌کنند؟
- ۹- آیا می‌دانید برخی از زائران، روزهای متمادی با پای پیاده راه می‌روند تا به حضور امام رضا علیه السلام مشرف شوند؟
- ۱۰- سه شرط اساسی برای خدمت مقبول به آستان علی بن موسی الرضا علیه السلام عبارتند از: صداقت، معرفت و خدمت بی‌منت.
- ۱۱- حرم‌بانی، بیشتر دل می‌خواهد تا علم.
- ۱۲- شوق زیارت و فیض حضور در محضر امام رضا علیه السلام را از حالات صادقانه، زیبا و چشمان اشکبار زائران باید آموخت.
- ۱۳- مبدا معرفت زائری بی‌نام و نشان از خادمی پرآوازه بیشتر باشد.
- ۱۴- مبدا در حرم باشی و بیرون از حرم، چه آنکه بسیاری در حرم نیستند اما نامشان در طومار زائران و حاضران در حرم است.
- ۱۵- خوشا به حال زائران خادم و خادمان زائر.



۱۶- آیا می‌دانید بعضی از نزدیکان امام رضا علیه السلام مانند زید النَّار (برادر آن حضرت) از امام بسیار دور بودند. (نزدیکان دور)

۱۷- مراقب باش خیل جمعیت زائران اهل زمین، تو را از خیل زائران اهل آسمان و حضرت غافل نکند.

۱۸- آیا می‌دانید خادمانی از جنس فرشتگان همکار و همراه شمايند؟

۱۹- آیا می‌دانید حرم «بیت‌النبی»^۱ است؟

۲۰- شیرینی خدمت به زائران زمانی است که مزد خدمت را از دست مبارک صاحب‌خانه بگیری.

۲۱- خدمت بی‌مَنّت، مردانگی است.

۲۲- خدمت به زائر سه شرط لازم دارد: اول اخلاق نیکو، دوم اخلاق نیکو و سوم اخلاق نیکو.

۲۳- در کلاسِ حضورِ حرم مراقب باش روحت غائب نباشد.

۲۴- برای آقا سربازیم یا سربار؟ یاریم یا بار؟

۲۵- گاهی سربازان صفر این آستان، از درجه داران محبوب‌ترند.

۲۶- خوشا بر احوال سربازانِ گمنام خوشنام این بارگاه.

۲۷- کدام خادمِ قدرت سپاس بر فیضِ حضورِ در محضر امام را دارد؟

۲۸- هر سحر در حرم خیرهایی است، خواب نمانیم!

۲۹. یک شب بیتوته در حرم، معادل زیارت خدا در عرش است.

۳۰- اگر مُحرم نشد مُحرم، بدان نامش بود مُحرم

اگر مُحرم نگشتم من، چه سودی چون شدم مُحرم



۱. اللهم انی وقتت علی باب من ابواب بیوت نبیک.

